سپاس از خوانندگان و کاربران

ما از شما که هر ماه مبلغی هر چند اندک برای کمک به ادامه‌ی انتشار رسانه‌ی خودتان می‌پردازید از صمیم قلب سپاسگزاریم.

تنها پشتیبانان کیهان لندن شما خوانندگان و کاربران هستید.

روزنامه‌نگاران و کارکنان کیهان لندن

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

کیهان

سال سی و سوم ـ شماره ۸۶ (دورهٔ جدید)

جمعه ۲۸ آبان‌ماه تا پنجشنبه ۴ آذرماه ۱۳۹۵خورشیدی

Festival of Arts

فستیوال هنر

www.festivalofarts.co.uk

«ترامپ» و «برکسیت»؛ شهوت چیدن سیب از «درخت حرام»

انتخاب ترامپ و «برکسیت»، نشانه مرگ «لیبرال دمکراسی»، تعطیل روند جهانی شدن، و رویکرد به درون‌گرایی نیست، بلکه شکستن قراردادهایی است که حتی بدون محاسبه سود و زیان، گروهی به آن روی می‌آورند

سرویس سیاسی کیهان:

پیروزی ترامپ، چند ماه بعد از رای مردم بریتانیا برای خارج شدن از جامعه اروپا، «انتهای تاریخ» به صورتی که می‌شناسیم نیست، «تکرار تاریخ» است و بازگشت به آنچه ادیان ابراهیمی گناه آدم و حوا خوانده‌اند و دلیل خروج اجداد برهنه ما از بهشت، و تبعید آنها به زمین معرفی می‌کنند.

دو جامعه بزرگ اروپایی و آمریکایی در نتیجه «وسوسه‌ای شیطانی»، با رای به «برکسیت Brexit» و انتخاب ترامپ، به خویشتن تشنه‌ی خود بازگشتند برای تغییر، و رسیدن به لذت میوه‌ی حرام.

در کتاب‌های ادیان الهی، مجموعه کتاب‌های وصایای عهد عتیق (کتاب پیدایش)، انجیل، همچنین قرآن، خداوند «درخت ممنوع» را وسیله‌ی تشخیص «خوب و بد» از سوی انسان قرار داده است.

در زندگی انسان امروز که عینی و واقعی است و زمین تا آسمان متفاوت با دنیای خیالی تصویر شده در کتاب‌های آسمانی دارد، نه یکی،

بلکه هزاران «درخت ممنوع» مقابل انسان قد کشیده‌اند برای تمیز روشنی و تاریکی، تداوم و تغییر، لذت و درد، عبادت و گناه، خیانت و خدمت، ازدواج و طلاق، همجنس‌گرایی و انکار آن، سیاه و سپید، پوشیدگی و برهنگی، انتخاب نام دخترانه برای پسرها و برعکس، فقر و ...

تفسیر سیاسی هفته را در صفحهٔ ۲ بخوانید

سرمقاله

اربعین!

اعتقاد؟ خرافات؟ سیاست؟ تجارت؟ فرار؟ امسال، روز یک‌شنبه ۳۰ آبان برابر با «اربعین حسینی» است که زمانی به طور سنتی از سوی شیعیان ایران در شهرهای مختلف، هر یک با آیین‌های خاص خود، برگزار می‌شد.

اما آنچه همه‌ی مراسم عرفی و مذهبی را به مشکل تبدیل می‌کند هنگامی است که به عنوان ابزار سیاسی و هدفمند مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

در ایران نزدیک به چهار دهه است که اعتقادات مذهبی مردم به ابزاری جهت تحمیق سیستماتیک آنها تبدیل شده. بخش سنتی و تنگدست جامعه نیز با توجه به مشکلاتی که با آنها دست به گریبان است، به انواع و اقسام روش‌هایی که بتواند زندگی را آسانتر سازد روی می‌آورد؛ می‌خواهد سر سپردن به رژیم و ذوب شدن در ولایت برای استفاده از امکانات آن باشد یا دخیل بستن به امامزاده‌هایی که مثل قارچ از زمین می‌رویند و یا متولی شدن در مساجدی که به همان اندازه که بر شمارشان افزوده می‌شود، به همان اندازه خالی‌تر می‌شوند!

اربعین امسال اما با تبلیغاتی که بر سر آن صورت می‌گیرد، ابعاد دیگری یافته. از یک سو تهدید داعشی‌ها که تا کنون کم زایران شیعه را به قتل نرسانده‌اند و از سوی دیگر، ازدحام جمعیت غیرقابل کنترل در مرزهای ایران و عراق. جمعیتی که بخشی از آن فریب تبلیغ و تهییج رسانه‌های رژیم از جمله صدا و سیما را می‌خورد و به فرمان خامنه‌ای رهبر رژیم «لبیک» می‌گوید که از آنها خواسته هر چه می‌توانید بیشتر به مرزها هجوم بیاورید: «این حرکت اگر روزی با خطر هم همراه باشد... این روحیه را باید نگه داشت؛ این ضامن بقای کشور است!» پس خامنه‌ای می‌داند که این راهپیمایی با خطر همراه است و با وجود اینکه «ستاد اربعین» از صدا و سیما خواسته که مردم را برای رفتن به کربلا تهییج نکند، وی آنها را به شرکت در خطر فرا می‌خواند. خطری که بلندگوی دیگری برای تبلیغات به دست نظام جمهوری اسلامی می‌دهد. خامنه‌ای عمق فکر کسانی را که با شوق در راهپیمایی اربعین به سوی کربلا شرکت می‌کنند می‌شناسد: اگر زنده برگردم که ثواب کرده‌ام و اگر کشته شوم، «شهید» می‌شوم و آن دنیا با همه‌ی نعمات‌اش در انتظار من است! این فکر همان است که بیش از صد سال و دویست سال پیش میرزا آقاخان کرمانی و میرزا فتحعلی آخوندزاده در نوشته‌های خود علیه آن برخاستند و آخوندجماعت هنوز در قرن بیست و یکم از آن بهره‌برداری می‌کند. آنها وعده‌ی همان بهشتی را به مردم می‌دهند که خودشان در حالی که دو دستی به زندگی و قدرت و مال و منال این دنیا چسبیده‌اند، میلی برای رفتن به آن ندارند.

اما در کنار اعتقاد و خرافات و سیاست، انگیزه‌های تجارت و فرار را نیز می‌توان به دلایل جمعیتی افزود که به مرزهای رسمی و غیررسمی ایران و عراق هجوم آورده‌اند. سال‌هاست که در میان «زائران» کم نیستند افرادی که برای آوردن کالا و تجارتی کوچک، و یا افرادی که نه بانیت رزرو جادر «بهشت» بلکه برای خروج از جهنم موجود، از فرصت‌های زیارتی استفاده می‌کنند، حتی اگر به گفته‌ی رهبر جمهوری اسلامی «با خطر همراه باشد»!

پروفسور حسن منصور:

تحریم بانک صادرات از سوی اتحادیه اروپا نه لغو بلکه تمدید نشده است

در صفحه ۱۶

در این شماره می خوانید:

صفحه ۳
- امضای توافقنامه نظامی ایران با چین
صفحه ۴
- در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، نظرسنجی‌ها بازنده اصلی هستند
- سرورقی‌زنده‌زندگی(بخش۸۶)
صفحه ۵
- «چه کسانی در دام آمریکا افتاده‌اند؟»!
صفحه ۶
- تمرین مجاهدین نوحه‌خوان و سینه‌زنبرای رقص «تانگو» با «عمو ترامپ»!
صفحه ۷
- نگاهی به‌اوضاع‌اقتصادی‌ایران
صفحات ۸ و ۹
- «زن روز» و «مرد روز»
صفحه ۱۰ و ۱۱
- ورزشی – حوادث
صفحه ۱۲
- خشت نو از قالب دیگر – داریوش همایون
صفحه ۱۳
- سرگرمی –جدول – سودوکو
صفحه ۱۴
- حاجی بابا اصفهانی در انگلستان
صفحه ۱۵
- درگذشت «خواهر دباغ»اولین فرمانده‌ی زن در سپاه پاسداران

۲۳ هزار نفر در سال قربانی آلودگی هوا در ایران

تهرانی‌ها، و نه تنها آنها بلکه اهالی شهرهای دیگر ایران نیز در این روزها یک نفس راحت هم نمی‌توانند بکشند. بر پایه اظهارات منابع رسمی، در اهواز با شاخص ۱۶۰، قزوین ۱۵۸ و تهران ۱۵۶ آلودگی هوا به سطحی رسیده است که ده‌ها نفر جان خود را از دست دادند. شهرهای مشهد، اراک، اورمیه، همدان، کرج و اصفهان نیز از شرایط بهتری برخوردار نیستند. در بندرعباس، شیراز، خرم‌آباد، بوشهر، کرمانشاه، تبریز و سنندج نیز شاخص آلودگی بالای ۵۰ است. شاخص کیفیت هوا، یعنی ذرات کمتر از ۲.۵ میکرون، برای اینکه سالم تلقی شود باید زیرا ۵۰ باشد.

در صفحه ۲

درگذشت

بدین وسیله درگذشت

دکتر محمد جاسمی

بزرگ خاندان **جاسمی** را به اطلاع خویشاوندان و دوستان می رسانیم.

آن مرحوم استاد علوم سیاسی بود و در دانشگاه های ایران و اروپا به کار تدریس و پژوهش سیاست ایران اشتغال داشت و در این زمینه آثار متعددی را نوشته و منتشر کرده است. قلبش همواره به عشق ایران می تپید و تا آخرین لحظه حیات با یاد و ذکر میهنش زندگی کرد. یادش گرامی باد.

خانواده‌های: جاسمی، امیرسلیمانی، ازلی، پارسی، نیاکان، Vosberg، حسینی کوچکه، خدایاری، معینی، ابراهیمی، صابران و موسلی.

مخارج ختم به خواست آن مرحوم صرف امور خیریه در ایران خواهد شد.

*کیهان درگذشت استاد **دکتر محمد جاسمی** را به خاندان محترم ایشان و بازماندگان تسلیت می گوید.*

Tel: 0044(0)20 3633 3684

Fax: 0044(0)20 3633 3685

شما با آگهی در کیهان فقط اطلاع‌رسانی و کسب و کار خود را معرفی نمی‌کنید بلکه یک کار فرهنگی نیز انجام می‌دهید.

کیهان . کیهانِ لندن . کیهانِ خودتان را زنده نگاه می‌دارید

www.kayhan.london

email: ads@kayhan.london

KAYHAN LONDON

NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

www.kayhan.london

«ترامپ» و «برکسیت»؛ شهوت چیدن سیب از «درخت حرام»

● انتخاب ترامپ و «برکسیت»، نشانه مرگ «لیبرال دمکراسی»، تعطیل روند جهانی شدن، و رویکرد به درون‌گرایی نیست، بلکه شکستن قراردادهایی است که حتی بدون محاسبه سود و زیان، گروهی به آن روی می‌آورند

پیروزی ترامپ، چند ماه بعد از رای مردم بریتانیا برای خارج شدن از جامعه اروپا، «انتهای تاریخ» به صورتی که می‌شناسیم نیست، «تکرار تاریخ» است و بازگشت به آنچه ادیان ابراهیمی گناه آدم و حوا خوانده‌اند و دلیل خروج اجداد برهنه ما از بهشت، و تبعید آنها به زمین معرفی می‌کنند. دو جامعه بزرگ اروپایی و آمریکایی در نتیجه «وسوسه‌ای شیطانی»، با رای به «برکسیت Brexit» و انتخاب ترامپ، به خویشتن تشنه‌ی خود بازگشتند برای تغییر، و رسیدن به لذت میوه‌ی حرام.

در کتاب‌های ادیان الهی، مجموعه کتاب‌های وصایای عهد عتیق (کتاب پیدایش)، انجیل، همچنین قرآن، خداوند «درخت ممنوع» را وسیله‌ی تشخیص «خوب و بد» از سوی انسان قرار داده است.

در زندگی انسان امروز که عینی و واقعی است و زمین تا آسمان متفاوت با دنیای خیالی تصویر شده در کتاب‌های آسمانی دارد، نه یکی، بلکه هزاران «درخت ممنوع» مقابل انسان قد کشیده‌اند برای تمیز روشنی و تاریکی، تداوم و تغییر، لذت و درد، عبادت و گناه، خیانت و خدمت، ازدواج و طلاق، همجنس‌گرایی و انکار آن، سیاه و سپید، پوشیدگی و برهنگی، انتخاب نام دخترانه برای پسرها و برعکس، فقر و ثروت، فرار و قرار، صدا و سکوت، خشم و خونسردی، غم و شادی، اعتراض و رضایت، زیبایی و زشتی، دمکراسی و دیکتاتوری، وطن‌گرایی و جهان‌وطنی، و صدها خط و مرز دیگر که شماری از آنها عمیق‌اند و پاره‌ای سطحی و قابل گذر.

آنها که بیشتر قراردادی هستند، و محتاط تر، تفاوت‌ها را با تحمل و همسویی چاره می‌کنند، و شماری دیگر تفاوت‌ها را تحمل نمی‌کنند، می‌ایستند، میوه ممنوع را می‌چینند، و حتی برای رسیدن به خواسته‌ی خود به جنگ می‌روند. یک نماد اشتهای انسان به تنوع و تغییر، ۷۵ درصد زنانی هستند در غرب، که بعد از ازدواج و تن دادن به یک پیمان، دست کم یک بار با غریبه و یا آشنایی به جز همسر خود همبستر می‌شوند. درصد این میل سرکش نزد مردها البته قوی‌تر است.

انسان و شهوت تمرد

در بهشت موعود که خداوند آفریده، همه چیز برای رضایت خاطر دو انسان (آدم و حوا) فراهم آمده است. در بهشت خیالی، بیماری و سلامت، جوانی و پیری، فقر و ثروت مفهوم نیست، زمان در آن متوقف است، سردی و گرمی و روز و شب یکی است، نیازی به کار و اشتغال نیست، تفاوتی میان سکون و حرکت دیده نمی‌شود، همه چیز ثابت است و هیچ چیز متغیر نیست و چیدن میوه درخت ممنوع تنها وسیله تشخیص «خوب و بد» برای انسان برتر از فرشته است.

با این وجود، ابتدا حوا «با وسوسه شیطان» به حکم خدا پشت می‌کند و به سیب حرام گاز می‌زند، و بعد آدم، بر همان سیب گاز دیگری. در جوامع همیشه در حال تغییر امروزی، که قراردادهای اجتماعی هر روز متفاوت با دیروز می‌شوند، و دنیایی که در آن «مدینه فاضله»، آرمان‌شهر افلاطون، مورد استهزاء و انتقاد متفکران و مردم شده، ترک زندگی قراردادی فرزندان آدم و حوا را بر زمین که دارای هزاران تفاوت است با بهشت عدن، می‌توان رجعت انسان به طبیعت خود و نتیجه اشتیاق به «تغییر» خواند.

میل فرزندان امروزین آدم و حوا برای پشت کردن به لیبرال دمکراسی، انتخاب رهبران اقتدارگرا، خط کشی دوباره مرزها، بر افراشتن دیوارها، و بستن درهای خانه پدری به روی غریبه‌ها را خود، تاکید کرد که جدال هواداران‌اش با یک فرد و یک انتخابات پایان نمی‌گیرد. او همچنین اظهار داشت: «دوپارگی و جدایی جامعه آمریکا عمیق‌تر شده‌است.»

اشاره کلینتون به وضع موجود در جامعه آمریکا، اعتراف آگاهانه، و یا سطحی، به واقعیتی است که در همه جوامع امروزی دنیا به صورت فعال و یا خفته دیده می‌شود. جاذبه تغییر در جوامع، وضعیت مطلوب را برای انفجار انتظار می‌کشد؛ نظیر رویداد ۲۳ ژوئن سال جاری در بریتانیا و رای غیر منتظره مردم آن کشور برای بریدن از اتحادیه اروپا و پشت کردن به قراردادهایی که بیش از ۴۰ سال به آنها تن داده بودند.

پیش از طلاق مسالمت‌آمیز بریتانیا از اروپا، شمار بزرگی از مردم اسکاتلند طالب ترک ازدواج با انگلیس شدند که حدود ۳۰۰ سال دوام کرده است. میل به تغییر، پشت کردن به قراردادهای اجتماعی و سیاسی، بروز انقلاب، روی گرداندن از رهبران کهنه‌کار، جنگ داخلی، جدایی‌خواهی و تجزیه در طبیعت انسان و جوامع بشری است.

انسان طی چند هزاره زندگی اجتماعی و شهری، متحول شده، و به نسبت توسعه علم و افزایش سرعت ارتباطات، تغییرات اجتماعی در جوامع امروزی سرعت بیشتری گرفته‌اند.

انتخاب ترامپ و «برکسیت»، نشانه مرگ «لیبرال دمکراسی»، تعطیل روند جهانی شدن، و رویکرد به درون‌گرایی نیست، بلکه شکستن قراردادهایی است که حتی بدون محاسبه سود و زیان، گروهی به آنها پشت می‌کنند.

با آمدن ترامپ، و قبیله او به واشنگتن، که ممکن است سلسله‌ای شوند مشابه کندی‌ها، بوش‌ها و کلینتون‌ها در پایتخت بزرگترین قدرت جهان، آزادی‌های اجتماعی، حقوق بشر و لیبرال دمکراسی، حتی تمایل به چپ، که روزی به نوبه خود وسیله شکستن ساختارهای سنتی تلقی می‌شد، نه در آمریکا و نه در قاره قدیم لگدکوب نمی‌شوند، بلکه پوست می‌اندازند، نو می‌شوند و در آینده‌ای نه چندان دور، با شتابی بیش از پیش و در شکل و شمایلی دیگر، باز می‌گردند.

باید درک کرد؛ آنچه در دو قاره قدیم و جدید روی داده و می‌دهد، نتیجه طبیعت تنوع‌طلب انسان و میل به تغییر است.

ادیان ابراهیمی انسان را جایزالخطا می دانند، و اسلام به استثناء «معصوم» و « معصومین»، انسان را گناهکار بالقوه می‌خواند و با همین نگاه مشترک است که همگی در کنار بهشت، جهنم را قرار داده‌اند با دیواری به نام برزخ در میان آن.

جدایی‌های ماندگار

یک هفته بعد از شکست انتخاباتی ۸ نوامبر، هیلاری کلینتون طی سخنرانی در یک جمعیت خیریه، ضمن تائید تلویحی پذیرفتن بازنشستگی سیاسی

۲۳ هزار نفر در سال قربانی آلودگی هوا در ایران

تهرانی‌ها، و نه تنها آنها بلکه اهالی شهرهای دیگر ایران نیز در این روزها یک نفس راحت هم نمی‌توانند بکشند. بر پایه اظهارات منابع رسمی، در اهواز با شاخص ۱۶۰، قزوین ۱۵۸ و تهران ۱۵۶ آلودگی هوا به سطحی رسیده است که ده‌ها نفر جان خود را از دست دادند. شهرهای مشهد، اراک، اورمیه، همدان، کرج و اصفهان نیز از شرایط بهتری برخوردار نیستند. در بندرعباس، شیراز، خرم‌آباد، بوشهر، کرمانشاه، تبریز و سنندج نیز شاخص آلودگی بالای ۵۰ است. شاخص کیفیت هوا، یعنی ذرات کمتر از ۲.۵ میکرون، برای اینکه سالم تلقی شود باید زیرا ۵۰ باشد. آش آنقدر شور شده که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز فتوایی در این زمینه صادر کرده است. بر پایه این فتوا اگر کسی سبب افزایش آلودگی هوا شود و تنفس این هوا برای مردم به ویژه افرادی که دچار بیماری‌های قلبی و تنفسی هستند ضرر قابل توجه داشته باشد و ضرر معتنابه به مردم برساند، کار حرام مرتکب شده است!

ماشین‌های فرسوده و آلودگی هوا

شرکت کنترل هوا در تهران اعلام کرده، میزان گازهای آلاینده در این شهر۱۶ هزار تن است که ۸۰ درصد آن، برابر با ۱۲.۸ هزار تن، از اگزوز اتومبیل‌ها، کامیون‌ها و موتورسیکلت‌ها خارج شده است، و تنها ۲۰ درصد ناشی از منابع ساکن است. در تهران وضعیت اضطراری پیش از اواسط آبان آغاز شد و مشخص نیست تا کی ادامه پیدا خواهد کرد. طبق برآورد شرکت کنترل هوا، از اول آبان ماه تا ۲۶ همین ماه هوای پایتخت ۱۳ روز ناسالم بوده و ۱۳ روز دیگر نیز در مرز ناسالم بودن قرار داشته است.

حبیب کاشانی از اعضای شورای شهر تهران می‌گوید از اول تا ۲۳ آبان ۴۱۲ شهروند پایتخت بر اثر آلودگی هوا جان سپرده‌اند. عضو شورای شهر تهران می‌افزاید این اطلاعات را از سازمان بهشت زهرا و مراکز درمانی کسب کرده است. حبیب کاشانی که در نشست شورای شهر صحبت می‌کرد به وضعیت مشابهی در دیگر شهرهای غرب و جنوب کشور اشاره کرد و افزود: «متاسفانه دولت و شهرداری‌ها هیچ‌گونه مسئولیتی قبول نمی‌کنند و تنها وعده‌هایی می‌دهند که گامی در اجرای آنها بر نمی‌دارند». علیرضا سلیمی نماینده محلات و دلیجان در مجلس شورای اسلامی نیز ابراز امیدواری کرد که «در شرایط بحرانی کنونی دولت به وعده‌هایی که داده است عمل کند».

آلودگی هوا در تهران هر ماه ۲۲۷ قربانی می‌گیرد

بانک جهانی نیز به نوبه خود اعلام کرد که در ۲۵ سال گذشته مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا و پیامدهای آن در ایران حدود ۱۲۰درصد افزایش یافته و از ۱۷هزار قربانی در سال ۱۹۹۰ به ۲۳ هزار مورد در سال ۲۰۱۳ رسیده است. مجله دانستنی‌ها صحبت از ماهانه ۲۲۷ قربانی آلودگی هوا در پایتخت می‌کند. فاطمه ذوالقدر نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی با توجه به استمرار وضعیت اضطراری و همچنین شمار بالای مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا به دولت پیشنهاد کرده است: «از مردم به خاطر وضعیت کنونی عذرخواهی کند». برخی از اعضای شورای شهر تهران نیز در اعتراض به ناکار آمدی اقدامات شهری در پایتخت با ماسک در نشست حضور پیدا کردند.

این همه در حالیست که «کمیته اضطراری آلودگی شهر تهران» غیر از برگزاری جلسات و اعلام تعطیلی مدارس و ممنوعیت ورزش در هوای آزاد، و محدودیت رفت و آمد برای اتومبیل‌های شخصی اقدام محسوس دیگری انجام نداده است. محدود ساختن رفت و آمد برای کاهش ترافیک در شهری که بیش از ۵ میلیون اتومبیل در آن در حرکت است، و بسیاری از آنها به دلیل فرسودگی عامل عمده‌ی آلودگی هوا هستند، مانند تجویز آسپیرین برای یک بیمار مبتلا به سرطان است. از بیش از ۵ میلیون ماشین و اتوبوسی که در تهران رفت و آمد می‌کنند، بیش از نیمی باید از چرخه‌ی حمل و نقل خارج شوند.

وعده‌های روحانی

حسن روحانی در واکنش به شرایط اضطراری در تهران و برخی دیگر از مراکز استان‌ها و شهرهای ایران، فعلا سرگرم توییت کردن است. در این توییت‌ها رئیس جمهور آلودگی را غولی می‌خواند که دولت به تنهایی قادر به مقابله با آن نیست. البته قبلا معصومه ابتکار رئیس سازمان محیط زیست نیز برای مقابله با آلودگی هوا، مردم را دعوت به ماندن در خانه‌ها کرده بود.

حسن روحانی اخیرا در کرج اذعان کرد که دولت او تا کنون اقدام جدی‌ای انجام نداده است. روحانی گفت: «ما در این سه سال برخی از آلودگی‌ها، از جمله آلودگی هوا را مورد بررسی قرار دادیم. باید با عوامل آلوده کننده هوا مقابله کرد و آنها را مهار کرد و هر سال در این زمینه جلساتی داشته‌ایم». رئیس جمهور خبر داد که در سه سال گذشته از نزدیک به سه میلیون خودرویی که به دلیل فرسودگی عامل آلودگی هوا هستند « ۸۰۹ هزار و ۶ خودرو از چرخه حمل و نقل خارج شده اند». روحانی اعلام کرد که دولت او «قدم‌های بزرگی در زمینه کاهش آلودگی هوا برداشته است» و اضافه کرد دولت «ساخت خودروهایی با کیفیت یورو۵ و یورو۶ را به زودی آغاز خواهد کرد».

همزمان با آغاز بحران اخیر آلودگی هوا، مجلس شورای اسلامی کلیات لایحه موافقت‌نامه تغییرات آب و هوایی پاریس را تصویب کرد. این لایحه با ۱۴۲ رای موافق، ۹ مخالف و ۵ ممتنع در آستانه آغاز کنفرانس مراکش به تصویب رسید. این کنفرانس جهت بررسی گام‌های بعدی کنفرانس نوامبر سال گذشته پاریس برگزار شد و معصومه ابتکار رییس سازمان محیط زیست ایران در روزهای حاد آلودگی هوای تهران برای شرکت در این کنفرانس به مراکش سفر کرده بود.

یادآوری می‌شود که ایران ۱۰۶امین کشوری است که به توافق‌نامه اقلیمی پاریس می‌پیوندد. ایران، در انتشار گازهای گلخانه‌ای که بر پایه توافق پاریس باید در مقیاسی کاهش پیدا کنند که افزایش دمای کره زمین به دو درجه در سال برسد، در رتبه نهم قرار دارد. ایران ۹ برابر اروپا انرژی مصرف می‌کند، که یکی دیگر از دلایل آلودگی هوا در کشور است.

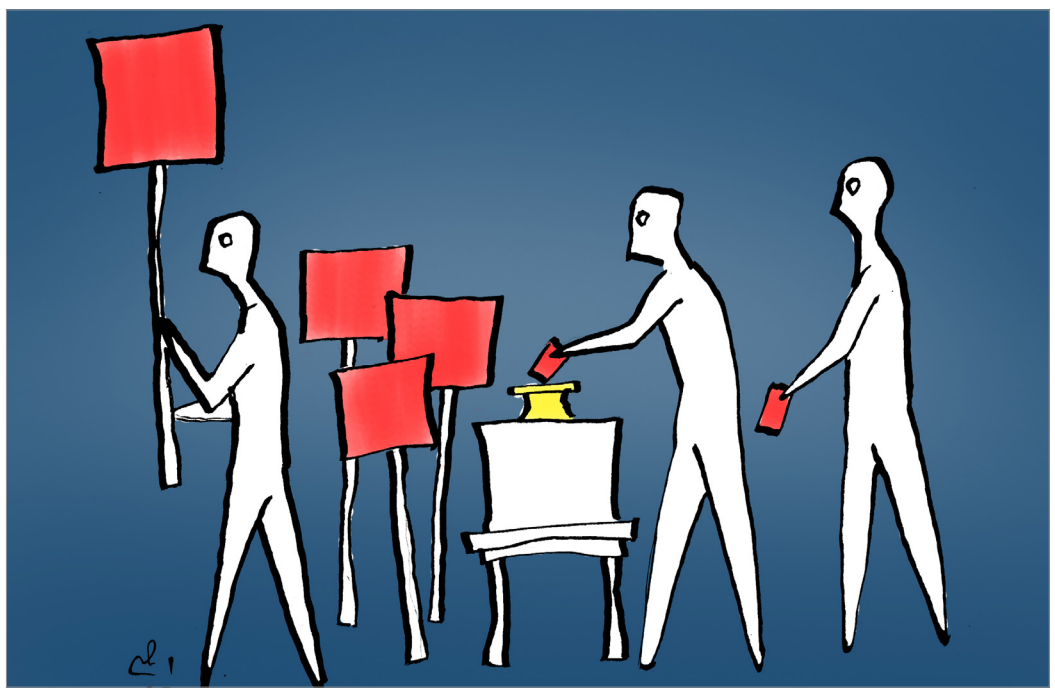

۱۱ میلیارد دلار توافق نظامی با چین و روسیه به نفع سپاه:

حذف خاموش ارتش از محاسبات نظام

● بودجه نظامی ایران در سال ۹۵ کمتر از ده میلیارد دلار بود که از این میزان حدود پنج میلیارد دلار به سپاه و حدود یک میلیارد و ۷۵۰ میلیون دلار به ارتش رسید

«نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» شعاری است که از عمر آن چهار دهه می‌گذرد. آیت‌الله خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار نظام فعلی، محمدرضاشاه پهلوی را متهم می‌کرد که بودجه بیت‌المال را صرف خریدهای هنگفت نظامی از غربی‌ها می‌کند، با این حال ایران با کمک همان تسلیحات هشت سال جنگ با عراق را پشت سر گذاشت و همچنان بدنه اصلی تجهیزات و تسلیحات نظامی ارتش و سپاه، برجای مانده از همان خری۲۳دهای چهل سال پیش پهلوی است.

طی این سال‌ها جمهوری اسلامی تلاش زیادی کرد تا با وجود تحریم‌های بین‌المللی بتواند همچنان واحدهای نظامی خود را سر پا نگه دارد، دور زدن تحریم‌ها و کمک گرفتن از کارتل‌های قاچاق تسلیحات، خرید از بازار سیاه، تاسیس دهها واحد تعمیرات و تولیدی‌های کوچک و بزرگ زیر عنوان «جهاد خودکفایی» تلاش‌هایی بود که انجام داد تا شاید بتواند قدمی در راه تحقق شعارهای انقلابی خود مبنی بر «استقلال» و «خودکفایی» بردارد. اما نتیجه آن شد که منهای تولید و گسترش موشک‌های بالستیک و تولید تعدادی اندک ناوچه کوچک و زیردریایی کمتر توانست موفقیت چشم‌گیری کسب کند و در رقابت با غول‌های بزرگ تولید تجهیزات و صنایع نظامی حرفی برای گفتن داشته باشد.

دلیل این ادعا، قراردادهای نظامی ریز و درشت، از جمله دو قرارداد چند صد میلیون دلاری با چین و روسیه برای خرید تسلیحات و تجهیز نظامی ایران است.

کمتر از یک روز پس از اعلام خبر امضای توافق نظامی تهران و پکن بین ژنرال چانگ وان چوان و سردار حسین دهقان، وزیر دفاع جمهوری اسلامی، چوان به دیدار حسن روحانی رفت.

گرچه رسانه‌های داخل ایران از جمله صدا و سیما و خبرگزاری تسنیم تنها به کلیات توافق نظامی بین دو کشور اکتفا کردند و از حجم این موافق‌نامه چیزی نگفتند، اما آسوشیتدپرس به نقل از اورشلیم‌پست خبرداد که ارزش این قرارداد حدود یک میلیارد دلار است و شامل خرید «تانک تی۹۰»، هواپیما و هلی‌کوپتر و همینطور سیستم‌های توپخانه می‌شود.

همزمان خبرگزاری دولتی چین «شین‌هوا» گزارش داد که آموزش و تسلیحات نظامی ارتش و سپاه، برجای مانده از همان خری۲۳دهای چهل سال پیش پهلوی است.

دیدار مقامات نظامی ایران و چین پیش از امضای توافق‌نامه

طی این سال‌ها جمهوری اسلامی تلاش زیادی کرد تا با وجود تحریم‌های بین‌المللی بتواند همچنان واحدهای نظامی خود را سر پا نگه دارد، دور زدن تحریم‌ها و کمک گرفتن از کارتل‌های قاچاق تسلیحات، خرید از بازار سیاه، تاسیس ده‌ها واحد تعمیرات و تولیدی‌های کوچک و بزرگ زیر عنوان «جهاد خودکفایی» تلاش‌هایی بود که انجام داد تا شاید بتواند قدمی در راه تحقق شعارهای انقلابی خود مبنی بر «استقلال» و «خودکفایی» بردارد. اما نتیجه آن شد که منهای تولید و گسترش موشک‌های بالستیک و تولید تعدادی اندک ناوچه کوچک و زیردریایی کمتر توانست موفقیت چشم‌گیری کسب کند و در رقابت با غول‌های بزرگ تولید تجهیزات و صنایع نظامی حرفی برای گفتن داشته باشد.

دلیل این ادعا، قراردادهای نظامی ریز و درشت، از جمله دو قرارداد چند صد میلیون دلاری با چین و روسیه برای خرید تسلیحات و تجهیز نظامی ایران است.

کمتر از یک روز پس از اعلام خبر امضای توافق نظامی تهران و پکن بین ژنرال چانگ وان چوان و سردار حسین دهقان، وزیر دفاع جمهوری اسلامی، چوان به دیدار حسن روحانی رفت.

گرچه رسانه‌های داخل ایران از جمله صدا و سیما و خبرگزاری تسنیم تنها به کلیات توافق نظامی بین دو کشور اکتفا کردند و از حجم این موافق‌نامه چیزی نگفتند، اما آسوشیتدپرس به نقل از اورشلیم‌پست خبرداد که ارزش این قرارداد حدود یک میلیارد دلار است و شامل خرید «تانک تی۹۰»، هواپیما و هلی‌کوپتر و همینطور سیستم‌های توپخانه می‌شود.

همزمان خبرگزاری دولتی چین «شین‌هوا» گزارش داد که آموزش بعضی نیروهای نظامی ایران توسط چین در این قرارداد آمده است. این برای نخستین بار است که به صراحت اعلام می‌شود که کشوری دیگر آموزش‌های سازمانی نیروهای نظامی ایران را به عهده خواهد گرفت. پیش از این بعضی نیروهای سپاه و ارتش برای آموزش فنی و نظامی به صورت موردی به کشورهایی چون روسیه، چین، پاکستان، کره‌شمالی و ونزوئلا اعزام می‌شدند.روزنامه تهران تایمز نیز در گزارشی کوتاه عنوان کرده بخشی از این قرارداد مربوط به خرید موشک‌های کروز بالستیک و ضدناو بر اساس تاکتیک‌های چینی است. این روزنامه همچنین تاکید کرده، ایران علاقمند به خرید ۱۵۰ فروند چنگدو J-۱۰ چینی است.

همزمان ویکتور اوزروف، رئیس کمیته امنیت و دفاع در مجلس سنای روسیه نیز از امضای قراردادی به ارزش ۱۰میلیارد دلار (۱۰برابر رقم معامله اخیر با چین) خبر داد. این معامله‌ی عظیم قرار است در دیدار پارلمانی بین دو کشور مورد مذاکره قرار گیرد.

معامله‌ای که قرار است طی آن، روسیه به ایران تسلیحاتی مثل تانک‌های تی۹۰ (T۹۰)، تجهیزات توپخانه‌ای و هواپیما و هلی‌کوپتر بفروشد.

بودجه نظامی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵ در مجموع ۲۷ میلیارد تومان بود. از این میزان ۱۴٫۵ میلیارد تومان (حدود ۵ میلیارد دلار) بودجه سپاه و کمی بیشتر از شش میلیارد تومان (حدود ۱ میلیارد و ۷۵۰ میلیون دلار) بودجه ارتش و بقیه برای دیگر یگان‌ها از جمله بسیج و ستاد مشترک و وزارت دفاع است که البته در یکی دو سال گذشته چون بودجه ارتش اندکی افزایش داشته و بودجه سپاه رشد گذشته را نداشته با انتقادات سپاه پاسداران روبرو شده است.

ارقام بودجه نشان می‌دهد که ارتش با بودجه‌ای که دریافت می‌کند توان بستن قراردادهای سنگین نظامی را با چین و روسیه ندارد. از طرفی بیش از ۸۰ درصد تجهیزات ارتش جمهوری اسلامی همان خریدهای پیش از انقلاب ۵۷ است که عمده آنها تسلیحات آمریکایی است و جایگزین کردن آنها با تسلیحات چینی و روسی چه از نظر مالی و چه فنی و آموزشی از ظرفیت ایران خارج است.

تنها گزینه قراردادهای اخیر نظامی ایران، سپاه است، اما سوال اینجاست که سازمانی شبه‌نظامی که وظیفه اصلی آن طبق اساس‌نامه‌ی خودش، حفظ و نگهداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی است و با این توجیه، حیطه مسئولیت امنیتی- اطلاعاتی خود را از بازجویی و احضار فعالین سیاسی و سرکوب تظاهرات گرفته تا حضور نظامی در سوریه و عراق گسترش داده، چه نیازی به خریدن تانک‌های سنگین و ادوات توپخانه‌ای و هواپیما و هلی‌کوپتر نظامی دارد و مسئولیت ارتش ملی کشور و وضعیت آن در آینده ایران چیست؟!

طرح تحریم‌های ۱۰ساله آمریکا علیه ایران در مجلس آمریکا تصویب شد

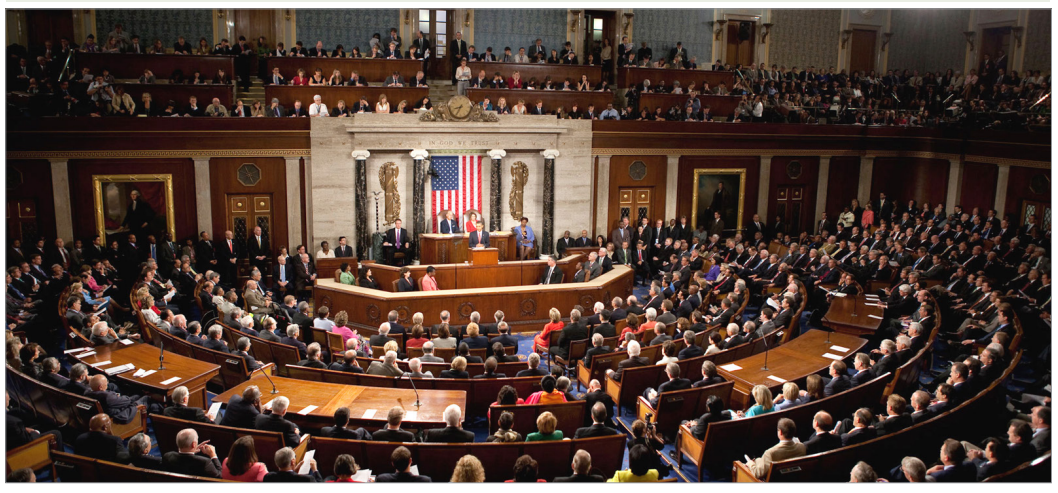

مجلس نمایندگان آمریکا طرح تمدید تحریم‌ها علیه ایران را به مدت ۱۰ سال تصویب کردند. این در حالیست که تحریم‌های ایران در صورتی که تمدید نشود، می‌بایست تا پایان سال ۲۰۱۶میلادی خاتمه یابد. البته این طرح باید در مجلس سنا نیز تصویب شود و در نهایت باراک اوباما رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا آن را امضا کند.

مجلس نمایندگان امریکارویترز با اعلام این خبر نوشت: «ایالات متحده با تصویب این طرح و اعمال تحریم‌های جدید علیه دولت سوریه قصد دارد نشان دهد که واشنگتن در تحولات خاورمیانه نقش مهمی دارد و این موضوع ربطی به این ندارد که چه کسی در کاخ سفید بر مسند ریاست جمهوری تکیه زند».

بر اساس این گزارش، مجلس نمایندگان آمریکا با ۴۱۹ ری موافق به قانون تمدید ۱۰ ساله تحریم‌ها علیه ایران رأی مثبت دادند، قانونی که از سال ۱۹۹۶میلادی در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون و برای تنبیه شرکت‌هایی که در بخش صنعت انرژی ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند و به منظور جلوگیری از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای وضع شد.

رویترز در این گزارش همچنین از تصویب طرح جدید اعمال تحریم‌ها علیه سوریه و متحدانش یعنی ایران و روسیه به دلیل «جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت» توسط مجلس نمایندگان آمریکا خبر داد.

دولت اوباما و دیگر قدرت‌های جهانی سال گذشته به توافقی با تهران رسیدند که بر اساس آن مقرر شد برنامه هسته‌ای ایران به ازای لغو تحریم‌های بین‌المللی، محدود شود.

اما برخی از نمایندگان مجلس آمریکا اصرار دارند که قانون تحریم‌های ایران باید همچنان ادامه پیدا کند تا بتواند حاوی پیام قاطعی برای تهران باشد مبنی بر اینکه که آمریکا به اقدامات تحریک‌آمیز ایران واکنش نشان می‌دهد و چنانچه تهران مواد توافق هسته‌ای را نقض کند، هر رئیس جمهوری در آمریکا می‌تواند خیلی فوری تحریم‌های ایران را بازگرداند.

الیوت انگل نماینده ارشد دموکرات و عضو کمیته امورخارجی مجلس نمایندگان که از تنظیم‌کنندگان این طرح و حامیان آن است گفت: «حتی پس از یک انتخابات سخت در آمریکا و تغییر قدرت سیاسی، رهبری آمریکا در عرصه‌بین‌المللی خدشه‌دارنخواهدشد.»

اد رویس نماینده جمهوری‌خواه و رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان که از مخالفان سرسخت توافق هسته‌ای است نیز تاکید کرد: «این طرح یک ابزار مهم و حیاتی است.»

وی افزود: «نقض قوانین تحریم‌های ایران، این پیام را می‌فرستد که آمریکا دیگر هیچ مخالفتی با نقش مخرب ایران در خاورمیانه ندارد و جنبه‌های خطرناک توافق هسته‌ای را که توسط رئیس جمهور حاصل شده تشدید خواهد کرد».

رویترز همچنین گزارش داده است که نمایندگان دموکرات مجلس سنا نیز خواهان تصویب طرحی مشابه با طرح مجلس هستند و برخی دیگر از نمایندگان نیز خواستار تحریم‌های جدید به منظور جلوگیری از آزمایش موشک‌های بالستیک ایران شدند.

این رأی‌گیری درست یک هفته پس از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که به‌شدت با توافق هسته‌ای ایران مخالف است تصویب شد.

خوشحالی بشار اسد از پیروزی ترامپ

● پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا،مواضع بشاراسدعلیه ایالات متحده را تغییر داده

به گزارش تلگراف، اسد در مصاحبه با تلویزیون دولتی پرتغال (RTP) با اعلام این مطلب گفت، در صورتی که دونالد ترامپ به شعارهای انتخاباتی خود در زمینه مبارزه با تروریست در سوریه وفادار بماند، می‌تواند مثل ایران و روسیه یک متحد طبیعی برای دولت سوریه باشد.با این وجود، افزود «در زمینه عملی شدن وعده‌های انتخاباتی ترامپ نگاه محتاطانه دارد، اما امیدوار است».

ترامپ ۲۵ مارس سال پیش گذشته در مصاحبه با نیویورک تایمز گفته بود مبارزه هم زمان با داعش و اسد در سوریه حماقت است.بشار اسد درحالی از پیروزی ترامپ ابراز امیدواری کرده بود که در گذشته بارها اوباما و ایالات متحده را در مسئله سوریه مورد انتقاد قرار داده و گفته بود آمریکا و اسرائیل حامی تروریست‌ها هستند.به نظر می‌رسد یکی از علّت‌های چرخش اسد از اوباما به ترامپ اظهارات رئیس جمهوری منتخب آمریکا در مورد پوتین باشد، چون ترامپ تاکید دارد با شروع دوران ریاست‌اش در کاخ‌سفید با روس‌ها مذاکره خواهد کرد. با این وجود ابراز خوشحالی اسد از انتخاب ترامپ با واکنش تهران نسبت به انتخاب ترامپ به عنوان کاندیدای پیروز انتخابات متفاوت است، چون جمهوری اسلامی روی هیلاری کلینتون و ادامه مماشات‌های دموکرات‌ها با ایران حساب ویژه‌ای باز کرده بود، در صورتی که ترامپ مواضع تندی در قبال ایران به ویژه در مورد توافق اتمی دارد.

ایران اصلی‌ترین متحد سوریه در جنگ است. روز سه‌شنبه کمیته سوم سازمان ملل مشارکت جمهوری اسلامی را در جنگ سوریه محکوم کرد.

امضای توافقنامه‌نظامی ایران‌باچین

● عقد توافقنامه ایران با چین در حاشیه نخستین سفر یک وزیر دفاع چین به تهران بعد از انقلاب ۵۷

● ایران و چین در زمینه نظامی دارای روابط مستحکمی هستند و بخشی از تسلیحات نظامی ایران از چین خریداری می‌شود

جمهوری اسلامی برای تقویت سیستم نظامی خود، روز دوشنبه با کشور چین یک توافقنامه نظامی دو جانبه امضا کرد.

در توافق نظامی بین تهران و پکن، دو طرف به همکاری‌های بیشتر نظامی و انجام تمرینات نظامی مشترک تاکید کرده‌اند.قراردادنظامی ایران و چینبه گزارش خبرگزاری‌های داخلی، توافقنامه نظامی بین ایران و چین، با حضور چانگ وان چوان وزیر دفاع چین و همتای ایرانی وی حسین دهقان امضا شده است که طبق آن ایران و چین توافق کرده‌اند که همکاری‌های دفاعی و نظامی خود را با قاطعیت بیشتری در جهت «مبارزه با تروریسم» پیش ببرند.

بر اساس این گزارش، این نخستین سفر یک وزیر دفاع چین به تهران بعد از انقلاب جمهوری اسلامی سال ۱۳۵۷ تا کنون است.این سفر نشان دهنده ارتقای روابط نظامی ایران و چین است. چین دارای بزرگترین ارتش جهان از نظر تعداد نیروی حرفه‌ای با ۲ میلیون و ۳۳۳هزار نفر است.این توافقنامه در حالی بین دو کشور امضا شده که مقامات بلندپایه نظامی روسیه از مذاکره در مورد امضای یک قرارداد نظامی ۱۰ میلیارد دلاری بین ایران و روسیه خبر داده‌اند.

ایران به همراه روسیه و چین، مهمترین حامیان بقای دولت بشار اسد رئیس جمهوری سوریه در قدرت هستند به طوری که روسیه و چین تا کنون بارها قطعنامه‌هایی را علیه دولت بشار اسد در شورای امنیت وتو کرده‌اند.

چین بزرگترین خریدار نفت خام ایران نیز هست. علاوه بر این، بخش عمده معاملات بازرگانی خارجی ایران نیز با کشور چین انجام می‌شود.

ایران و چین در زمینه نظامی نیز دارای روابط مستحکمی هستند و بخشی از تسلیحات ایران از چین خریداری می‌شود.دهقان وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران در دیدار با وزیر دفاع چین اعلام کرده است: «ارتقاء روابط و همکاری‌های دفاعی –نظامی بلندمدت با چین از اولویت‌های اصلی دیپلماسی دفاعی ایران به شمار می‌رود».

به گزارش خبرگزاری مهر، باقری رئیس ستادکل نیروهای مسلح ایران نیز خاطرنشان کرد: «درمورد نبردهای دریایی و هوایی و تهدیداتی که امکان دارد حاکمیت کشورها را مورد آسیب قرار دهند، جمهوری اسلامی اعلام کرده که آمادگی همکاری مشترک و تبادل تجربه را در این خصوص دارد». از سوی دیگر طرف چینی نیز با اشاره به زمینه همکاری‌های مشترک اعلام کرده است: «دو کشور دارای تهدیدات مشترکی از جانب قدرت‌های جهانی و تروریست‌ها هستند و این همکاری می‌تواند به نفع هر دو باشد».

تلاش برای افزایش قدرت نظامی ایران و بستن قرادادهای نظامی با چین و روسیه در حالی از سوی جمهوری اسلامی اوج گرفته که دونالد ترامپ رئیس جمهوری منتخب آمریکا اعلام کرده است که توافق هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های جهانی را پاره خواهد کرد.این در حالیست که دولت چین خواستار گسترش همکاری‌های تجاری بین پکن و واشنگتن شده و روسیه نیز آمادگی خود را برای ایجاد ارتباط سریع با واشنگتن اعلام کرده است.

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکترناصر رحیمی
(استاد دانشگاه)
ترجمه رسمی شناسنامه، قباله ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن:
020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: 020-7760 7160
www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com
Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road
Hammersmith , London W6 0LH
دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، نظرسنجی‌ها بازنده اصلی هستند

● تغییر شمار رای‌دهندگان می‌تواند نتایج نظرسنجی‌ها را زیر سوال قرار دهد
● نظرسنجی‌های اینترنتی قابل اعتماد نیستند
● روبرتو مانهایمر، یکی از سرشناس‌ترین کارشناسان نظرسنجی در اروپا،می‌گوید «نظرسنجی انتخاباتی را برخی با پیشگوئی اشتباه می‌گیرند»

احمد رأفت - انتخاب دونالد ترامپ به‌ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، ضربه سختی برای نهادهای نظرسنجی بود که در کمتر از یک‌سال، چندین بار، آنچه گفته بودند با نتایج انتخابات و همه‌پرسی‌ها هم‌خوان نبود.

همین چند ماه پیش بود که نهادهای نظرسنجی در جریان همه‌پرسی در بریتانیا برای ماندن یا خروج این کشور از اتحادیه اروپا، دسته‌گل به آب دادند و مخالفان خروج را اکثریت اعلام کردند، در حالی که از صندوق‌های رای نظر متفاوتی بیرون آمد. هیلاری کلینتون نیز که تا چند ساعت قبل از بسته شدن حوزه‌های انتخاباتی قرار بود در ماه ژانویه به کاخ سفید بازگردد، فعلا در خانه‌اش در نیویورک باقی خواهد ماند و در چهار سال آینده دونالد ترامپ سکان سیاست را در آمریکا به دست خواهد گرفت.کارشناسان هنوز سرگرم بررسی هستند تا ببینند چرا نظرسنجی‌ها اشتباه از آب درآمدند. البته در عمده نظرسنجی‌ها تکیه برای رای مردم بود و اگر شمار آرا را معیار قرار دهیم، نظرسنجی‌ها درست بودند. در تمامی نظرسنجی‌ها گفته می‌شد آرای هیلاری کلینتون ۴ تا ۵ درصد بیش از آرای رقیب جمهوری‌خواه‌اش خواهد بود. شمار آرای مردمی کلینتون در انتخابات ۸ نوامبر ۶۱.۰۴۷.۲۰۷ بود در حالی که ۶۰.۳۷۵.۹۶۱ رای به نام ترامپ به‌صندوق ریخته شد. در آمریکا ولی رئیس جمهور با آرای الکترال انتخاب می‌شود و با این آرا بود که دونالد ترامپ با ۳۰۶ رای کلینتون را که ۲۳۲ رای به دست آورده بود شکست داد. رئیس جمهوری جدید با به دست آوردن آرای الکترال ۲۹ ایالت توانست رقیب دمکرات‌اش را که تنها آرای الکترال ۲۱ ایالت را به دست آورد، شکست دهد.

مشارکت رای‌دهندگان پیش‌بینی‌ها را به هم می‌ریزد

گذشته از مکانیسم انتخاباتی آمریکا، در هر صورت آرای مردمی هیلاری کلینتون کمتر از نیم درصد بیش از آرای دونالد ترامپ بود. نظرسنجی‌ها ۴ تا ۵ درصد تفاوت در آرا را پیش‌بینی می‌کردند. اگرچه نظرسنجی‌ها می‌توانند خطای مفروض بین دو تا سه درصد داشته باشند، ولی ۴ درصد تفاوت بین پیش‌بینی‌ها و واقعیت حکایت از اشتباهاتی دارد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

بسیاری معتقدند یکی از عواملی که باعث این اشتباه شد به شمار مشارکت شهروندان در انتخابات ۸ نوامبر بر می‌گردد. نظرسنجی‌ها قبل از انتخابات صورت می‌گیرند و لزوما تمام کسانی که می‌گویند در صورت شرکت به کدام کاندیدا رای خواهند داد، در روز رای‌گیری پای صندوق حاضر نمی‌شوند. این عدم مشارکت نه تنها یکی از عواملی است که باعث نادرستی نظرسنجی‌ها شد، بلکه یکی از دلایل شکست هیلاری کلینتون و دمکرات‌ها نیز هست. بخشی از هواداران دیگر کاندیدای حزب دمکرات، برنی ساندرز، روز انتخابات یا به پای صندوق رای نرفتند یا به کاندیدای حزب سبز رای دادند. در یک بررسی که در ساعاتی پس از اعلام نتایج انتخابات صورت گرفت، به عنوان مثال مشخص شد که تیره‌پوستان کمتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد رای دادند و سفیدپوستان گسترده‌تر از گذشته در حوزه‌های انتخاباتی حضور پیدا کردند.

شرم از ابراز نام کاندیدای مورد حمایت

بی‌اعتمادی رو به گسترش مردم به کسانی که در چند دهه اخیر سکان سیاست را در دست دارند، و به حق یا ناحق مسئول نابسامانی‌ها شمرده می‌شوند، یکی از عواملی است که در عمده نظرسنجی‌ها نادیده گرفته شده بود. در نظرسنجی‌ای که شبکه خبری سی ان ان منتشر ساخت این ناخشنودی از دولت فدرال انعکاس یافت و شمار ناراضی‌ها ۵۰درصد تخمین زده شد. بخش قابل توجهی از این ناراضی‌ها در نهایت به دونالد ترامپ رای دادند که نه تنها دولت بلکه دولتمردان از هر دو حزب را مورد انتقاد قرار داد و وعده‌ی دولتی متفاوت با گذشته و سیاستی جدید را می‌داد. به این نارضایتی در نظرسنجی‌ها توجه لازم نشد و پرسش از دارندگان حق رای به انتخاب بین دمکرات‌ها و جمهوری‌خواهان خلاصه شد.

یک عامل دیگر که در گذشته در اروپا هم نتایج نظرسنجی‌ها را در مواردی از واقعیت صندوق‌های رای دور کرده بود، مساله شرم از ابراز نظر است. بخشی از قشر متوسط و تحصیل‌کرده اگرچه قصد داشتند برگه رای خود را به نام دونالد ترامپ به‌صندوق بیاندازند، ولی از بیان آن شرم داشتند و بنابراین در نظرسنجی‌ها خود را هوادار رقیب او هیلاری کلینتون معرفی می‌کردند. طرفداری از دونالد ترامپی که جملات سکسیستی بیان می‌کند، می‌گوید مسلمانان را نباید به آمریکا راه داد و یا باید میلیون‌ها مهاجر غیرقانونی را اخراج کرد، برای بسیاری ساده نیست و ترجیح می‌دهند خود را مخالف او معرفی کنند. در فرانسه این مساله در جریان انتخاب نیکلاس سرکوزی به ریاست جمهوری اتفاق افتاد. در آن زمان در نظرسنجی‌ها اختلاف فاحشی بین سارکوزی و رقیب‌اش، مارین لوپن، رهبر راست افراطی وجود داشت، ولی در انتخابات بدون حمایت سوسیالیست‌ها نام سارکوزی برنده از صندوق بیرون نمی‌آمد. تا حدی این مساله در نظرسنجی‌های خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا نیز تاثیرگذار بود.

نظرسنجی پیشگویی نیست

برخی از کارشناسان معتقدند استفاده از فضای مجازی برای نظرسنجی‌های انتخاباتی یکی دیگر از عواملی است که باعث غلط از آب درآمدن پیش‌بینی‌ها می‌شود. هواداران این نظریه به دو عامل اشاره می‌کنند: یکی، حضور گسترده‌تر طبقه متوسط و تحصیل‌کرده در فضای مجازی، و دیگر، عدم امکان راست‌آزمایی کسانی‌که در نظرسنجی شرکت می‌کنند. در نظرسنجی‌های اینترنتی عمده شرکت‌کنندگان از نظر سیاسی فعال‌تر هستند، کمتر به شعارهای انتخاباتی توجه دارند و بنابراین برپایه نظرات آنها نمی‌توان نبض جامعه‌ای را که نگاهی سطحی‌تر و شعاری‌تر به انتخابات دارد تشخیص داد. نات سیلور، یکی از مهمترین نظریه پردازان نظرسنجی معتقد است که «نظرسنجی‌های اینترنتی نمی‌توانند با دقتی که در نظرخواهی رودررو یا حتی تلفنی وجود دارد صورت گیرند و در نتیجه نباید به نتایج آنها بیش از حد اطمینان کرد».

روبرتومانهایمر یکی از سرشناس‌ترین کارشناسان نظرسنجی در اروپا، البته اعتقاد ندارد که پیش‌بینی‌ها کلا اشتباه هستند. مانهایمر به کیهان لندن می‌گوید: «نظرسنجی انتخاباتی را برخی با پیشگویی اشتباه می‌گیرند. وظیفه ما پیش‌گویی نیست، بلکه ارائه واقعیت‌ها در لحظه انجام نظرسنجی است. واقعیت‌هایی که هر لحظه می‌توانند با انتشار خبری یا نظری، مانند صحبت‌های مدیر اف بی آی در مورد ایمیل‌های خانم کلینتون زمانی که وزیر خارجه بود، تغییر پیدا کنند». روبرتو مانهایمر در اشاره به تفاوت نتایج انتخابات آمریکا با نظرسنجی‌ها می‌گوید: «کاهش حضور تیره‌پوستان در انتخابات و افزایش غیر قابل انتظار سفیدپوستان در میدوست قابل پیش‌بینی نبود و این مساله تاثیر قابل توجهی در تغییر نتایج انتخابات داشت».

البته این کارشناس ایتالیایی مشکلاتی را نیز در انتخاب نمونه‌های نظرسنجی ها می‌بیند و به کیهان لندن می‌گوید: «در نظرسنجی‌هایی که در رابطه با همه‌پرسی در بریتانیا انجام گرفتند، مشکل این بود که عمده نمونه‌ها ساکن کلان‌شهرها بودند وبه شهرهای حاشیه‌ای کمتر توجه شد. در کلان شهرها اکثریت با کسانی بود که مخالف خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بودند، در حالی که در شهرهای کوچک بود که مردم به برکسیت یا خروج رای دادند».

خانم کورتنی کندی، مدیر نهاد نظرسنجی پیو در آمریکا نیز معتقد است در نظرسنجی‌هایی که در جریان انتخابات ۸ نوامبر ۲۰۱۶ در این کشور انجام گرفتند «نمونه‌های کلان شهرها بیش از شهرهای کوچک و متوسط بودند در نتیجه هواداران هیلاری کلینتون بیش از واقعیت ارزیابی شدند، در حالی که به هواداران دونالد ترامپ کمتر بها داده شد و همین باعث شد که نتایج نظرسنجی‌ها با واقعیت فاصله داشته باشد». خانم کندی نیز معتقد است که «بسیاری نظرسنجی را با پیشگویی اشتباه می‌گیرند». به گفته این کارشناس آمریکایی «نظرسنجی قرار نیست نتیجه یک انتخابات را از قبل تعیین کند!»

سرورقی زنده زندگی

ماجرایی از نسل تازه موج مهاجرت ایرانیان

اول با من به جاکارتا بیایید!

در سال ۱۳۹۰ آریا از اندونزی با بخش «نظر شما برای ما مهم است» سایت کیهان لندن، کیهان آنلاین، تماس گرفت و پس از ابراز مهر و علاقه به این روزنامه، خواهش کرد مطالب کیهان لندن در فرماتی برایش فرستاده شود که بتواند با امکانات اندکی که در آنجا دارد بخواند و در اختیار دیگر پناه‌جویان ایرانی قرار دهد که در کمپ وی ساکن هستند.

خواننده دیگری این یادداشت آریا را خواند و حاضر شد هزینه اشتراک کیهان را برای آریا و دیگر ایرانیان کمپ پناهجویان در اندونزی بپردازد.

ضمنا آریا ابراز علاقه کرد ماجراهایی را که از سر گذرانده با خوانندگان کیهان در میان بگذارد. ما از او خواهش کردیم نه تنها این کار را انجام دهد بلکه خوانندگان کیهان لندن را تا پایان اینکه ماجرای مهاجرتش به استرالیا به کجا خواهد رسید، با خود همراه کند.

حال با انتشار نسخه پی دی اف کیهان لندن، هر هفته بخشی از ماجرای مهاجرت آریا و خانواده‌اش به استرالیا را به همان زبانی که خودش بیان می‌کرد، می‌خوانید:

بخش هشتاد و ششم: در کمپ «آدلاید»: ما قبول شدیم!

وارد کمپ آدلاید شدیم. اطراف کمپ باغ‌های انگور و مزارع زیبایی بود و اسب‌های زیبا در حال دویدن. من یاد کارتون‌های دوران بچگی ام می‌افتادم. توی کمپ طبق معمول پناهجویان قدیمی به استقبال مسافرهای جدید آمده بودند و بعضی‌ها هم دنبال دوستان و فامیلشون می‌گشتند. بعد از خوشآمد گویی از طرف رییس کمپ و توضیح مقررات کمپ و کارهای گمرکی، ما رو به ویلاهایی سه خوابه انتقال دادند. ما باید با سه خانواده همخانه می‌شدیم. فردا از خستگی تا ساعت ده صبح خواب بودیم و از شانس ما تو ویلای ما فقط یه خانواده بود. چون ما قبلا تو اندونزی تو کمپ با آدم‌های جورواجور بد جور اذیت شده بودیم، با احتیاط رفتار می‌کردیم.

روز بعد تو خونه متوجه شدم تمام کارت‌های شارژ تلفنم به همراه دفترچه خاطراتم نیست. اتاق‌ها قفل داشت اما به ما کلید ندادند و درها باید مثل کمپ «کریسمس ایلند» باز می‌بود. تمام اتاق رو گشتم ولی اثری از دفترچه خاطراتم و بیست و چهار کارت شارژم نبود. احساس بدی داشتم. فرداش ساعت همسرم و «ام پی تری» ما گم شد. «ام پی تری» تو کمپ خیلی ما رو سرگرم می‌کرد. روز بعد به ماموران کمپ راجع به گم شدن وسایلمان اطلاع دادم چون اونها به ما گفته بودند که اگه چیزی گم شد حتما باید به اونها گزارش بدیم.

من خیلی از گم شدن دفترچه خاطراتم ناراحت بودم. میدونستم کسی اتاق ما رو چک کرده چون من همیشه علامت‌های خاصی روی کمد و در قرار می‌دادم و بعدش متوجه می‌شدم که علامت‌ها دست خورده بود ولی چیزی رو نمی‌شد ثابت کرد. خلاصه، یه شب یک نفر از ایران زنگ زد و سراغ همخانه ما رو گرفت. ولی طرف پشت خط یه اسم فامیل دیگه رو با مشخصات همخونه ما می‌گفت. چون من شماره ویلا رو به ایران نداده بودم، بدجور به طرف بدبین شدم.

یه روز ظهر که وارد ویلا شدیم با کمال تعجب متوجه شدیم که همسر همخانه ما داشت مواد غذایی ما رو که توی باکس ما بود عوض می‌کرد و وقتی برگشت و متوجه ما شد، حیلی خجالت کشید. نمی‌دونم چرا ما تو

این مهاجرت ناخواسته اکثرا به پُستِ ادم‌های مریض می‌خوریم! آدم‌هایی که از فقر و گرسنگی فرار کردن و از ساعت و «ام پی تری» و شارژ تلفن هم نمی‌گذرن و به دروغ خودشون رو آدم سیاسی معرفی میکنن. به راستی مشکل ما ایرانی‌ها کجاست؟! این همه دروغ که بین ماهایی که در زمان خلافت رهبران دروغ و تزویر تربیت شدیم ما رو به کجا میبره؟ اون نسل‌هایی که در زمان اون پدر و پسر تربیت شدن اکثرا انسان‌های صادق و راستگو و پایبند به اصول انسانی بودن ولی متاسفانه نسل انقلاب و بعد از انقلاب خیلی مشکل داره، البته به نظر من.

ما رو سریع جابجا کردند چون ماموران کمپ هم متوجه شدند که تو ویلای ما یه اتفاق‌هایی میفته. واقعا تو این شرایط خیلی مهمه که با کی همخانه میشین.

روزها می‌گذشت و من به توصیه دکتر شروع به ورزش کردم و در مزرعه کوچکی که گوجه و فلفل دلمه ای داشت که پناهجویان قبلی درست کرده بودند، خودمو مشغول می‌کردم. مزرعه رها شده و تشنه رو آبیاری می‌کردم و وقتی هفته‌های بعد گوجه‌ها رسیده شدند و مزرعه با طراوت شد خیلی خوشحال شدم. همخونه قبلی ما هم رفت به کمپ اونهایی که من باهاشون مشکل پیدا کرده بودم. جالبه، راست میگن که آدم‌های عوضی همدیگه رو خوب پیدا میکنن. مهاجرهای قدیمی از کمپ به شهرها برده میشدند و پناهجویان جدید هم مرتب می‌آمدند. من که دفترچه خاطراتم گم شده بود، دوباره وقایع رو از اول نوشتم و چند بار برای کیهان عزیز فرستادم که بعدها فهمیدم به دست عزیزان کیهان نرسیده. هرچی فکر کردم نفهمیدم که مشکل چی بود و چرا نامه‌های من به دست کیهان نرسید. شاید هم ترفند اداره مهاجرت بود که دنبال اطلاعات می‌گشت، شاید هم اصلا اون چهارده صفحه رو که نوشتم، نفرستادند.

بعد از یک ماه نوبت قاضی و وکیل ما شد. حدود بیست روز بعد از مصاحبه، جواب قبولی ما رو دادند و اون عوضی‌ها که خیلی بهشون فشار اومده بود میخواستن بترکن. چون ما تو اندونزی هم قبول شده بودیم جواب ما زود اومد. اون عوضی‌ها دنبال راهی بودند که ما رو تو کمپ نگه دارن. من که فکر میکردم به خاطر اون حرفهایی که اون آدمهای عوضی تو «کریسمس ایلند» زده بودند ، اداره مهاجرت ما رو اذیت خواهد کرد، وقتی جوابمان زودتر از این عوضی‌ها اومد خوشحال شدم و خدا رو شکر کردم که ما رو کمک کرد .

چند روز بعد، مهدی، همون بچه بامعرفت که تو کشتی خیلی به مسافرها کمک کرد به من می‌گفت نگران نباش، درست میشه. آقا سعید هم می‌گفت مواظب باش اون آشغالها که از قبولی تو دارن میترکن میخوان برن به اداره مهاجرت بگن که تو یواشکی تو لنج ازشون عکس گرفتی! ظاهرا اونها پیش آقا سعید اومده بودن که اونو با خودشون همراه کنند ولی سعید بهشون میگه خجالت بکشید! آریا روی اقیانوس جونمون رو نجات داده و در ثانی اون گفت که تولد پوریاست و میخواد چند عکس و فیلم بگیره و هرکس که دوست نداره صورتش رو برگردونه، اون که در بی خبری شما عکس نگرفته، خجالت بکشید!

آقا سعید ترک بود و با لهجه غلیظ ترکی صحبت می‌کرد.

ادامه دارد...

«چه کسانی در دام آمریکا افتاده‌اند؟» محتوای کتب درسی می‌شود!

در ایران بعضی نهادهای آموزشی- دینی تلاش می‌شود می‌کنند آنچه «اسناد جاسوسی آمریکا از ایران» خوانده می‌شود به محتوای کتاب‌های درسی تبدیل شود. رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در گفتگو با فارس از برگزاری جلسات ویژه برای بررسی راهکارهای ورود این مبحث به کتب درسی خبر داد و گفته خواسته‌ای از سوی آیت‌الله خامنه‌ای است.

حجت‌الاسلام محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی درباره «ورود محتوای اسناد خیانت‌های آمریکا در لانه جاسوسی به کتاب‌های درسی» گفته این گونه مباحث، کار عجله‌ای نیست و یک استراتژی و راهبرد اساسی است که رهبر انقلاب عنوان خواسته است.

محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در نشست «نیازهای آموزشی جمهوری اسلامی در پرتو تحولات منطقه»

جلسه در این خصوص برگزار شده و سه راهکار داده، اول تجدید چاپ ۷۰ جلد اسناد جاسوسی و انتقال آن به آموزش و پرورش، دوم پیدا کردن

نظام آموزش و پرورش در خدمت اهداف ضد استکباری

او در بخشی از این گفتگو عنوان کرده «بنده صریحاً اعتراف می‌کنم که اصلاً توجهی به این موضوع نداشته‌ایم» و «کلام رهبر معظم انقلاب را به جان می‌خریم».

آنطور که او می‌گوید، تا کنون سه جلسه در این خصوص برگزار شده و سه راهکار داده، اول تجدید چاپ ۷۰ جلد اسناد جاسوسی و انتقال آن به آموزش و پرورش، دوم پیدا کردن اینکه کدام محتوا به چه صورت بیان شود و سوم انتخاب تعداد محدودی از این کتاب‌ها با توجه به رشته دانش‌آموزان برنامه‌هایی است که در دست مطالعه قرار گرفته است.

بخش مهم این سخنان مربوط به گنجاندن مسائل روز در محتوای کتاب‌های درسی است، اینکه به گفته محمدیان «چه کسانی از دام آمریکا رهیده و در این دام نیفتادند و چه عواملی باعث افتادن افراد در این دام شده است که همه این موضوعات، باید بررسی شود و این مطالب به صورت متوازن و به صورتی که برای دانش‌آموز و معلم قابل فهم باشد، مناسب‌سازی شود».

تزریق محتوای دستوری به کتب درسی مدارس و دانشگاه‌ها سابقه زیادی دارد. در هفته‌های گذشته سید احمد علم‌الهدی، امام جمعه مشهد با عالمانه خواندن شیوه مدیریت آیت‌الله واعظ طبسی، رئیس سابق آستان قدس خواستار تدریس آن در دانشگاه‌ها شد. هم‌زمان علی اصغر پیوندی، رئیس دانشگاه شهید بهشتی از نهاد ولی فقیه خواست برای اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها کمک کند.

راه‌اندازی رشته‌هایی چون مداحی، خادمی در مسجد و طب اسلامی از دیگر دستاوردهای نظام آموزشی جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته است.

همکاری بین‌المللی، اخلاق و تغییرات اقلیمی

برای توسعهٔ پایدار و موثر و سرمایه‌گذاری برای محافظت از محیط‌زیست و جبران آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از چند دهه غفلت، نیاز داریم نقش همکاری‌های بین‌المللی و دلایل مرکزی بودن ارزش‌ها و اخلاقیات انسانی در این موضوع را بهتر بررسی و درک کنیم.

همکاری بین‌المللی: عنصر کلیدی برای ایجاد مسیر توسعهٔ پایدار، تقویت ساز و کارهای کنونی همکاری بین‌المللی است که تا کنون مشخص شده برای پاسخگویی به معضلات جهانی که با آن روبرو هستیم کافی نبوده است. روند جهانی شدن در غیاب نهادهای هم‌ارز بین‌المللی‌ای پیش می‌رود که می‌توانند جهانی شدن را حمایت کنند و پتانسیل آن را در مسیری مثبت تحت کنترل خود درآورند.

به عنوان مثال هیچ اقتدار بین‌المللی زیست‌محیطی‌ای وجود ندارد. سیاست‌ها در جبههٔ تغییرات اقلیمی با رویکردهایی موقت همچون عناصر همکاری‌های بین‌المللی، همکاری‌های داوطلبانه و میزان زیادی امید انجام می‌گیرد. در غیاب اشخاص حقوقی‌ای که در مورد محیط‌زیست جهانی اختیاراتی قانونی و مطابق آن قدرت اجرای قانونی داشته باشند، جامعه بین‌المللی عملاً مدیریت محیط‌زیست جهان را به بخت و اقدامات دولت‌های خوش‌نیّت واگذار کرده است. حتی اگر توافق ۲۰۱۵ پاریس که ۱۷۵ کشوری را گرد هم آورد که متعهد به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای شدند، به طور کامل اجرا شود، باز هم از گرم شدن زمین تا کمتر از ۲ درجه سانتی‌گراد جلوگیری نخواهد شد؛ آستانه‌ای که دانشمندان محیط‌زیست آن را برای جلوگیری از «پیامدهای ویرانگر بالقوه» ضروری می‌دانند (Stern ۲۰۱۶).

این‌که ما نمی‌دانیم تمرکز خود را بر تغییرات اقلیمی بگذاریم یا دیگر معضلات جهانی و این واقعیت که از مشکلات عمدهٔ دنیا غافل شده‌ایم، ناشی از آن است که ساز و کارها و نهادهایی نداریم که برای مقابله با آن معضلات به قدر کافی قدرتمند باشند.

اگر جهان قصد دارد با برقراری توازنی صحیح بین نگرانی‌های زیست‌محیطی و سیاست‌هایی که باید حامی این نگرانی‌ها باشند از یک سو، و لزوم تضمین توسعهٔ اقتصاد جهانی از سوی دیگر در مسیری که برای همه، و به ویژه برای تنگدستان و محرومان فرصت‌هایی فراهم کند، روبرو شود، ساز و کارهای موثر و معتبر همکاری بین‌المللی‌ای لازم است که مشروع شناخته شود و قادر باشد به نمایندگی منافع انسانی اقدام کند- و نه به نمایندگی مجموعه خاصی از کشورها.

این پرسش همچنان باقیست که آیا نظام موجودِ حاکمیت دولت- ملت قادر به دستیابی به این سطح از همکاری هست یا چنین سیستمی مستلزم بازسازی اساسی‌تری است؛ از جمله سطوح بالاتر حسابرسی ملّی برای اطمینان از دستاوردی که بیشتر در خدمت نسل حاضر و آینده باشد.

اخلاق و ارزش‌های انسانی: نهایتاً بدون بازنگری اساسی در ارزش‌های انسانی که در قرن گذشته بخش زیادی از روند توسعه را پیش رانده است، هیچ استراتژی‌ای با هدف تقویت ایجاد مسیری برای توسعه پایدار، کامل نخواهد بود. حجم قابل توجهی از تحقیقات دانشگاهی در سال‌های اخیر ارتباط میان رشد مادی و سعادت انسانی را مورد بررسی قرار داده‌اند. خود این سوال ممکن بود چند دهه پیش کمی عجیب و غریب به نظر برسد، یعنی زمانی که اقتصاددانان در دانشگاه و سیاست‌گذاران در دولت و سازمان‌های مالی بین‌المللی کم و بیش این را به منزلهٔ اصل اعتقادی پذیرفته بودند که رشد و درآمد بالاتر همواره خوب است و رفاه انسان و همراه با آن خوشبختی او را افزایش می‌دهد.

به هر تقدیر، بینش‌های زیادی در تغییر تدریجی این چشم‌انداز نقش داشته‌اند.

اول، تشخیص این‌که هر قدر هم که ممکن است چندین دهه رشد اقتصادی پس از جنگ [جهانی دوم] در بهبود استانداردهای زندگی سودمند بوده باشد، اما همزمان اقتصاد جهانی منابع محدود زیست‌محیطی را به سرعت تلف نیز کرد بدون آنکه میزان این خسارت را بسنجد.

دوم، روان‌شناسانی که بعدها به ابزارهای تحلیلی‌ای تجهیز شدند که در علوم دیگر توسعه یافته بود، توانستند نشان بدهند که خوشبختی انسان تنها تا سطح معینی با درآمد در ارتباط است. به نظر می‌رسد پول زمانی برای خوشبختی امر بسیار مهمی تلقی می‌شد که نیازهای مادی اساسی تامین نشده بودند. اما هنگامی که این نیازها تامین شده باشد، منابع خوشبختی به مسائل دیگری منتقل می‌شود که بازتابی از خواسته‌های معنوی عمیق‌تر، از جمله دوستی و روابط انسانی و احساس هدفمندی در زندگی و همچنین امنیت جزو آنهاست.مشاهدات بالا حاکی از لزوم گسترش آن چیزی است که به عنوان رفاه تلقی می‌شود و همچنین لزوم بررسی نزدیک‌تر رابطه‌ی میان افزایش فعالیت بازار و رفاه مردم شرکت‌کننده در نظام اقتصادی. نقطه‌ی عزیمت، ایجاد مرزبندی روشن‌تر بین مفاهیم «رشد» و «توسعه» است.

مفهوم اول در اصل مفهومی کمّی است که گسترش اندازه نظام اقتصادی را در برمی‌گیرد در حالی که مفهوم بعدی به تغییرات کیفی در این نظام و روابط آن با محیط‌زیست و سایر جنبه‌های زندگی در جامعه باز می‌گردد. درک درست یعنی این که اقتصاد باید خودش را کمتر با نحوهٔ افزودن بر ابعاد فیزیکی نظام اقتصادی، و بیشتر با رفاه بلندمدت جامعهٔ درگیر کند چرا که این «نظام» نهایتاً در خدمت به منافع این جامعه شکل گرفته است.

***منبع: وبلاگ بانک جهانی**
***نویسنده: آگوستو لوپز کلاروس**
***ترجمه: کیهان لندن**

آغاز ۲۳امین جشنوار تآتر ایرانی در کلن

مسوول اداره فرهنگ و هنر کلن

مجید فلاح زاده مدیر فستیوال

اختر قاسمی-چهارشنبه ۱۶ نوامبر، ۲۳امین فستیوال تاتر ایرانی در کلن، با استقبالی پرشور آغاز به کار کرد.

ابتدا مجید فلاح زاده مدیر فستیوال سخنان خود را با عنوان «نان و نمایش» ایراد کرد.

فلاح زاده گفت که این عنوان در رم باستان نسخه‌ای برای دور نگه داشتن توده‌ها از قدرت و دور نگه داشتن آنها از مقوله‌ی حیاتی عدالت اجتماعی بود که همواره تا امروز به اشکالی دیگر و فریبکارانه‌تر و زهرآلودتر همچون تعصب ملی، تعصب نژادی، تعصب مذهبی و... ادامه دارد. او افزود، اما برداشت دیگری از مقوله‌ی نان و نمایش وجود دارد که تاتر را نهادی در راستای اگاهی بیشتر انسان‌ها از حقوق و ارتقا آن می‌بیند.

فلاح زاده با اشاره به موقعیت خود و ایرانی‌ها به عنوان پناهنده گفت ما از اینکه «نان و نمایش- فستیوال» داریم راضی نیستیم و با کنایه گفت در کنار «نان پناهندگی»مان به همت نیروهای مترقی جامعه میزبان نمایش- فستیوال برگزار می‌کنیم تا به جایی برسیم که بتوانیم سهمی در سیتز با جوّ تعصبات ملی و مذهبی و نژادی داشته باشیم چرا که فقط اینگونه می‌توان امید یکی شدن را متحقق کرد.

مسوول اداره فرهنگ و هنر کلن

مسوول اداره فرهنگ و هنر کلن

پس از سخنان مجید فلاح زاده، یکی از مسئولین اداره فرهنگ و هنر کلن، از طرف شهردار کلن و رییس اداره فرهنگ و کلن به برگزارکنندگان و ایرانیان کلن، ۲۳امین دور برگزاری این جشنواره را تبریک گفت و از اینکه در این سالیان این جشنواره توانست در شهری که بیش از ۱۷۰ ملیت گوناگون زندگی می‌کند، گروه‌های مختلف با فرهنگ‌ها و زبان‌های متفاوت را گرد آورد و پلی برای نزدیکی مردم با یکدیگر برقرار کند، ابراز خرسندی کرد و گفت باید بگویم که این جشنواره تاتر ایرانی کلن قدیمی‌ترین فستیوال مستقل در کلن است و مطمئنا بدون همت زوج هنری فلاح زاده امکان‌پذیر نمی‌بود.

پس از پایان صحبت‌های رسمی آغازین، بازگشایی این جشنواره با تک‌نوازی زیبای سه تار فرزین دارابی فر به نام «پژواک» ادامه یافت. پس از آن نوبت به رقص آذربایجانی «سویل» رسید که به شدت مورد استقبال تماشاگران قرار گرفت.

جشن بازگشایی فستیوال با رقص زیبای گروهی از جوانان آذربایجان ادامه یافت و سپس مریم آخوندی خواننده‌ی ایرانی ساکن کلن به همراه گروه خود «بانو» به خیام‌خوانی پرداخت که ۴ نوازنده نیز او را همراهی می‌کردند.

فستیوال تاتر ایرانی کلن تا روز یک‌شنبه ۱۹ نوامبر در محل «خانه‌ی فرهنگ‌ها» ادامه خواهد داشت.

جان بولتون: دولت آمریکا بدون برخورد نظامی از اپوزیسیون برای تغییر رژیم در ایران حمایت می‌کند

● نماینده پیشین آمریکا در سازمان ملل: دولت آمریکا بدون درگیری مستقیم نظامی از اپوزیسیون ایران برای براندازی جمهوری اسلامی حمایت خواهد کرد

● جان بولتون: فکر نمی‌کنم رژیم حاکم بر ایران مردمی باشد. به نظرم رژیم ایران اسلحه دارد. مردم ایران از حکومت جدید استقبال خواهند

جان بولتون نماینده پیشین آمریکا در سازمان ملل و از گزینه‌های مطرح برای کسب کرسی وزارت امور خارجه دولت ترامپ، در سخنرانی اخیر خود خواستار تغییر رژیم در ایران شد.

وی در مورد موضع خود نسبت به رژیم جمهوری اسلامی گفت: «تنها راه‌حل بلندمدت حل مناقشات و از بین بردن تهدیدات ایران در منطقه خاورمیانه، تغییر رژیم جمهوری اسلامی است».بولتون درمصاحبه با نشریه «بریت‌بارت» تاکید کرد: «آیت‌الله‌های ایران تهدید اصلی صلح و امنیت در منطقه خاورمیانه به شمار می‌روند».

جان بولتون با لحنی کنایه‌آمیز و در حالی که «عمامه آخوندهای ایران را به صدف تشبیه می‌کرد» گفت: «عمامه آنها شیرینی و روشنایی به منطقه نمی‌آورد بلکه عملکرد آنها یک تهدید جدی در منطقه است که باید از بین برود».

دیپلمات پیشین دولت جرج بوش در ادامه با این استدلال که با کنار رفتن حکومت فعلی جمهوری اسلامی، مردم ایران به حکومت جدید روی خوش نشان خواهند داد و از آن استقبال می‌کنند، تصریح کرد: «دولت آمریکا نیز بدون درگیری مستقیم نظامی، از اپوزیسیون این کشور برای براندازی جمهوری اسلامی حمایت خواهد کرد».

جان بولتون، همچنین گفت: «فکر نمی‌کنم رژیم حاکم بر ایران مردمی باشد و در بین مردم محبوبیتی داشته باشد. به نظرم رژیم ایران اسلحه دارد. فکر می‌کنم آمریکا راه‌هایی برای حمایت از جناح اپوزیسیون دارد که می‌تواند بدون استفاده از نیروی نظامی آنها را برای داشتن نوع دیگری از حکومت حمایت کند».

نماینده پیشین آمریکا در سازمان ملل افزود: «من نمی‌گویم که با تغییر رژیم ایران، همه چیز در منطقه درست می‌شود. اما دست‌کم تهدیدهای اصلی از بین می‌رود».

ادامه در صفحه ۱۵

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

تمرین مجاهدین نوحه‌خوان و سینه‌زن برای رقص «تانگو» با «عمو ترامپ»!

©Reuters

تظاهرات مجاهدین در برابر کاخ سفید، ۱۱ نوامبر ۲۰۱۳

● یکی از دلایل اصلی امیدواری مجاهدین برای همکاری با دولت ترامپ، ارتباط نزدیک با شماری از چهره‌های بازنشسته سیاسی، نظامی و امنیتی آمریکایی است که تا چند ماه قبل کوچکترین بخت بازگشت به کار دولتی در آمریکا برای هیچ‌یک از آنها متصور نبود

● اگر حضور شاهزاده ترکی فیصل در پاریس و لو دادن موضوع مرگ مسعود رجوی در طول روزهای برگزاری اجتماع مجاهدین خبرساز بود، حضور سه میهمان آمریکایی دیگر، رودی جولیانی شهردار پیشین نیویورک، نیوت گنگریچ رییس پیشین مجلس نمایندگان آمریکا در کنار جان بولتون نماینده اسبق آمریکا در سازمان ملل، زمانی خبرساز شد که پیروزی دونالد ترامپ بر هیلاری کلینتون قطعیت یافت

رضا تقی‌زاده - چند روزی از انتشار فیلم نوحه‌خوانی و سینه‌کوبی سال جاری مجاهدین خلق، به مناسبت «عاشورای حسینی» نگذشته بود که پیروزی غیر منتظره ترامپ و چشم‌انداز یافتن جای پایی تازه در واشنگتن، غم از دل سوگوار آنها زدود، و در صفوف «ارتش ازادیبخش» موج شادی خلق کرد.

پیش از ۸ نوامبر، مجاهدین خلق، همسو با سعودی‌ها، اسرائیلی‌ها و حتی لابی جمهوری اسلامی در واشنگتن، خود را برای «تعامل» با دولت هیلاری کلینتون آماده می‌ساختند، در حالی که امروز، امیدوارانه به توسعه روابط دوستانه با کاخ سفید و حتی تجهیز و گسترش «دفتر نمایندگی سیاسی» در واشنگتن فکر می‌کنند.یکی از دلایل اصلی امیدواری مجاهدین برای همکاری با دولت ترامپ، ارتباط نزدیک با شماری از چهره‌های بازنشسته سیاسی، نظامی و امنیتی آمریکایی است که تا چند ماه قبل کوچکترین بخت بازگشت به کار دولتی در آمریکا برای هیچ‌یک از آنها متصور نبود. بر پایه این تصور که صاحبان علم بیش از دیگران، خودشان پذیرفته بودند، به کار شریف «سخنرانی در مقابل مزد مناسب» مشغول و به هر دعوتی پاسخ مثبت می‌گفتند.

شکست شگفت‌انگیز هیلاری کلینتون در انتخابات آمریکا و به قدرت رسیدن غیر متصور ترامپ را شاید بتوان برنده شدن در قرعه‌کشی بخت‌آزمایی و رسیدن به جایزه بزرگ لاتاری برای مجاهدین تلقی کرد.

ضمن قبول این اصل که «در سیاست تقریبا هیچ رویدادی اتفاقی نیست»، رسیدن مجاهدین به «جایزه بزرگ»، نه در نتیجه محاسبه دقیق آنها از سود و زیان یک طرح و یا اطلاع از تحولات پشت صحنه سیاست واشنگتن، و یا مرتبط بودن با حلقه‌های پنهان قدرت در جهان، که در حاشیه تلاش برای استفاده از صحنه حیرت‌انگیز سیاست داخلی آمریکا و بهره برداری تبلیغاتی از نام‌ها و عنوان‌های کسانی قرار دارد که در گذشته مقامی داشتند.

به این منظور مجاهدین دعوتنامه‌های نان و آبدار خود را برای شماری بازنشستگان دولتی و یا انتخابی، از چپ میانه (اعضای حزب دمکرات)، تا راست افراطی از (حزب جمهوری‌خواه) بعلاوه شماری از افسران بازنشسته نیروهای مسلح و کارکنان امنیتی (روسای سابق سیا و اف بی آی) روانه ساختند.

طی یک گردش پیش‌بینی نشده در وضعیت داخلی آمریکا، ناگهان شماری از بازنشسته‌های مورد دعوت قرار گرفته که پیشتر در مقابل دریافت وجه، به شانه گرفتن تابلوهای تبلیغاتی مجاهدین را پذیرفته بودند، خود را در قدرت و قلب دولت آمریکا یافتند.

روابط اوباما با مجاهدین خلق

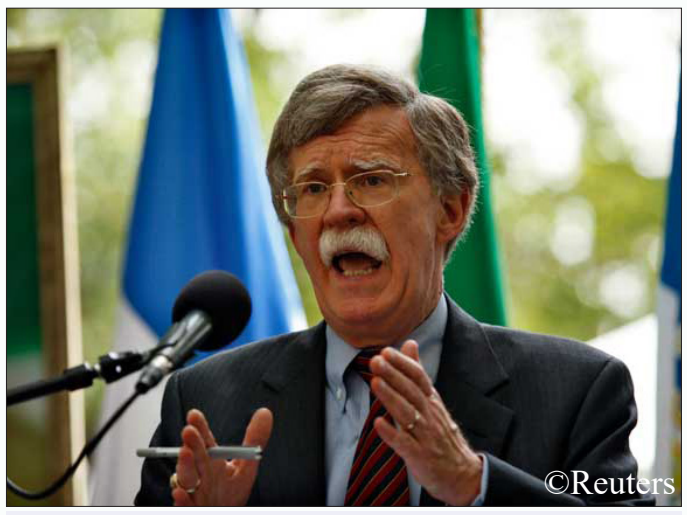
©Reuters

جان بولتون در برابر سازمان ملل با مجاهدین تظاهرکننده صحبت می‌کند، نیویورک، ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۱

دولت اوباما طی چهار سال نخست استقرار در کاخ سفید سیاست «استفاده ابزاری از مجاهدین خلق» را که دولت بوش اختیار کرده بود (افشاگری پیرامون مراکز هسته‌ای جمهوری اسلامی در سال ۲۰۰۲ از زبان مجاهدین)، با هدف اعمال فشار سیاسی علیه جمهوری اسلامی

مراسم عاشورای حسینی – تجدیدعهد رزمندگان آزادی با سرور شهیدان – ۹۴

ادامه داد.طی دور دوم رییس جمهوری، و به دنبال دریافت نشانه‌های مثبت از تهران، طی مذاکرات محرمانه نمایندگان وزارت خارجه آمریکا و کاخ سفید با فرستاد گان جمهوری اسلامی، و روشن شدن «آمادگی مشروط» تهران برای متوقف ساختن برنامه دست یافتن به ظرفیت ساخت بمب اتمی، اوباما سیاست «حمایت و تقویت دولت تهران» را، با هدف تغییر تدریجی حکومت و مستقر ساختن دولتی معتدل در تهران، جانشین سیاست « اعمال فشار علیه جمهوری اسلامی» ساخت.

یکی از نتایج تغییر سیاست اوباما در قبال حکومت اسلامی تهران، منزوی ساختن سیاسی و رسانه‌ای تمام شاخه‌های اپوزیسیون و مسدود ساختن مسیرهای ارتباط نمایندگان آنها با دولت‌های قدرت‌های بزرگ بود.

رسانه‌های فارسی زبان پر بیننده و پر شنوده خارج از ایران، که با هزینه قدرت‌های بزرگ غربی اداره می‌شوند مسئولیت رسانه‌ای اجرای این سیاست و برنامه به بازی نگرفتن و منزوی ساختن اپوزیسیون (بخصوص مشروطه‌خواهان و مجاهدین) را به صورت هدایت شده ولی نامحسوس، بر عهده داشته‌اند.

اندکی پیش از تغییر سیاست واشنگتن در رابطه با حکومت ایران، هیلاری کلینتون وزیر خارجه وقت آمریکا، روز ۲۹ سپتامبر سال ۲۰۱۲ نام مجاهدین خلق را از لیست تروریست‌ها خارج ساخت و مجاهدین تحت نام «شورای ملی مقاومت» دفتر کوچک خود را در واشنگتن به امید رونق یافتن در آینده، رسمیت دادند.

در سال ۱۹۹۷ و زمان رییس جمهوری بیل کلینتون، و به عنوان دستمزد به خوشرویی‌های محمد خاتمی و سیاست «تنش‌زدایی او در مناسبات خارجی»، نام مجاهدین در لیست گروه‌های تروریست قرار داده شده بود. مجاهدین خلق طی دور دوم رییس جمهوری اوباما با مسدود دیدن راه تماس با دولت آمریکا، با وجود دو بار اخراج از فرانسه و حتی زندانی شدن مریم رجوی در آن کشور، کارهای تبلیغاتی و روابط عمومی خود را در پاریس افزایش داده، و به منظور کسب اعتبار تبلیغاتی، ضمن جمع‌آوری شمار بزرگی شرکت کننده (از هفتاد و دو ملت) در تظاهرات پاریس، تعدادی چهره‌های شناخته را نیز برای سخنرانی و اعلام پشتیبانی از خودعوت کردند.

سخنرانان خوش اقبال

در لیست میهمانان مجاهدین در پاریس نام‌های عرب، اروپایی و آمریکایی، از هر دو حزب سیاسی بزرگ آن کشور، بعلاوه مسئولان بازنشسته امنیتی و جاسوسی، همچنین افسران پایان خدمت یافته دیده می‌شوند.

شاید بحث‌انگیزترین میهمان سال جاری گردهمایی مجاهدین در پاریس ترکی فیصل، رییس سابق سازمان اطلاعات عربستان سعودی، و خبرسازترین موضوع اجتماع، مطرح ساختن مرگ مسعود رجوی بود.

بجز محمود عباس رییس دولت خود گردان فلسطین، برنارد کوشنر وزیر خارجه و فرانسوا فیون در زمان رییس جمهوری سرکوزی، و شماری آمریکایی نیز در پاریس حضور یافتند.

جیمز ولسی و پورتر گاس دو رییس پیشین سازمان سیا نیز از جمله دعوت شدگان به گردهمایی مجاهدین در پاریس بودند که اولی در دولت بیل کلینتون به مدت دو سال خدمت کرد و دومی در دولت اول جورج بوش. دیگر دعوت شدگان لوئیس جی. فری مدیرکل سابق اف‌بی‌آی، تام ریج وزیر امنیت ملی در دولت جورج بوش، مایکل بی. موکاسی دادستان کل سابق و ژنرال جیمز جونز اولین مشاور امنیت ملی در دوره باراک اوباما.

ادوارد رندل، فرماندار پیشین ایالت پنسیلوانیا آمریکا نیز که به نفع خروج نام مجاهدین از «فهرست گروه‌های تروریستی» فعالیت داشت در همایش طرفداران این سازمان سخنرانی کرد و دریافت مبلغ ۲۰هزار دلار به عنوان «حق سخنرانی» به نفع این سازمان را نیز تأیید کرده است.

اگر حضور شاهزاده ترکی فیصل در پاریس و لو دادن موضوع مرگ مسعود رجوی در طول روزهای برگزاری اجتماع مجاهدین خبرساز بود، حضور سه میهمان آمریکایی دیگر، رودی جولیانی شهردار پیشین نیویورک، نیوت گنگریچ رییس پیشین مجلس نمایندگان آمریکا در کنار جان بولتون نماینده اسبق آمریکا در سازمان ملل، زمانی خبرساز شد که پیروزی دونالد ترامپ بر هیلاری کلینتون قطعیت یافت.

سه چهره یاد شده و شماری از نزدیکان آنها از جمله کسانی هستند که انتظار می‌رود در دولت ترامپ به شغل‌های کلیدی برسند.

تغییر لباس به سرعت شعبده‌بازها

سازمان مجاهدین خلق یک سازمان «تروریستی مارکسیست – لنینیست» و «اسلام‌گرا» معرفی می‌شود که مشخصه اول را با حنیف نژاد داشت، دومی را با تقی شهرام و هویت پررنگ‌تر اسلامی را، با موسی خیابانی و مسعود رجوی. سازمان مجاهدین و بازوی سیاسی آن که «شورای ملی مقاومت» نامیده می‌شود با مریم رجوی، آمیزه‌ای پیچیده از هر سه مشخصه را دارا است.

در گذشته، شاید به استثنای دوره‌ای که حنیف نژاد و شهرام آن را هدایت می‌کردند، سازمان همیشه تقاضای بازار را برای عرضه کالا مقدم بر هر مولفه دیگری شمرده است.

با این پیش‌فرض که اسلام‌گرایی، بدون جمهوری اسلامی نیز در ایران دارای خریدار است، مجاهدین بعد از به اصطلاح ترک فعالیت‌های تروریستی، منحل ساختن مبارزه مسلحانه و تعطیل «ارتش آزادیبخش» نیروهای خود را به جای سرود خواندن پادگانی برای نوحه‌خوانی و ترتیب دادن موزیکال سینه‌زنی تمرین و آرایش می‌دهند.نوحه‌خوانی و سینه‌زنی ظاهرا نیاز بازار داخلی را برای توجیه داشتن باورهای مذهبی نزد مجاهدین تامین می‌کند، اما، برای جلب حمایت خارجی، بخصوص از دولت تاجرپیشه‌ای مانند ترامپ، آنها نیازمند داشتن کالای بهتری هستند.

بدون شک کسانی مانند جولیانی، گینگریچ و بولتون، در داخل و حتی خارج از گروه همکاران رسمی دونالد ترامپ، می‌توانند برای مجاهدین سرپل‌های ارتباطی مناسبی باشند.

اما، برای ساختن پل‌ها، تامین هدف‌های بزرگتر، و طرف معامله شدن با دولت تازه واشنگتن، تکیه بر آشنایی و داشتن روابط کاری با سه مشاور ترامپ کافی نیست؛ ترامپ تاجری است که پیش از معامله، کیفیت کالا و بهای مناسب آن را با هم می‌سنجد و در بازار، عرضه‌کننده‌های دیگر نیز، از جمله جمهوری اسلامی، خود را برای فروش عرضه خواهند کرد.

رضا تقی‌زاده

«برای دیدن ویدئو ، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

فاطمه ایرانی اولین فرد صاحب شناسنامه در ایران

● اولین شناسنامه به شماره ۱ در بخش ۲ تهران در تاریخ ۱۶ آذر ۱۲۹۷ خورشیدی به نام «فاطمه ایرانی» صادر شد

● ثبت احوال در ایران برای اولین بار در تاریخ ۳ دی ماه ۱۲۹۷ خورشیدی در تهران فعالیت خود را آغاز کرد

تاسیس ثبت احوال در ایران برای اولین بار ۲۰ آذر ماه ۱۲۹۷ خورشیدی به تصویب هیات وزیران رسید و با صدور اولین شناسنامه برای دختری به نام «فاطمه ایرانی» در تاریخ ۳ دیماه ۱۲۹۷ در تهران فعالیت خود را آغاز کرد. در حالی که ثبت احوال به صورت یکپارچه و منسجم در جهان در قرن نوزدهم میلادی شکل گرفت.

تا قبل از سال ۱۲۹۵ خورشیدی، ثبت وقایع حیاتی از جمله ولادت و وفات در ایران بر اساس اعتقادات مذهبی و سنت‌های رایج و بیشتر با مراجعه به ریش سفیدان محله یا بزرگان قوم و با نگارش نام و تاریخ تولد فرد در پشت جلد برخی از کتاب‌ها انجام می‌گرفت. نام و تاریخ وفات افراد هم که بر روی سنگ قبر ایشان نگاشته می‌شد اثری قابل مشاهده نبود.

پس از انقلاب مشروطه و آغاز شکل گرفتن نهادهای مدرن دولتی و مدنی در دوران رضاشاه پهلوی، در پی ایده تشکیل سازمان ثبت تولدها و وفات و نیز صدور شناسنامه برای اتباع ایرانی ابتدا سندی مشتمل بر ۴۱ ماده در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی به تصویب هیات وزیران رسید و اداره ای با عنوان «اداره سجل احوال» در وزارت داخله وقت به وجود آمد.

خبرگزاری فارس در گزارشی در این باره می‌نویسد، پس از تشکیل این اداره اولین شناسنامه به شماره ۱ در بخش ۲ تهران در تاریخ ۱۶ آذر ۱۲۹۷ خورشیدی به نام فاطمه ایرانی صادر شد.

پس از این دوره اولین قانون ثبت احوال مشتمل بر ۳۵ ماده در خرداد سال ۱۳۰۴ خورشیدی در مجلس شورای ملی تصویب شد. بر اساس این قانون مقرر شد تمام اتباع ایرانی در داخل و خارج از کشور باید دارای شناسنامه باشند. سه سال پس از تصویب اولین قانون ثبت احوال یعنی در سال ۱۳۰ قانون جدید ثبت احوال مشتمل بر ۱۶ ماده تصویب شد.

بر اساس این قانون وظیفه جمع آوری آمارهای مختلف نیز به اداره سجل احوال محول شد، به همین جهت نام این اداره نیز به «اداره احصائیه و سجل احوال» تغییر یافت. از آن تاریخ به تناسب شرایط زمانی تغییر و تحولات به وجود آمده در ایران و با احساس عدم تناسب قوانین موجود با نیازهای جامعه، قانون ثبت احوال نیز به دفعات مورد بازنگری، تغییر و اصلاح قرار گرفت.

سپس در اردیبهشت سال ۱۳۱۹ قانون مشتمل بر ۵۵ ماده تصویب شد و پس از آن آئین نامه مربوط به این قانون نیز در همان سال مشتمل بر ۱۳۱ ماده به تصویب رسید. این قانون به جهت جامعیت نسبی ۳۶ سال پایدار ماند.

پس از گذشت این زمان در تیر ماه ۵۵ قانون جدید ثبت احوال مشتمل بر ۵۵ ماده به تصویب رسید و سپس به موجب اصلاحیه دی ماه سال ۱۳۶۳ در مجلس شورای ملی در برخی از مواد اصلاحاتی صورت گرفت که تا کنون نیز این قانون به قوت خود باقی مانده است.

پس از اینکه قسمت آمار از ثبت احوال جدا و با عنوان اداره کل آمار عمومی ادامه فعالیت داد تشکیلات جدید ثبت احوال نیز پس از این جدایی به اداره کل ثبت احوال تغییر نام یافت.

به گزارش خبرگزاری فارس، سرانجام با تصویب قانون تقسیمات کشوری ادارات استانی و شهرستانی این سازمان نیز گسترش یافت و عنوان آن نیز به سازمان ثبت احوال کشور تغییر یافت.

سازمان ثبت احوال کشور به دلیل در اختیار داشتن اسناد هویت و تابعیت فردی افراد و آمارهای موجود یکی از ارکان مهم کشور تلقی می‌شود.

نگاهی به اوضاع اقتصادی ایران

«برای دیدن ویدئو ، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

روز ۱۱ آبان حجت‌الاسلام حسن روحانی در جلسه رأی اعتماد نمایندگان مجلس به ۳ وزیر پیشنهادی در دفاع از کارنامه دولت خود اظهار داشت که دولت در آغاز کار با تورم ۴۰درصدی، رشد منفی، عدم اشتغال خالص یعنی نزدیک به صفر، همراه با تحریم‌های شدید سازمان ملل روبرو بود.

وی آنگاه تصریح کرد که اکنون دولت تورم را یک‌رقمی کرده و رشد اقتصادی را به ۴.۴ درصد رسانده و هدف دستیابی به رشد ۵ درصدی تا پایان سال جاری است.

اما روحانی اذعان داشت که در مورد مساله اشتغال، دولت بسیار عقب است. در این میان تازه‌ترین آمار منتشره توسط مرکز آمار ایران از افزایش نرخ بیکاری حکایت دارد و این نرخ را در حال حاضر ۱۲.۷ درصد اعلام کرده است.

در همین حال مسعود نیلی مشاور اقتصادی روحانی سال ۹۵ را بزنگاهی برای اقتصاد ایران می‌داند که تصمیم‌گیری‌ها در آن برای آینده اقتصادی کشور حیاتی است.

وضعیت اقتصادی ایران و چشم‌انداز بهبود آن موضوع گفتگویی است که بیژن فرهودی با دکتر رضا باوفا استاد دانشگاه لویولا در لس آنجلس انجام داده است.

این ادعا که دولت اقداماتی در زمینه کاهش نرخ تورم به عمل آورده درست است اما نرخ واقعی تورم چیزی بین ۱۰ تا ۱۵ درصد است.

مذاکرات ایران و روسیه در مورد قرارداد نظامی ۱۰ میلیارد دلاری

یک سناتور ارشد روسیه از امضای قرارداد نظامی ۱۰ میلیارد دلاری بین ایران و روسیه خبر داد.

به گزارش رویترز و به نقل از خبرگزاری روسی «ریانووستی» این مقام آگاه روسی گفت: «بر اساس این قرارداد مسکو تانک‌های تی۹۰ (T۹۰)، تجهیزات توپخانه‌ای، هواپیما و هلی‌کوپترهای جنگی به تهران تحویل خواهد داد».

قرارداد نظامی ایران و روسیهویکتور اوزروف رییس کمیته امنیت و دفاع در مجلس سنای روسیه به خبرنگاران اعلام کرد: «مذاکرات در خصوص این قرارداد احتمالی در جریان یک دیدار پارلمانی از ایران آغاز خواهد شد».

ایران و روسیه در سال‌های اخیر و به ویژه با تشدید جنگ‌های داخلی در خاورمیانه بیش از هر زمان دیگری به یکدیگر نزدیک شده‌اند. در جریان مذاکرات هسته‌ای، روس‌ها بیش از بقیه با ایران همراهی کرده‌اند. دو کشور در موضوع جنگ داخلی سوریه همدیگر را حمایت کردند و هر دو در کنار بشار اسد رییس جمهور سوریه در یک جبهه ایستادند.

در اوایل سال جاری در جریان تبادلات نظامی بین دو کشور نیز، مدیر عامل شرکت صادرکننده تسلیحات روسیه خبر داد که تهران پس از دریافت سیستم‌های پدافند هوایی اس۳۰۰ شکایت خود را از این شرکت پس گرفت.

این در حالیست که پیشتر، رسانه‌های داخلی ایران از تعلل روسیه در تحویل سامانه موشکی به ایران خبر داده بودند. خبرگزاری تسنیم در این باره نوشته بود: «در چارچوب تکمیل شبکه نظامی هوایی جمهوری اسلامی، تهران سال ۲۰۰۷ قرار داد خرید چند سامانه موشکی را با روسیه امضا و بخشی از وجه آن را پرداخت کرده و با وجود لازم‌الاجرا بودن این قرار داد و اینکه خرید مجموعه دفاعی از روسیه توسط ایران، شامل هیچ‌گونه ممنوعیت سازمان ملل و تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا علیه ایران نبوده، اما فشارهای واشنگتن بر رییس جمهوری پیشین روسیه در سال ۲۰۱۰ ، سبب اختلال در اجرای این قرار داد شده است».

در حالی که بعد از ادامه تعلل مسکو در روند تحویل سامانه اس ۳۰۰، جمهوری اسلامی بحث احتمال پیگیری قضایی پرونده در محاکم بین‌المللی را مطرح کرد، سرانجام روس‌ها از آوریل سال جاری، روند تحویل سامانه‌های موشکی به ایران را آغاز کردند.

کاریکاتورهای «ا. بارکی»

ترامپ، رییس جمهوری آمریکا...

عنوان «مهندسی» نماینده ایرانی در مجلس کانادا دردسرساز شد

● مجید جوهری نماینده لیبرال پارلمان کانادا اعتراف کرده است که در زمان انتخابات، مجوز مهندسی وی معتبر نبوده است

● جوهری که موافق برقراری ارتباط با جمهوری اسلامی است از سوی مخالفانش به جعل عنوان حرفه‌ای و دانشگاهی و نیز دروغگویی درباره موقعیت شغلی متهم شده است

مجید جوهری سیاستمدار ایرانی-کانادایی و نماینده لیبرال پارلمان کانادا به دلیل سوء استفاده از عنوان «مهندس» در مبارزات انتخاباتی سال گذشته مجلس فدرال کانادا، مجبور به عذرخواهی از حزب لیبرال شد.

مجید جوهریاین نماینده ایرانی‌تبار در مجلس کانادا که با عنوان «مهندس مجید جوهری» از حوزه انتخابی ریچموندهیل در تورنتو به مجلس کانادا راه پیدا کرده بود، اکنون اعتراف کرده که در زمان انتخابات، مجوز مهندسی وی اعتبار نداشته است.

به گفته جوهری، مجوز مهندسی‌اش طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ اعتبار داشته و به دلیل عدم پرداخت حق عضویت آن به سازمان نظام مهندسی، این مجوز باطل شده است.

بر اساس قوانین نظام مهندسی حرفه‌ای کانادا، استفاده از عناوین «مهندس» و «مهندس حرفه‌ای» منوط به داشتن مجوز معتبر از آن نهاد است. این در حالیست که مخالفان جوهری از همین ماده قانونی برای تحت فشار گذاشتن وی استفاده کرده‌اند.

به گزارش خبرگزاری ایرانشهر به دلیل اینکه جوهری در طول مبارزات انتخاباتی خود از هر دو عنوان مهندسی استفاده کرده، توسط سازمان نظام مهندسی حرفه‌ای استان اونتاریو کانادا به نقض قانون در این‌باره متهم شد اما دو طرف پس از چند دور مذاکره به توافق رسیدند تا مجید جوهری با ارسال یک نامه عذرخواهی و اهدای ۵ هزار دلار به سازمان نظام مهندسی حرفه‌ای استان اونتاریو با هدف استفاده در امور آموزشی، بخشوده شود.

جوهری که موافق برقراری ارتباط با جمهوری اسلامی است از سوی مخالفانش به جعل عنوان حرفه‌ای و دانشگاهی و نیز دروغگویی درباره موقعیت شغلی متهم شده است.

جوهری در بیانیه عذرخواهی‌اش بیان کرده است: «من قصد گمراهی کسی را نداشتم و بابت گفتار، اعمال و رفتارم پشیمان هستم و صمیمانه عذرخواهی می‌کنم. این تجربه درس ارزشمندی به من داد تا در همه حال در استفاده از القاب و عناوین با دقت بیشتری عمل کنم».

استفاده از القاب و عناوین «دکتر» و «مهندس»در ایران و میان ایرانیان بسیار شایع است و گاهی برخی از افراد برای بزرگ‌نمایی از این عناوین استفاده می‌کنند که اغلب دست‌مایه قضاوت شخصیتی افراد در جامعه قرار می‌گیرد. در بسیاری موارد افراد به دلیل وابستگی به مسوولان بلندپایه حکومتی، که دارای پست و مقام شده‌اند خودشان را با عناوین «دکتر» و «مهندس» صدا می‌کنند. این در حالیست که حتی ممکن است تحصیلات دانشگاهی نیز نداشته باشند.

از نمونه‌های آن می‌توان به علی کُردان وزیر کشور دولت محمود احمدی‌نژاد اشاره کرد که به دلیل جعلی بودن مدرک دکترا از دانشگاه آکسفورد و دارا نبودن مدارک تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد مورد ادعا از دانشگاه آزاد اسلامی و دریافت حقوق دولتی بر پایه مدرک تحصیلی دکترا و عضویت در هیات علمی دانشگاه آزاد با استفاده از مدارک جعلی، توسط مجلس، استیضاح و پس از رای عدم اعتماد اکثریت نمایندگان، از سمت خود برکنار شد.

گفتنی است که دیگر نماینده ایرانی‌تبار مجلس کانادا آقای علی احساسی است که نوه تیمورتاش وزیر دربار دوره رضا شاه است.

زنان شاخص

سیمین‌غانم
(۱۳۲۳ -تنکابن)

سیمین غانم در سال ۱۳۲۳ از پدری تهرانی و مادری ساروی در شهر تنکابن زاده شد. او از ۹ سالگی در جشن‌های مدرسه می‌خواند. غانم در سال ۱۳۴۱ در مسابقه‌های آموزشگاه‌های ایران در رشته آواز اول شد. نخستین اجرای تلویزیونی سیمین غانم ترانه «موج خروشان» با تنظیم مرتضی حنانه و تهیه عباس زندی در سال ۱۳۴۷ بود. سیمین غانم فعالیت رسمی خود را از ۲۵ سالگی و در سال ۱۳۴۸ آغاز کرد. او دوره موسیقی سنتی و ردیف را زیر نظر محمود کریمی گذراند. مدتی نیز نزد مرتضی حنانه قواعد موسیقی و سلفژ را آموخت و با علی تجویدی نیز در زمینه موسیقی کار کرد. شباهت صدایش به خواننده بلندآوازه آن دوران دلکش درها را به روی سیمین گشود،اما وی، گام در راه موسیقی پاپ نهاد و در این راه از حمایت آهنگسازان توانایی چون بابک بیات، فریبرز لاچینی و... بهره‌مند شد. «قلک چشات»، نخستین ترانه او به سبک جدید بود. این ترانه در ایران مدت‌ها اولین صفحه روز بود.

معروف‌ترین ترانه سیمین غانم «گل گلدون من» نام دارد که سروده فرهاد شیبانی است. صدای سیمین غانم که در محدوده کنترآلتو قرار می‌گیرد، صدایی است گیرا، قوی و پرطنین. او در بیان و القاء اوج و حضیض‌های عاطفی غوغا می‌کند.غانم بیش از دو دهه در سال‌های پس از انقلاب ۵۷ از خوانندگی بازماند. نخستین کنسرت او پس از انقلاب در مهرماه ۱۳۷۸ در تهران برگزار شد. در حال حاضر سیمین غانم به همراه خانواده‌اش در ایران به سر می‌برد و گه‌گاه به اجرای کنسرت می‌پردازد.

تغییر رنگ چشم با عمل جراحی!

«دامین گاتینل» جراح متخصص آب مروارید می‌گوید: در آمریکا تکنیک‌هایی برای تغییر رنگ چشم به نام‌های Stomanedical و Brightocular وجود دارند که خطرناک و ریسک پذیر هستند و می‌تواند باعث التهاب و یا آب سیاه شود.«فرانسیس فراری» جراح چشم فرانسوی اظهار می‌دارد: امکان تغییر رنگ چشم وجود دارد و فرق نمی‌کند چه رنگی باشد؛ من تکنیکی برای تغییر رنگ چشم انجام داده‌ام که برای انجام این کار توسط لیزر «فمتوسکند» دور قرنیه را خالکوبی می‌کنم؛ در حال حاضر این لیزر برای پیرچشمی استفاده می‌شود.این تکنیک به نام «کراتوپیگمانتسیون» حلقوی زیبایی است؛ خالکوبی یک روش بسیار قدیمی است که رومی‌ها و مصری‌ها برای پنهان کردن زخم بد منظر چشم استفاده می‌کردند.«دامین گاتینل» می‌گوید: اولین بیمارم چشم قهوه‌ای داشت و می‌خواست چشم‌هایش سبز شوند و بعد از عمل جراحی از نتیجه راضی بود. البته این عمل جراحی بسیار خطرناک بود.البته «فرانسیس فراری» می‌گوید: نخستین روش Stromamedical موجب می‌شود رنگدانه به جلوی چشم وارد شود؛ این فرآیند برگشت ناپذیر است و باعث گلوکوم رنگدانه می‌شود و در آمریکا فعلا ممنوع است. روش دوم به نام Brightocular است که برای اجرای آن یک لنز رنگی در چشم روی عنبیه گذاشته می‌شود و برگشت پذیر است و می‌تواند باعث التهاب در چشم یا آب مروارید شود.

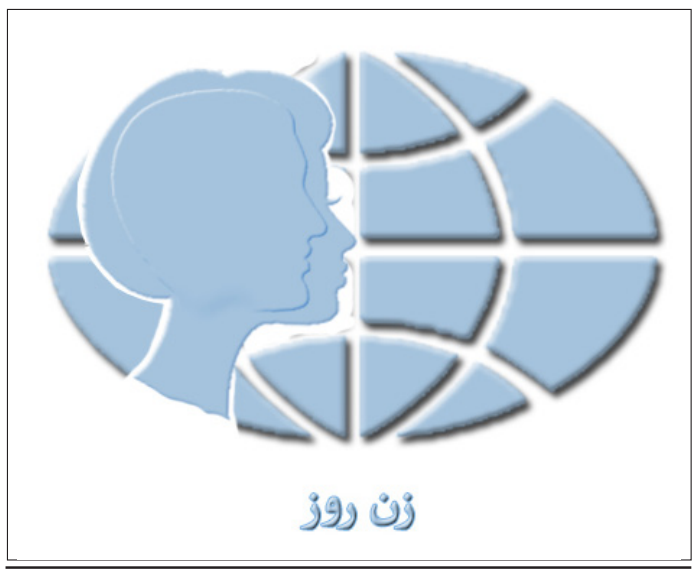

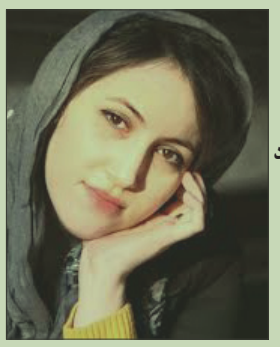

دیوانگی بدنیست
هوس کرده ام
چنان گیج شوم از تو
چنان مست شوی از من
که زمین سر گیجه بگیرد
واشتباهی سالی سیصدوشصت‌وشش‌دوربگردد
یک روز اضافه تر، دورِ تو
برای یک بار هم که شده
چشم هایت را ببند
و سال ها بخواب
به جای تمام سال هایی که نخوابیدی
روی سینه ام
من شهرزاد نیستم
اما قصه گوی خوبی ام!...

مهدیه لطیفی

از شر خشکی پوست خلاص شوید

زمانی که هوای بیرون سرد شده و هوای خانه با وجود سیستم گرمازا خشک است، شما بیش از همیشه نیاز به مرطوب نگه داشتن پوست خود دارید تا نرمی و انعطاف‌پذیری آن را حفظ کنید. در زیر پیشنهادهایی برای جلوگیری از خشک شدن پوست خواهید خواند:

مواد شوینده را عوض کنید

مواد شوینده و نرم‌کننده پارچه دارای مواد شیمیایی چون خوش‌بو کننده، رنگ‌های شیمیایی، سفیدکننده و ضد عفونی کننده هستند. این مواد درست است که تاثیر زیادی در تمیز و خوش بو شدن و نرم و لطیف کردن پارچه‌ها دارند ولی به پوست صدمه می‌زنند و منجر به خشکی آن می‌شوند.

به خصوص اگر پوست شما حساس یا مستعد ابتلا به اگزما است، از مواد شوینده شیمیایی کمتر استفاده کنید. انجمن ملی اگزما توصیه کرده که از شوینده‌های بدون رنگ و رایحه استفاده کنید و مطمئن باشید که با آنها هم می‌توانید لباس‌های تمیزی داشته باشید.

از دستگاه رطوبت‌ساز استفاده کنید

هنگامی که درجه حرارت گرم‌کننده داخل ساختمان روی ۷/۲۴ است، باید رطوبت حداقل ۱۰ درصد باشد. یک دستگاه بخارساز یا مرطوب‌کننده هوا رطوبت ایده‌آل، ۳۰ تا ۵۰ درصدی خانه را تامین می‌کند. این دستگاه، رطوبت هوا را افزایش می‌دهد و از خشک شدن پوست جلوگیری می‌کند. با استفاده از یک مرطوب کننده هوا، لایه بیرونی پوست به خوبی هیدراته می‌شود و میزان آبی که پوست در اثر سیستم‌های حرارتی خانه از دست داده، به حداقل می رسد. دستگاه رطوبت‌ساز خاصیت حفاظتی در برابر آلرژی و میکروب را نیز دارا هستند.

در پوشیدن لباس‌های پشمی دقت کنید

مطمئنا الیاف پشمی بهترین چیز برای فصل زمستان هستند، چرا که ضخیم و گرمابخش هستند. اما در عین حال باعث بروز خارش پوست می‌شوند و تشدیدکننده خشکی پوست در زمستان و در نتیجه زبر و خشن شدن آن می‌شوند. اگر تمایل به پوشیدن لباس پشمی دارید، برای جلوگیری از سایش و خارش پوست، یک زیرپیراهنی بپوشید تا مانع تماس مستقیم الیاف با پوست شود.

ازمرطوب‌کننده‌بیشتراستفاده‌کنید

استفاده از مرطوب کننده سرراست‌ترین روش برای آبرسانی پوست است. وقتی دمای هوا به شدت پایین می‌آید از مرطوب‌کننده‌هایی با فرمول قوی استفاده کنید. اگر چه ممکن است مرطوب‌کننده محبوب خود را برای فصل بهار یا تابستان داشته باشید ولی بهتر است برای فصل سرما از کرم‌هایی چون محصولات Eucerin و پماد وازلین استفاده کنید. کرم و پمادهای که غلظت بیشتری دارند، برای حفاظت پوست در هوای سرد و خشک موثرترند.

مواد غذایی هیدراته بخورید

نوشیدن آب به میزان فراوان تنها راه مرطوب نگاه داشتن پوست بدن نیست. سعی کنید رژیم غذایی سرشار از چربی‌های سالم داشته باشید. آووکادو سرشار از چربی‌های اشباع نشده است، که کلید حفظ رطوبت پوست هستند. ماهی حاوی اسیدهای چرب امگا ۳ است، که سبب تقویت سلول‌های پوست می‌شود. سبزیجات سرشار از اسیدهای چرب امگا ۴ هستند و حاوی فولیک‌هایی هستند که پوست را آبرسانی می‌کنند. زیتون نیز حاوی چربی اشباع نشده است که پوست را زیبا و مرطوب می‌کند.

کمتر دوش بگیرید

دوش آب داغ گرفتن وقتی هوای بیرون سرد است یک موهبت آسمانی است. اما این کار به شدت پوست را خشک می‌کند. توصیه می‌شود دوش گرفتن را به کمتر از ۱۰ دقیقه کاهش دهید و با آب گرم دوش بگیرید، نه با آب داغ. آب داغ باعث از دست دادن آب پوست و چربی‌های مفید آن می شود. بنابراین زیر دوش آب داغ بودن، بیش از چیزی که فکر می‌کنید مضر و آسیب زننده است.

لیف نزنید

برس شستشو، کیسه حمام، لیف، ابر حمام و اسفنج حمام را در زمستان استفاده نکنید. چون ممکن است باعث تحریک، التهاب و خشکی پوست شود. به زبان ساده موقع استحمام لیف را محکم روی پوست نکشید. بلکه به آرامی پوست را با همان شامپوی بدن، بشویید. آرام پوست را خشک کنید و بلافاصله نیز از مرطوب کننده استفاده کنید. اما ایده خوب این است که کمتر از فصل گرما استحمام کنید.

از رنگ درمانی چه می دانید؟

داشتن آنها و ... استفاده می کردند .

قرمز

قرمز رنگ زندگی است و نشان دهنده زنده بودن است . در طیف نور خورشید ، رنگ حاوی انرژی است . این رنگ گرم ترین رنگ است . عشق و هیجان به رنگ قرمز است . در احساسات انسان ها ، قرمز رنگی است که به قلب تعلق دارد و رزهای قرمز و بسته های شکلات در روز عشق همه به رنگ قرمزند .قرمز رنگی است که انسان را به حرکت وا می دارد . حرکتی را برای ایجاد تحول و دگرگونی در دنیای پیرامون خویش .از آنجایی که این رنگ به آسانی به چشم انسان می آید ، رنگ اکثر علائم رانندگی ، ماشین های آتش نشانی و زنگهای خطر ، قرمز است . ماشین های مسابقه در مسابقات اتومبیلرانی ، قرمز رنگند .

چون رنگ قرمز ما را تحریک می کند ، رنگ مناسبی برای دیوارهای زندان و بیمارستان نیست .اگر بیش از حد در تابش نور قرمز بمانیم و یا مدت زیادی به رنگ قرمز خیره شویم ، احساس آشفتگی ، بی قراری و خشونت می کنیم .در میان کشورهای مختلف رنگ قرمز معانی متفاوتی دارد؛ در چین رنگ خوش شانسی و مراسم ازدواج است و در روسیه رنگ زیبایی است ، در روم باستان نشان دهنده جنگ بوده است .

نارنجی

نارنجی رنگ گرمی است چون از ترکیب دو رنگ زرد و قرمز به دست می‌آید . رنگی است که با شادی و زندگی آمیخته است . نارنجی رنگ برگهای پاییزی و شعله های آتش است .گر چه نارنجی به اندازه قرمز ،پرانرژی نیست ولی خلاقیت و ابتکار و بلند پروازی را در انسان بر می انگیزد. نارنجی درخشندگی و تابندگی خاصی دارد که چشم نسبت به آن بسیار حساس است .بنابراین در ساختن جاده ها و علائم رانندگی کاربرد بسیاری دارد و با تابیدن نور به سطح این رنگ در تاریکی شب براحتی به چشم انسان می آید .

زرد

زرد رنگی گرم ، روشن و پرطراوت است . رنگ خورشید و رنگ طلاست . رنگ زرد و نورهای زرد نشان دهنده معنویت ، الهیات و الهام است .ما رنگ زرد را از یک طرف به خوبی و خوشحالی نسبت می دهیم و از سوی دیگر به احتیاط نسبت می دهیم .اگر در خانه در کنار نورد سرد مهتابی ، نور گرم ا ضافه شد ، حرارت و انرژی را القا می کند .رزهای زرد نشان دهنده محبت و دوستی و آرامش می باشند .

سبز

سبز رنگ دنیای گیاهان است ، رنگ سبز احساس طراوت و سرزندگی را در ما القا می کند .کیفیت سرد آن ، آرامش را در احساس انسان به وجود می آورد و قدرت شفابخشی و التیام دارد . رنگ سبز زندگی ، آرزو و رشد را نشان می دهد .

آبی

آبی از گروه رنگهای سرد است و رنگ آسمان روز است . آبی تسکین دهنده ترین رنگ است .رنگ آبی ، تپش قلب را آرام تر می کند ، ضربان نبض را پایین می آورد ، درجه حرارت بدن را پایین می آورد و اشتها را کاهش می دهد .آبی نشان دهنده خداوند و آسمان هاست .قرار گرفتن به مدت طولانی در نور آبی ، احساس افسردگی را القاء می کند .

سفید

وقتی تمام نورهای رنگی به صورتی متعادل بر روی هم بیفتد ، نور سفید خلق می شود سفیدی ، نشان دهنده خالص بودن و پاکی و خوبی است . در نقاشی های مذهبی ، سفید رنگی است که برای روشنایی خداوند و لباس فرشتگان برگزیده شده است .

سیاه

سیاه در ذهن انسان رنگ بدی است و رنگ انسانهای بد و فریب و دروغ است . سیاه رنگ مرگ و مراسم سوگواری است . کلماتی مانند «بازار سیاه» نشان دهنده منفی بودن این رنگ است .به هر حال قرار گرفتن در تاریکی بهتر از قرار گرفتن در نور قرمز است و اثرات تحریکی کمتری را بر ذهن انسان دارد . رنگ سیاه می تواند احساس یاس ، تنهایی و دلتنگی را در ذهن انسان القا کند .

رنگ و زندگی

شناختن رنگها و اثرات شگفت انیگز آنها بر ذهن و احساسات انسان، به ما کمک می کند ، انتخاب های مناسبتری را برای محیط کار ، محیط زندگی (منزل) و حتی لباسهای خود داشته باشیم . همچنین از اثرات شفابخش رنگها در القاء آرامش و تنظیم احساسات و هیجانات انسانها ، می توان در درمان بسیاری از بیماریهای دنیای مدرن مانند افسردگی ، بی قراری و اضطراب سود جست . در تحقیقی که در آن «بررسی اثر رنگها بر سازگاری نوجوانان» بررسی شد این نتیجه به دست آمد نوجوانانی که شادترند و با محیط خویش سازگاری بهتری دارند از رنگهای شاد در نقاشی های خود استفاده می کنند.

کمان از رنگها بستگی دارند و به وقایع خوشحال کننده و غم انگیز زندگی مان بر می گردند .رنگ درمانی ، علمی است که از رنگها در درمان بیماران و برای اهداف پزشکی استفاده می شود . متخصصان این رشته اعتقاد دارند ، نورهای رنگی اثرات شفابخشی در بهبود بیماری های مزمن دارند .

رنگ درمانی از گذشته تا امروز

مصریان باستان ، از رنگها برای درمان بیماران استفاده می کردند . آنها معبدهایی یا اتاقهای جداگانه می ساختند و هر یک از این اتاقها را با رنگ خاصی ، بنفش ، صورتی ، آبی نورپردازی می کردند .آنها این معبد را جایگاهی برای پرستش خدایان قرار می دادند و اعتقاد داشتند اگر بیماران در این نورهای رنگی به پرستش خدایان بپردازند ، بیماری و دردشان بهبود می یابد .امریکایی های هندی تبار از رنگها برای التیام زخمهایشان در شکار بوفالو و یا در جنگ بین قبایل استفاده می کردند . در یونان و چین از دانش رنگ درمانی به خوبی استفاده می شد . آنها به خواص درمانی رنگها پی برده بودند و از روشهای درمانی متفاوت مثل : تاباندن نورهای رنگی بر نخاع ، خوردن سنگهای رنگی یا همراه

مرد روز

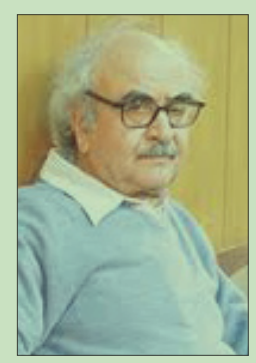

شفیعی کدکنی

ای مهربان تر از برگ در بوسه های باران
پیداری ستاره در چشم جویباران
آیینه ی نگاهت پیوند صبح و ساحل
لبخند گاه گاهت صبح ستاره باران
ای جویبار جاری ! زین سایه برگ مگریز
کاین گونه فرصت از کف دادند بی شماران
گفتی: به روزگاران مهری نشسته گفتم
بیرون نمی توان کرد حتی به روزگاران
بیگانگی ز حد رفت ای آشنا مپرهیز
زین عاشق پشیمان سرخیل شرمساران
پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند
دیوار زندگی را زین گونه یادگاران
وین نغمه ی محبت بعد از من و تو ماند
تا در زمانه باقی ست آواز باد و باران

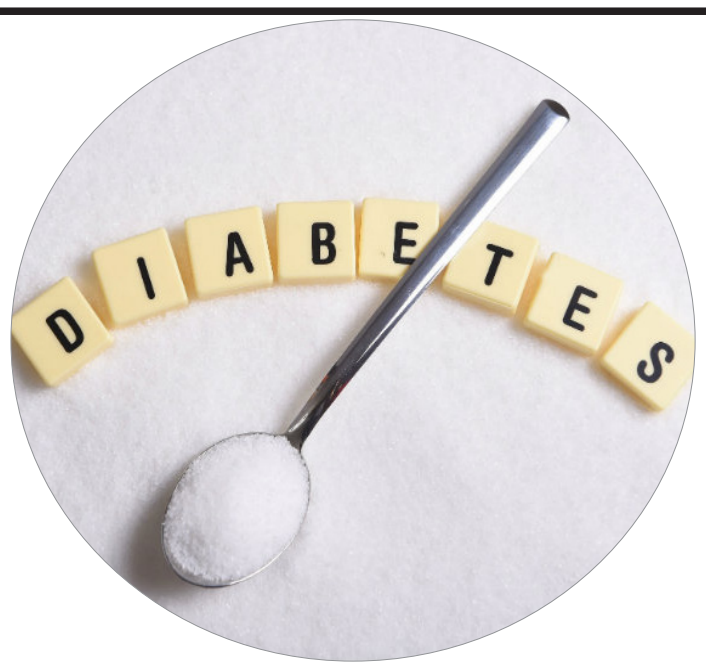

ترکیب دو دارو برای مقابله با عوارض دیابت

دکتر ویویان فونسکا و همکارانش از دانشگاه تولانه در نیواورلئان اعلام کردند؛ بررسی اطلاعات پرونده ۱۱۰ هزار مبتلا به دیابت نشان می دهد ترکیب داروی متفورمین و داروی سولفونیل اوره خطر مرگ را تا ۱۹ درصد و خطر مرگ ناشی از بیماری های قلبی عروقی را تا ۲۹ درصد کاهش می دهد.دیابت انواع گوناگون دارد که شایعترین آن نوع اول و نوع دوم است و نوع اول این بیماری بیشتر در قشر جوان بروز می‌کند.مبتلایان به نوع اول دیابت باید برای کنترل بیماری خود درکنار رژیم غذایی و ورزش روزانه یک یا چند نوبت نیز انسولین تزریق کنند.دیابت نوع دوم نیز که با ورزش رژیم غذایی صحیح کم کردن وزن و استفاده از داروهای خوراکی پایین آورنده قند خون کنترل می‌شود در مواردی نیز نیاز به دریافت انسولین توسط بیمار حاصل می‌شود.در بیماری دیابت به علت تغییرات به‌وجود آمده در میزان هورمون انسولین و یا گیرنده‌های هورمونی قند قادر به‌ورود به سلول نمی‌شود و سلول های بدن در حالی که در دریایی از انرژی قرار دارند از این منبع محروم می‌شوند.اطلاعات موجود درخصوص بیماری قند گویای این واقعیت است که عیار بالای قند خون موجب ابتلا به‌این بیماری و درنهایت آسیب‌دیدگی چشمها کلیه‌ها اعصاب و قلب در درازمدت می‌شود.متخصصین کم کردن وزن ورزش و رعایت برنامه غذایی مناسب را بهترین راه مقابله و کنترل این بیماری می‌دانند و معتقدند که شکست اغلب بیماران در کنترل مرض قند ناشی‌از پیروی از رژیم غذایی نادرست است.به پیشنهاد آنان بیماران دیابتی بهتر است از نان آرد سبوس‌دار استفاده و برای جلوگیری از بالا رفتن فشار خون از خوردن نان شور خودداری کنند.

مردان شاخص

فرهنگ‌شریف
(۱۳۱۰ - ۱۳۹۵)

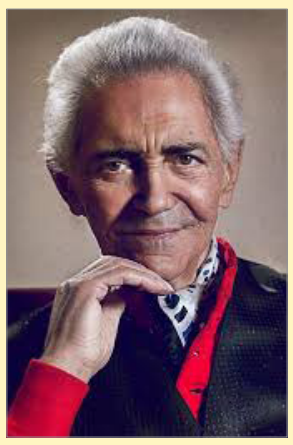

فرهنگ شریف، نوازنده صاحب سبک تار اهل ایران بود.وی از چهارسالگی تحت تأثیر آموزش موسیقی به‌وسیله پدرش و نیز رفت‌وآمد بزرگان موسیقی به منزل آن‌ها خصوصاً عبدالحسین شهنازی، موسیقی را فراگرفت. پدر فرهنگ شریف دکتر داروساز بود و با اهل هنر نیز معاشرت می‌کرد. او تار را نزد استادان عبدالحسین شهنازی و مرتضی نی‌داوود، تارنوازان بزرگ اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی آموخت، اما شیوه نوازندگی وی به استادانش شباهتی نداشت و مخصوص خود او بود.

در دوازده‌سالگی نخستین تک‌نوازی خود را که زنده از رادیو پخش می‌شد با موفقیت اجرا کرد و به‌دنبال آن در اغلب برنامه‌های گل‌ها به عنوان تک‌نواز آواز، خوانندگان برنامه را همراهی می‌کرد.

وی با ابداعاتی که در نحوه انگشت‌گذاری و مضراب‌زنی در نقاط مختلف سیم‌های تار انجام داده، از تار صدایی کاملاً متفاوت به وجود آورده که بسیاری معتقدند زیباترین صدای تولیدشده از ساز تار است..

فرهنگ شریف در کارنامه هنری خود با خوانندگانی چون حسین قوامی، گلپا، ایرج، تاج اصفهانی، دلکش، غلامحسین بنان، محمدرضا شجریان، علیرضا افتخاری، محمود محمودی خوانساری، حسام‌الدین سراج، مرضیه، حمیرا، هایده و روح‌انگیز همنوازی داشته و در چند فستیوال بین‌المللی از جمله فستیوال موسیقی برلین توانسته‌است ساز تار را به‌خوبی به جهانیان بشناساند. فرهنگ شریف چند سالی را در دانشگاه‌های مطرح آمریکا به امر آموزش موسیقی مشغول‌بوده‌است.

صبح روز بعد از میگساری چه کنیم؟

تنها راه گریز از خماری و کسالت پس از مصرف الکل، اجتناب از نوشیدن مشروبات الکلی نیست. لازم نیست ساعات خوش آخر هفته، پارتی و یا مهمانی خانوادگی را بر خود حرام کنید. فقط کافی است تا از روش‌های اشتباه نوشیدن مشروب آگاه شوید و از آنها اجتناب کنید.

با معده خالی می‌نوشید

اینکه مشروبات الکلی را قبل از خوردن غذا بنوشید، به یقین تضمین کننده خماری صبح روز بعد شماست. چرا؟ دکتر برایان دیکسون مدیر اجرایی بهداشت و آموزش علوم در موسسه USANA می‌گوید: الکل جزو معدود ترکیباتی است که می‌تواند به طور مستقیم از طریق دیواره معده جذب شود. به این معنی که اگر شما یک لیوان شراب با معده خالی بنوشید، الکل جریان خون شما را به سرعت بالا می‌برد. به همین دلیل، ایده خوبی است که قبل از شروع به نوشیدن، کمی غذا بخورید. این کار به کاهش سرعت جذب مشروبات الکی به جریان خون کمک می‌کند و همچنین سطح قند خون را ثابت نگه می‌دارد. اگر می‌دانید که قصد دارید مشروب بخورید، بهتر است قبل از آن شام خود را از مواد غذایی متعادل حاوی پروتئین (گوشت گاو بدون چربی و یا مرغ)، چربی‌های سالم (آووکادو، زیتون) و نشاسته (برنج قهوه‌ای) انتخاب کنید و همچنان در سراسر شب مواد غذایی سبک بخورید.

به اندازه کافی آب نمی‌نوشید

دکتر دیکسون می‌گوید: الکل ادرارآور است و این بدان معنی است که شما با نوشیدن الکل آب از دست می‌دهید. آشامیدن آب در روند نوشیدن الکل به شما کمک می‌کند تا آب کمتری از دست بدهید و در نتیجه صبح روز بعد با کمترین حالت خماری و گیجی روبرو باشید.

موثرترین روش این است که یک لیوان آب بین هر نوبت نوشیدن الکل، بنوشید. اگر قادر به راه رفتن هستید، یک لیوان آب نیز قبل از اینکه به رختخواب بروید، بنوشید.

زیاده‌روی می‌کنید

دفعه بعد که شما یک شات از لیکور می‌نوشید، مراقب باشید چون دکتر دیکسون می‌گوید: متابولیسم بدن در طول مدت یک ساعت توانایی هضم یک نوع نوشیدنی را دارد. بنابراین اگر شما در یک ساعت بیش از حد نوشیدنی بنوشید، توانایی بدن خود را برای خلاص شدن از دست اتانول در هم می‌کوبید. پس اینقدر پشت سر هم الکل نخورید و سعی کنید به جای یکباره نوشیدن مشروب، جرعه جرعه آن را بنوشید.

مشروب چه رنگی می‌نوشی؟

عجیب اما واقعی، نوشیدنی الکلی هر چقدر تیره رنگ‌تر باشد شدت خماری که می‌آورد بیش‌تر است. مواد افزودنی که لیکورهایی مثل ویسکی بوربن و ویسکی با آن رنگ قهوه‌ای مایل به قرمزی که دارند، وجود دارد، سردرد و حالت تهوع در صبح روز بعد به همراه می‌آورد.به گفته دکتر دیکسون، رنگ تیره برخی برندهای سطح بالای الکلی، متعلق به برخی مواد شیمیایی طبیعی (مانند اسیدهای آمینه) که در مشتقات چوب وجود دارند، است.

اما برندهای سطح پایین مواد افزودنی و نگهدارنده ارزان قیمت دارند که برای حفظ رنگ اضافه شده‌اند و به طور بالقوه می‌توانند بدترین خماری و گیجی را به بار بیاورند.

دکتر دیکسون می‌گوید: بدن ما

برای درمان خماری باز هم بنوشید

این متد خماری فقط شباهتی به مردن ندارد! این یک متد اشتباه برای رها شدن از خماری است. دکتر دیکسون می‌گوید: تنها دلیلی که نوشیدن دوباره الکل، خماری را از بین می‌برد، این است که بدن را بی حس می‌کند.بنابراین نوشیدن دوباره الکل باعث می‌شود تا مدت زمان بروز علائم مستی را طولانی‌تر کند. سعی کنید جایگزینی برای این نوشیدن پیدا کنید، نوشیدنی انرژی‌زای مورد علاقه‌تان را بنوشید،سوپ بخورید یا برای تسکین قهوه بنوشید. دکتر دیکسون می‌گوید: ممکن است محتویات در معده کمی متفاوت به نظر برسند، اما کافئین به خاتمه سردرد کمک می‌کند. قهوه صدمه‌ای به شما نمی‌زند، پس قهوه بنوشید.

برای اینکه پس از یک شب میگساری، قند خون بدن کاهش می‌یابد، توصیه می‌شود تا جای آن را با قندهای ساده مثل نان شیرینی یا غلات پر کنید. پس از پشت سرگذاشتن صبح، باید بدانید که بدن به شدت نیاز به غذای سالم دارد، پس ناهاری سبک اما مقوی بخورید.

سفتی و خشکی شانه نشانه چه بیماری است؟

به طور شگفت‌انگیزی نسبت به مواد شیمیایی خارجی که در معرض آن قرار می‌گیرد، واکنش نشان می‌دهد. بدن مانند یک خط تولید عمل می‌کند که حرکت بسیار سریعی دارد. اگر در این خط اشتباهی رخ دهد، می‌توانید آن را نگه دارید و به عقب برگردانید. در واقع این توانایی را دارد که مشکلات رخ داده را فیلتر کند. ولی این به معنی زیاده‌روی در نوشیدنی‌های رنگ روشن نیست. شما هر چقدر بیش‌تر الکل مصرف کنید، بیش‌تر مجبور به تحمل خماری خواهید بود و این ربطی به رنگ الکل ندارد.

شانه منجمد که در اصطلاح پزشکی Frozen shoulder نامیده می شود یک بیماری است که سبب خشکی و درد مفصل شانه می شود. نشانه های این بیماری عموما با گشت زمان آغاز میشود و رفته رفته بدتر می شود و پس از دو سال رو به بهبودی میرود

وقتی در حال بهبودی از یک بیماری و یا روش درمانی هستید که حرکت بازوی دست شما را تحت تأثیر قرار می دهد، مثل سکته مغزی و یا عمل جراحی برداشتن پستان (ماستکتومی)، خطر ابتلای شما به بیماری شانه یخ زده افزایش می یابد.

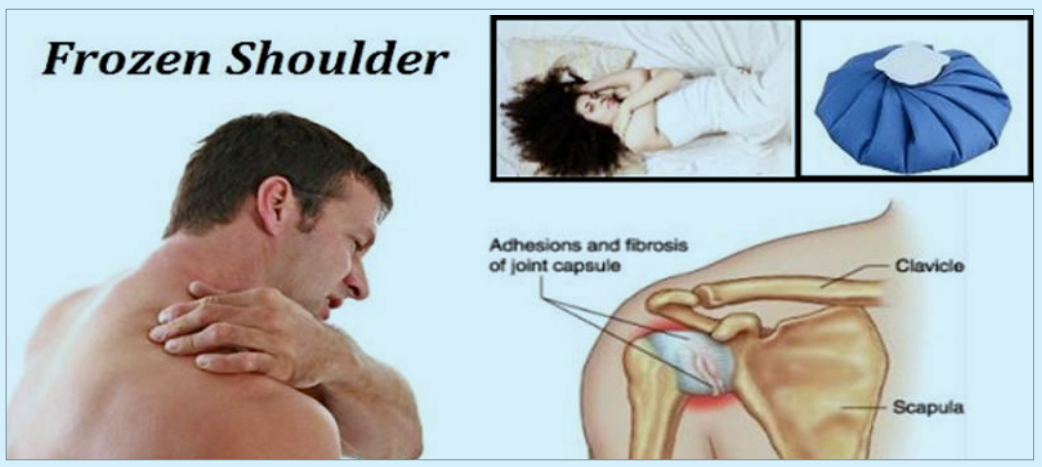

برای درمان بیماری شانه یخ زده بایستی ورزش هاش کششی را انجام دهید و گاهی اوقات نیاز به تزریق داروهای کورتونی و یا داروهای بیحسی به کپسول (پوشش) مفصل شانه است.

در درصد کمی از بیماران، عمل جراحی برای شل و آزاد کردن کپسول مفصل شانه انجام می شود که باعث می گردد مفصل شانه راحت تر و آزادانه تر حرکت کند.

علائم شانه یخ زده

بیماری شانه یخ زده معمولا به آرامی و طی سه مرحله بروز می‌کند. هر مرحله می تواند چند ماه طول بکشد.

۱- مرحله درد: طی این مرحله، هر نوع حرکت شانه باعث بروز درد می شود و دامنه حرکت شانه، شروع به کم شدن می کند.

به احتمال زیاد این مشکل در کسانی که به تازگی شانه خود را برای مدت زمان طولانی حرکت نداده‌اند بروز می کند، مثلا بعد از عمل جراحی دست یا شانه و یا شکستگی استخوان بازوی دست

۲- مرحله یخ زدن: طی این مرحله ممکن است است درد کاهش پیدا کند، اما شانه شما، خشک تر و سفت‌تر می شود و دامنه حرکت آن نیز به میزان قابل توجهی کم می گردد.

۳- مرحله گرم شدن (آب شدن یخ): طی این مرحله، دامنه حرکت شانه شروع به بهبودی می کند.

در برخی افراد، درد شانه در خواب شب بدتر می شود و گاهی اوقات باعث پریدن فرد از خواب می گردد.

علل شانه یخ زده

استخوان ها، رباط ها و تاندون هایی که مفصل شانه را تشکیل می دهند، در یک کپسول (پوشش) از بافت همبندی قرار دارند.

وقتی که این کپسول در اطراف مفصل شانه، ضخیم و سفت می‌شود، باعث بروز بیماری شانه یخ زده می گردد که حرکت شانه را کاهش می‌دهد.

پزشکان دقیقا نمی دانند که چرا این بیماری در برخی افراد بروز می کند و در برخی دیگر بروز نمی کند، اگرچه به احتمال زیاد این مشکل در کسانی که به تازگی شانه خود را برای مدت زمان طولانی حرکت نداده اند بروز می کند، مثلا بعد از عمل جراحی دست یا شانه و یا شکستگی استخوان بازوی دست.

عوامل خطر شانه یخ زده

اگرچه دلیل قطعی بروز این بیماری معلوم نیست، ولی یک سری عوامل خطر ابتلای به شانه یخ زده را افزایش می دهند.

۱- سن و جنسیت فرد

افراد بالای ۴۰ سال بیشتر دچار این بیماری می شوند. این بیماری در زنان بیشتر دیده می شود.

۲- حرکت ندادن شانه و یا کاهش حرکت آن

کسانی که برای مدت طولانی شانه خود را حرکت نداده اند و یا کمتر آن را حرکت داده اند، بیشتر دچار این بیماری می شوند. عواملی که باعث می شوند شانه را حرکت ندهیم عبارتند از:

– آسیب عضله گرداننده شانه
– شکستگی بازوی دست
– سکته مغزی
– بعد از عمل جراحی شانه و دست

۳- بیماری جسمی

برخی بیماری ها، ابتلای به شانه یخ زده را افزایش می دهند، مثل:

– دیابت
– پرکاری تیروئید
– کم کاری تیروئید
– بیماری های قلبی عروقی
– بیماری سل
– پارکینسون

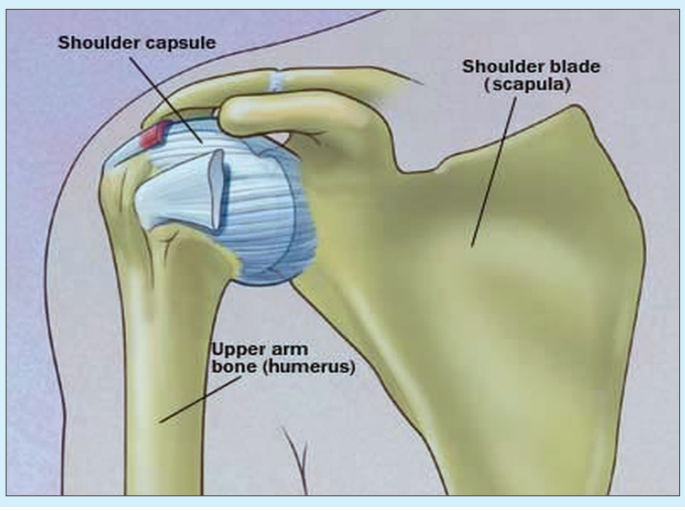

دایی و نکونام جز ۱۰ بازیکن برتر تاریخ آسیا

علی دایی

جواد نکونام

سایت اسپورت ۳۶۰، ده بازیکن برتر تاریخ فوتبال آسیا را معرفی کرده است که نام علی دایی و جواد نکونام نیز در این لیست دیده می‌شود.

۱۰ بازیکن برتر تاریخ آسیا این‌ها هستند:

۱ـ چا بو کئون (کره جنوبی)

یکی از بهترین بازیکنان آسیائی فوتبال اروپا که در ترکیب اینتراخت فرانکفورت و بایر لورکوزن خوش درخشید و در ۳۰۸ دیدار ۹۸ گل زد و طی ده فصل بازی یک کارت زرد گرفت. چا در تیم ملی هم ۵۸ گل زد و در جام جهانی ۸۶ نیز حضور داشت.

۲ـ پائولینیو آلکانترا (فیلیپین)

او در تیم ملی کشورش دست‌آوردی نداشت اما یکی از بهترین مهاجمان تاریخ بارسلون بود که طی سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۷ موفق شد در ۱۷۷ بازی ۲۰۰ گل برای این تیم بزند.

۳ـ هیده توشی ناکاتا (ژاپن)

ستاره آسیائی لیگ برتر ایتالیا جائی که او با پیراهن تیم‌های بولونیا، رم، پروجا، فیورنتینا و پارما درخشید و سه بار در جام جهانی بازی کرد و سومین بازیکن برتر جام کنفدراسیون‌ها شد.

۴ـ پارک جی سونگ (کره جنوبی)

ستاره‌ای که هفت فصل متوالی در یکی از بزرگترین باشگاه‌های اروپا منچستر یونایتد بازی کرد و در این تیم به عناوین بسیاری دست پیدا کرده است. او همچنین در تیم ایندهوون و در تیم ملی کره در جام جهانی نیز حضور داشت.

۵ـ علی دایی (ایران)

بهترین گلزن تاریخ فوتبال ایران با ۱۰۹ گل در ۱۴۹ بازی که بهترین گلزن ملی جهان لقب گرفته است. علی دایی در بوندس لیگا برای تیم‌های بزرگی چون بایرن مونیخ و هرتا برلین بازی کرده است.

۶ـ تیم کاهیل (استرالیا)

یکی از ستارگان آسیا که شایستگی خود را با هشت فصل حضور پیاپی در باشگاه اورتون انگلیس و زدن ۴۸ گل در لیگ برتر ثابت کرد. او همچنین با تیم ملی استرالیا برای حضور در جام جهانی و قهرمانی در جام ملت‌های آسیا درخشید.

۷ـ سامی الجابر (عربستان)

اسطوره باشگاه الهلال و بهترین مهاجم تاریخ عربستان که با رهبری او الهلال قهرمان آسیا در سال ۲۰۰۰ شد و تیم ملی عربستان هم با وی ضمن قهرمانی آسیا در جام ملت‌های ۱۹۹۶ موفق شد ۴ بار پیاپی به جام جهانی صعود کند.

۸ـ جواد نکونام (ایران)

هافبک تیم ملی ایران بهترین بازیکن تاریخ آسیا در رقابت‌های لالیگا محسوب می‌شود، او شش فصل پیاپی با اوساسونا حضور داشت.

۹ـ کازویوشی میورا (ژاپن)

او اولین بازیکن ژاپنی فوتبال اروپا محسوب می‌شود و همچنین با زدن ۵۶ گل دومین گلزن برتر تاریخ تیم ملی کشورش است.

۱۰ـ یونس محمود (عراق)

افسانه عرب و یکی از بهترین بازیکنان تاریخ آسیا که توانست با رهبری خود عراق را به مقام قهرمانی جام ملت‌های ۲۰۰۷ آسیا برساند. او ۵۶ گل برای تیم ملی عراق به ثمر رسانده است.

هیده توشی ناکاتا

پارک جی سونگ

سامی الجابر

شاراپوا عنوان سفیر حسن نیت سازمان ملل را پس گرفت

ماریا شاراپوا تنیس‌باز روس تبار مقیم آمریکا و قهرمان چند گراند اسلم تنیس بعد از محروم شدن از حضور در مسابقات به دلیل استفاده از داروی ممنوعه ملودیوم عناوین و امتیازات دیگری را نیز از دست داد که لغو قراردادهای تبلیغاتی با شرکت‌های بزرگ تولید وسائل ورزشی و ساعت‌های گرانقیمت گوناگون و عنوان سفیر حسن نیت سازمان ملل متحد از آن جمله بودند.

این هفته از سوی سازمان ملل متحد در نیویورک به شاراپوا اطلاع داده شد با سر آمدن مدت محرومیت او در ماه آوریل آینده عنوان سفیر حسن نیت سازمان ملل نیز به او بازگردانده خواهد شد.سازمان ملل به شاراپوا اطلاع داده به مجرد خاتمه دوران محرومیت در مورد نقش او در این سمت در آینده با وی دیدار و گفتگو خواهد شد.دادگاه عالی ورزش ماریا شاراپوا را ابتدا به چهار سال از شرکت در کلیه بازی‌های تنیس محروم کرد اما بعدا زمان این محرومیت به دو سال کاهش یافت.

ایوانوویچ دختر زیباروی تنیس جهان ورزشکار محبوب ترامپ

دونالد ترامپ رئیس جمهوری منتخب آمریکا گفته است آنا ایوانوویچ تنیس‌باز زیباروی صرب ورزشکار محبوب اوست. ترامپ هنگامی که در سال ۲۰۱۳ برای سرمایه‌گذاری به صربستان سفر کرده بود به نخست‌وزیر آن کشور گفت، دوست دارد آنا ایوانوویچ تنیس‌باز سرشناس آن کشور را از نزدیک ملاقات کند، ترتیب این دیدار خیلی زود داده شد و ایوانوویچ و ترامپ نزدیک به نیم ساعت گفتگوی صمیمانه داشتند.

آنا ایوانوویچ از ۱۵ سالگی وارد تنیس حرفه‌ای شد و مدتها جزو ده تنیس‌باز برتر زنان جهان بود. او چند ماه پیش با باستین شواین اشتایگر کاپیتان تیم ملی فوتبال آلمان و عضو باشگاه منچستر یونایتد در مراسم با شکوهی در ونیز ازدواج کرد.

جاکوویچ در لندن انتقام می‌گیرم

نواک جاکوویچ تنیس‌باز صرب که بعد از سال‌ها صدرنشینی رده‌بندی تنیس مردان جهان بعد از شکست در مسابقه‌های استادان پاریس در دو هفته پیش مقام اول تنیس جهان را به اندی موری تنیس‌باز اسکاتلندی واگذار کرد. این هفته در آغاز بازی‌های تنیس استادان لندن به رقبای خود هشدار داد قطعا عنوان نخست تنیس جهان را در این بازی‌ها از آنها پس خواهد گرفت.

جاکوویچ بعد از پیروزی بر رایونیچ تنیس‌باز کانادائی گفت، من دیگر آسیب‌پذیر نخواهم بود. وی تا کنون در ۱۲ مسابقه گراند اسلم قهرمان شده است. او در مصاحبه با رسانه‌ها به دنبال شکست رایونیچ تأکید کرد: من هرگز احساس نکرده‌ام آسیب‌پذیر هستم و هیچوقت هم نخواهم بود. او گفت: در سال ۲۰۱۱ در ۴۳ تورنمنت قهرمان شدم و امیدوارم به همان شرایط بازگردم.

در بازی‌های تنیس استادان که به صورت دوره‌ای در حال برگذاری است اندی موری نفر اول تنیس جهان ابتدا چلیچ تنیس‌باز کروات را ۶ بر ۳ و ۶ بر ۲ مغلوب کرد و روز چهارشنبه نیز نیشی کوری تنیس‌باز ژاپنی را ۶ بر ۷، ۶ بر ۴ و ۶ بر ۴ شکست داد.

نیشی کوری ۶ بر ۲ و ۶ بر ۳ بر واورینکا تنیس‌باز سوئیسی غلبه نمود. نواک جاکوویچ، رایونیچ تنیس‌باز کانادائی را ۷ بر ۶ و ۷ بر ۶ شکست داد. او روز پنجشنبه هم کافین تنیس‌باز اهل بلژیک را ۶ بر ۱ و ۶ بر ۲ مغلوب کرد. تیم تنیس‌باز اهل اتریشی مونفیلس از فرانسه را ۶ بر ۳، یک بر ۶ و ۶ بر ۴ شکست داد.

ایران ـ سوریه مساوی بدون گل در زمین باتلاقی

● پنج هزار تماشاچی ایرانی در ورزشگاه

تیم‌های فوتبال ایران و سوریه روز سه‌شنبه این هفته در زمینی که بیشتر به باتلاق می‌مانست در چارچوب مسابقه‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ به مصاف یکدیگر رفتند. هر دو تیم در زمینی که به دلیل باران‌های موسمی به صورت لجن‌زار درآمده بود کار زیادی نمی‌توانستند انجام دهند و در واقع در این مسابقه از بازی فوتبال متداول خبری نبود. در پایان بازی جلال حسینی بازیکن تیم ایران گفت در تهران به تیم سوریه نشان می‌دهیم فوتبال یعنی چه؟

جلال طالبی سرمربی سابق تیم فوتبال ایران نیز گفت سه روز دیگر هم بازی می‌کردیم نمی‌توانستیم در آن شرایط گل بزنیم، تحرکات بازیکنان در چنین شرایطی بسیار کم بود ولی خوشبختانه ایران همچنان در بالای گروه خود قرار دارد.

کارلوس کی‌روش سرمربی تیم ملی ایران بعد از مسابقه ایران و سوریه به خبرنگاران گفت به بازیکنان خود افتخار می‌کنم. داور این بازی علی الصباح از عراق بود. بعد از این بازی ایران با یازده امتیاز همچنان سرگروه خود است.

کره جنوبی با ده امتیاز، ازبکستان با نه امتیاز در جای دوم و سوم دیده می‌شوند. بازیکنان ایران در این مسابقه عبارت بودند از:

میلاد محمدی، جلال حسینی، سعید عزت‌اللهی، عزت‌الله پورقاز، رضا قوچان‌نژاد، مرتضی پورعلی گنجی، کریم انصاری‌فرد، امید ابراهیمی، مهدی طارمی، علیرضا جهانبخش، اشکان دژاگه، وحید امیری و رامین رضائیان

گلزن ۲۱ ساله تیم ایران چشم تیم‌های انگلیسی را گرفته است

دو باشگاه لیگ برتر انگلیس ظاهرا در اندیشه استخدام سردار آزمون فوتبالیست ۲۱ ساله تیم ملی ایران و باشگاه روستف روسیه هستند. در هفته‌های اخیر صحبت از علاقمندی باشگاه لیورپول به جذب سردار بود و حالا گویا باشگاه اورتون و سهامدار اصلی آن فرهاد مشیری به فکر خریدن او از روستف افتاده‌اند.

سایت اچ.آی.تی.سی نوشته است: اورتون پیش از این هم برای استخدام سردار آزمون علاقه نشان داده بود. خود سردار هنوز در مورد این پیشنهادها اظهارنظر نکرده است اما احتمال اینکه در صورت دریافت چنین دعوتی به انگلستان نقل مکان کند کم نیست.

آخرین رده‌بندی فوتبال جهان در سال ۲۰۱۶

ایران همچنان اول آسیا، سی‌ام جهان

در آخرین رده‌بندی فوتبال کشورهای جهان که چند روز دیگر از سوی فیفا اعلام می‌شود ایران همچنان در صدر تیم‌های آسیا و اقیانوسیه قرار دارد. رتبه جهانی ایران در این رده‌بندی سی‌ام است.به این ترتیب ایران در سال ۲۰۱۶ نیز بهتریم تیم فوتبال آسیا بوده است. حضور ایران برای مدتی طولانی در بالای فهرست فوتبال دو قاره آسیا و اقیانوسیه نشان از پیشرفت فوتبال کشور در پنج سال مدیریت کارلوس کی‌روش سرمربی پرتغالی تیم ملی و پیوستن بازیکنان ایرانی مقیم خارج در تیم ملی داشته است.

ایران، ده مسابقه بدون شکست مقابل رقیبان آسیائی

تیم ملی فوتبال ایران از روز ۲۱ آبان ۱۳۹۴ تا کنون در دیدار با رقبای آسیائی خود گل نخورده است. تیم ایران همچنین در دهمین مسابقه خود در سال ۲۰۱۶ بدون شکست از زمین بیرون آمد و در واقع در ده مسابقه در این سال ۸ پیروزی و ۲ مساوی در کارنامه خود ثبت کرد.

از رکوردهای جالب فوتبال ایران این است که به دنبال کسب یک امتیاز در بازی مقابل سوریه با ۱۱ امتیاز تنها تیم فوتبال آسیاست که در مسابقات مقدماتی جام جهانی صاحب ۱۱ امتیاز شده و از این بابت بالاتر از ژاپن، استرالیا، کره جنوبی و عربستان.... قرار دارد و دست آخر اینکه ۱۲۷۵ روز برابر هیچ تیم قاره آسیا و اقیانوسیه مغلوب نشده است، این رکورد تا عید نوروز آینده به ۱۴۰۰ روز خواهد رسید.

اگر برجام نبود نمی‌توانستید دست‌بیل هم وارد کنید

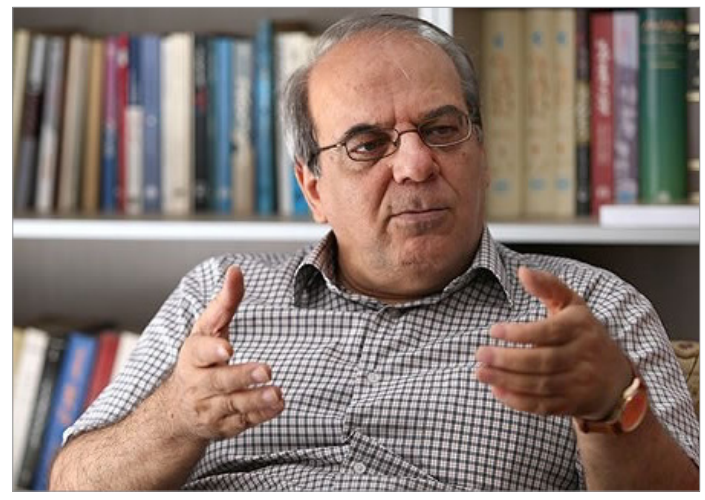

عباس عبدی در نشستی درباره انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۹۶، در گفتگو با خبرگزاری تسنیم، در پاسخ به پرسشی در مورد اینکه آیا اصلاح‌طلبان هنوز پشت روحانی هستند و آیا مطالبات شما محقق شده است یا نه؟ گفت: شما از تیم فوتبالتان چه انتظاری دارید، حداکثر مطالبه شما از سرمربی این است که تیم را به جام جهانی ببرد. وی افزود: اگر سرمربی توانست تیم را در گروه بالا ببرد، همه وی را حلوا حلوا می‌کنند اما اگر سرمربی وعده داد که من شما را قهرمان جام جهانی می‌کنم باید در مورد قولی که می‌دهد تأمل کرد، بنابراین در مورد قول افراد زیاد کاری نداشته باشید. شما خودتان ارزیابی کنید آیا می‌توانید به قول خود عمل کند یا خیر؟

او گفت: برای من همین که روحانی توانست برجام را درست کند، کافی است، او یادآور شد: بخش اصلی اهداف برجام انجام شده چرا که اگر اینگونه نبود شما نمی‌توانستید دست‌بیل هم از چین وارد کنید شما با زور می‌توانید یک میلیون بشکه نفت را صادر کنید که این نصف بودجه دولت هم نمی‌توانست باشد.

استادی که دختران جوان را دوست دارد زندانی شد

یک دختر دانشجو از مرد جوانی که با معرفی خود به عنوان استاد دانشگاه سعی داشت با او و دوستانش رابطه برقرار کند شکایت کرده است. او به پلیس گفت چند روز پیش در مترو با دوستم انگلیسی حرف می‌زدیم که مردی شیک‌پوش به زبان انگلیسی به ما گفت: استاد دانشگاه و روس تبار است. او وقتی که متوجه شد دانشجو هستیم، گفت مدتی در مشهد است و بعد به روسیه بازمی‌گردد. با هم در تلگرام و اینستاگرام حرف می‌زدیم که چند روز بعد شروع کرد به فارسی حرف زدن و گفت فارسی را دوست ایرانی‌اش به او یاد داده است.

پس از چند روز پیام‌هائی در تلگرام و اینستاگرام از او به دستمان رسید که می‌خواست با او دوستی داشته باشیم. بعدا متوجه شدیم وی روس تبار نیست، مردی است ۳۲ ساله و ایرانی با شکایت ما به پلیس او تحت تعقیب قرار گرفت و دستگیر شد.

تحقیقات پلیسی نشان داد وی استاد دانشگاهی در مشهد و دانشجوی دکترای یکی از دانشگاه‌های معروف است. پلیس بعد از بازبینی موبایل او عکس بیش از ۵۰۰ دختر جوان را در آن دید.استاد دانشگاه به پلیس گفت: چندی پیش تصمیم گرفتم با دختران جوان دوست شوم در کافی شاپ‌ها، مترو و مراکز خرید با دخترها به زبان انگلیسی حرف می‌زدم چون چهره‌ام به روس‌ها شبیه است خود را روس تبار معرفی می‌کردم و آنها هم باور می‌کردند. برای این که اعتماد آنها را جلب کنم وانمود می‌کردم برای تفریح، تجارت یا سرمایه‌گذاری به مشهد آمده‌ام بعد در اینستاگرام با آنها تماس می‌گرفتم. استاد دانشگاه اکنون در بازداشت بسر می‌برد.

سن دختران خیابانی به ۱۶ سال و سن فرار از خانه به ۹ سال رسید

● ۴۰ درصد مردان زن‌دار مشتریان دائم زنان خیابانی

آخرین بررسی‌ها نشان می‌دهد ۴۰ درصد مشتریان زنان تن‌فروش خیابانی را مردان متأهل تشکیل می‌دهند. همین آمار حاکی از آن است که سن دختران خیابانی به ۱۶ سال و سن فرار دختران از خانه به ۹ سال رسیده است.

به گفته دست‌اندرکاران مسائل دختران و زنان روسپی، فرار از خانه در موارد زیادی به اعتیاد و ایستادن در خیابان و حضور در خانه‌های فساد ختم می‌شود. موضوع بسیار ناگوار هم این است که تحقیقات نشان داده ۱۲ درصد از زنان خیابانی دارای همسر و فرزند هستند. روانشناسان و جامعه‌شناسانی که در این زمینه تحقیق می‌کنند می‌گویند مسئولان حکومت سعی دارند آمار و اطلاعات واقعی در این مورد را پنهان نگاه دارند.

در سمیناری که چند روز پیش با عنوان (کار جنسی زنان و مواجهه با مسأله در ایران) برگذار گردید، گفته شد: فقر، اعتیاد زن یا شوهر، ازدواج اجباری، تنوع‌طلبی مردان و کمبود فرصت ازدواج از دلایل روی آوردن به حرفه روسپیگری در ایران است.

کارشناسان در این جلسه گفتند، سیاست‌های غلط اقتصادی و اجتماعی حکومت جامعه را به سمتی سوق داده که یافتن راه‌حل برای اینگونه مشکلات آسان نیست و اصولا مسائل اجتماعی از سال ۸۴ تا ۹۲ در ایران نادیده گرفته شده است. در این سالها تعداد زنان روسپی در کشور ۳۰ هزار نفر برآورد شد، اما دکتر مینو محرز استاد دانشگاه تهران و متخصص سرشناس بیماری ایدز می‌گوید، ۵۰ هزار روسپی فعال در کشور وجود دارد که از هر ۱۴ نفر آنها دو نفر مبتلا به اچ.آی.وی هستند.

شوهر، دوست پسر همسرش را از پشت‌بام به پائین پرت کرد

مردی چند شب پیش وقتی با فرزندانش به خانه بازگشت پسری را که به گفته او با همسرش رابطه داشت در خانه دید و از او خواست برای صحبت با او به پشت‌بام برود، او سپس پسر را به پائین هل داد و باعث مرگ او شد.

وی به پلیس گفت: «من همراه همسر، دختر سیزده ساله و پسر هفت ساله‌ام در طبقه چهارم ساختمانی زندگی می‌کنیم، این پسر را می‌شناختم او چندین بار به خانه ما آمده بود و با همسرم رفت و آمد داشت من در جریان رابطه آنها بودم اما به خاطر حفظ آبرو به همسایه‌ها گفته بودم که او برادر زنم است. چندین بار از خطای همسرم چشم‌پوشی کردم آن شب حدود ساعت ده به خانه رسیدیم و قبل از اینکه وارد خانه شویم دخترم از من خواست که آشغال‌ها را از خانه بیرون ببرم، پس از آن برای خریه به سوپرمارکت رفتم و به خانه برگشتیم اما همین که وارد خانه شدیم یکی از همسایه‌ها در خانه را زد و گفت که برادر زنم (همان مردی که با همسرم رابطه داشت) داخل تراس منزل آنها افتاده است. بعد از آن به تراس خانه همسایه رفتم و دیدم دوست همسرم آنجا افتاده است.

وی ابتدا دیدن مرد فوت شده را انکار کرد اما همسایه‌ها او را چند شب قبل در پشت‌بام منزلمان گرفته بودند و به آنها گفته بود که برادر همسرم است من هم برای حفظ آبرویمان به همسایه‌ها گفتم که او برادر زنم است.»

اما همسر این مرد به پلیس گفت: در منزل بودم که شوهرم پس از خرید به خانه آمد، شوهرم به پشت‌بام رفت و پس از چند لحظه صدای سقوطی شنیدم زمانی که او به خانه برگشت پرسیدم چه شده؟ گفت چیزی نیست بعد همسایه طبقه دوم آمد و گفت: برادرم به تراس آنها سقوط کرده است، البته او برادرم نبود. متهم به دستور قاضی بازداشت شد و تحقیقات از او ادامه دارد.

پسر ۱۷ ساله مادر دوست دخترش را خفه کرد

چندی پیش پلیس تهران از وقوع یک قتل در محل یافت‌آباد با خبر شد. آنها با حضور در محل حادثه خانمی ۳۵ ساله را دیدند که در اثر فشار شدید به گردنش خفه شده است. همسایه‌ها گفتند دقایقی پیش پسر نوجوانی را دیده‌اند که با حالتی پریشان از خانه مقتوله بیرون رفته است. دختر این زن وقتی به خانه برگشت با جسد مادرش روبرو شد و با پلیس تماس گرفت.او گفت با پسر نوجوانی دوست بودم به خانه ما رفت و آمد داشت قرار بود ازدواج کنیم اما بعد از مدتی فهمیدم با مادرم روابط نامشروع دارد، دوستی‌مان را قطع کردم روز حادثه مرا به بهانه خریدن سیگار بیرون فرستاد، وقتی برگشتم با جنازه مادرم روبرو شدم.

چند روز بعد از حادثه پسر جوان خود را به پلیس معرفی کرد. در دادگاه دختران خانم کشته شده برای قاتل مادرشان تقاضای اعدام کردند، متهم به قتل گفت من و مادر دوست دخترم فامیل دور هستیم و هفته‌ای سه بار به خانه آنها رفت و آمد داشتم از دو سال پیش با مهسا یکی از دختران او دوست بودم می‌خواستیم ازدواج کنیم اما وقتی مادرش ماجرا را فهمید به من گفت اگر مهسا را می‌خواهم باید با او هم رابطه داشته باشم، از این کار بدم آمد اما به خاطر مهسا مجبور بودم. روز حادثه وقتی به خانه آنها رفتم با هم مشروب خوردیم سپس او پیشنهاد رابطه جنسی داد با هم درگیر شدیم روی من پرید نفسم بند آمده بود برای نجات خودم کراواتم را دور گردنش پیچیدم و با فشار او را کنار زدم نمی‌دانستم مرده به سرعت از خانه بیرون رفتم، همان شب فهمیدم فوت شده است. سه روز بعد به پیشنهاد عمه‌ام خودم را به پلیس معرفی کردم.او در دادگاه گفت قتل در شرایط مستی و زیر سن قانونی بوده، اما دادگاه حکم اعدام برای او صادر کرد. این حکم اما در دیوان عالی کشور به دلیل سن پائین متهم رد شد و پرونده به دادگاه دیگری رفت.پسر ۱۷ ساله در دادگاه تجدیدنظر گفت مادر دوست دخترم با پسرخاله‌ام هم رابطه داشت. آن روز روی من افتاده بود من ۳۰ کیلو وزن داشتم و او ۳۵ ساله بود و سنگین هر چه هلش می‌دادم کنار نمی‌رفت مجبور شدم با کراواتم خفه‌اش کنم.

پسر جوان این بار به دادگاه گفت: اگر می‌دانستم حکم اعدام برایم صادر می‌شود به جای آنکه خودم را به پلیس معرفی کنم فرار می‌کردم مثل خیلی از قاتل‌ها. دادگاه در پایان جلسه ۴۰ روز به قاتل وقت داد تا خانواده مقتول را راضی کند تا او را ببخشند.

جنازه مرد افغان در کیسه پشت موتورسیکلت پلیس

افسر پلیس بعد از کشتن پسر افغان جنازه او را در کیسه‌ای گذاشت تا آن را در بیابان رها کند، اما با پاره شدن کیسه جسد در خیابان مقابل پای رهگذران افتاد و راز جنایت فاش شد.

او تا کنون در مراحل مختلف بازجوئی درباره علت این قتل سخنی بر زبان نیاورده است. هفته گذشته هم در جریان محاکمه راز جنایت را فاش نکرد و به این ترتیب ماجرای قتل جوان افغان مبهم باقی ماند. این افسر کارآگاه در جریان بازجوئی‌ها به کارآگاهان جنائی گفت: رسول را که دستفروش بود به منزلم برده بودم تا خانه را برای اجاره نشانش بدهم اما ناگهان بین ما درگیری پیش آمد و هر دو بیهوش شدیم و بر زمین افتادیم و زمانی که به هوش آمدم همسرم به من زنگ زد و از من خواست دخترانم را از مدرسه به منزل پدرزنم ببرم، در حالی که دستم به شدت زخمی شده بود از خانه بیرون آمدم پس از چند ساعت وقتی به خانه برگشتم دیدم در منزل قفل شده و فکر کردم جوان افغان به هوش آمده و از آنجا رفته است، اما چهار روز بعد یکی از همسایه‌ها به من زنگ زد و گفت که از داخل آپارتمان ما بوی تعفن می‌آید من هم به او گفتم به احتمال زیاد بوی لاشه یک حیوان مرده است.در حالی که خیلی ترسیده بودم به دیدن دوستم مرتضی رفتم و گفتم می‌خواهم مقداری اثاث جابه‌جا کنم، بعد هم به خانه‌ام رفتیم.مرتضی از موضوع خبر نداشت جسد را داخل یک کیسه بزرگ گذاشتم بسته‌بندی کردم آن را پشت موتورسیکلت گذاشتم و به طرف بیرون شهر راه افتادیم. دوستم گفت این چیه؟ گفتم لاشه یک حیوان است که مرده و همسایه‌ها به خاطر بوی تعفن شکایت کرده‌اند و حالا می‌خواهم آن را در بیابان‌های بیرون شهر بیاندازم.با موتورسیکلت در حال گذر از خیابان بودیم که ناگهان کیسه پلاستیک پاره شد و جسد مقتول از روی موتورسیکلت کف خیابان افتاد. در حالی که خیابان خیلی شلوغ بود، مردم وقتی جسد را دیدند به پلیس گزارش دادند و دستگیر شدیم. افسر پلیس پس از اعتراف به قتل رسول این هفته محاکمه شد، پدر رسول از رئیس دادگاه خواست قاتل فرزندش اعدام شود.متهم به قتل هم گفت: مقتول را چند ماهی بود می‌شناختم وقتی متوجه شدم به دنبال خانه اجاره‌ای است او را به خانه‌ام در خیابان ۱۷ شهریور بردم اما با او درگیر شدم و نمی‌دانم چه شد که هر دو بیهوش شدیم.... در این جلسه تلاش قضات دادگاه برای اطلاع از جزئیات حادثه بی‌نتیجه ماند.

دخترم می‌خواست هنرپیشه شود او را کشتم

چندی پیش پیرمردی دخترنوجوانش را در خانه به قتل رساند، این مرد دقایقی بعد از جنایت با پلیس تماس گرفت و ماجرا را تعریف کرد. جنایت در خانه‌ای در نازی‌آباد تهران روی داد، مأموران در یکی از اتاق‌های این خانه با جسد دختری روبرو شدند که به دلیل اصابت ضربات متعدد چاقو جان باخته بود.پدر ۶۵ ساله مقتول در اتاق نشسته بود و انتظار مأموران را می‌کشید، او در جریان تحقیقات به قتل دخترش اعتراف کرد و گفت چون دخترم باعث آبروریزی شده بود کشتم‌اش.او گفت دخترم چند بار به دلیل مسائل اخلاقی بازداشت شده بود، آن شب وی خواب بود که به سراغش رفتم پتو را از روی صورتش کنار زدم و چند ضربه به سر و روی او فرود آوردم بعد هم به پسرم گفتم که با پلیس تماس بگیرد و ماجرا را خبر دهد. مرد دخترکش در دادگاه گفت: قتل دخترم را قبول دارم اما این حادثه نتیجه بیست و دو سال درگیری و کشمکش من و دخترم بود. دخترم لیسانس زبان فرانسه داشت و مدام با دوستانش بیرون می‌رفت او شب‌ها دیر به خانه می‌آمد و من بارها در این باره با او صحبت کردم اما فایده‌ای نداشت و اخیرا هم گفت می‌خواهد هنرپیشه شود، اما من به شدت مخالف بودم تا اینکه یک روز او دست به خودکشی زد اما ما متوجه شدیم و نجاتش دادیم. بعد از این موافقت کردم که او برای دو جلسه سر صحنه فیلمبرداری برود اما او پایش را در یک کفش کرده بود که می‌خواهد بازیگر شود و یک بار دیگر هم دست به خودکشی زد ولی این بار هم او را به موقع به بیمارستان رساندیم و نجات پیدا کرد.شب حادثه تصمیم گرفتم او را به قتل برسانم، آن قدر عصبانی بودم که هیچ چیزی از آن لحظه به یاد ندارم و هر چه در بازسازی صحنه گفته‌ام ساخته خیالاتم بوده و چیزی از آن لحظه یادم نمی‌آید، با وجود اشتباهات دخترم من حق نداشتم که او را از زندگی محروم کنم. تصمیم دادگاه به زودی اعلام می‌شود.

خودکشی همزمان دو همکلاسی ۱۵ ساله

سن خودکشی در ایران دومین کشور غمگین دنیا هر روز پائین و پائین‌تر می‌رود. این هفته دو دانش‌آموز ۱۵ ساله در یکی از مدارس مشکین‌شهر تصمیم گرفتند به دلیل مشکلات خانوادگی با مصرف قرص برنج داوطلبانه جان خود را بگیرند، یکی از این دو نفر ساعاتی بعد از خوردن قرص برنج درگذشت و نوجوان دیگر سه روز بعد از دوست خود جان باخت.دلایل این دو دانش‌آموز برای خودکشی از سوی پلیس در دست تحقیق است. خبر خودکشی این دو نوجوان ۱۵ ساله مسئوولان مدرسه، هم‌شاگری‌های آنها و اهالی شهر را به شدت متأثر کرده است.

سقوط مشکوک پزشک متخصص از طبقه پنجم

یک پزشک ۴۰ ساله این هفته از طبقه پنجم ساختمان محل زندگی خود به پائین سقوط کرد و کشته شد. تحقیقات مأموران نشان داد او فوق تخصص پزشکی دارد و هنگامی که همسرش در خانه نبوده از بالکن خانه به پائین سقوط کرده است.

همسایگان دکتر گفته‌اند صدای مهیبی به گوشمان رسید، وقتی از پنجره به داخل حیاط نگاه کردیم متوجه شدیم همسایه طبقه پنجم ساختمان به داخل حیاط سقوط کرده است.

پلیس گفته است این حادثه مشکوک به نظر می‌رسد و تحقیقات وسیعی را برای روشن شدن سقوط دکتر آغاز کرده است.

قتل زن جوان در تهران نو

مردی اواخر هفته گذشته به کلانتری تهران نو خبر داد همسر صیغه‌ای او در خانه‌اش کشته شده است. مأموران بعد از ورود به محل جنایت با جسد زن ۳۹ ساله‌ای به اسم فرزانه روبه‌رو شدند که خون‌آلود در کنار تختخوابش افتاده بود. صورت زن جوان و دهانش خونی بود که نشان از درگیری با شخص یا افرادی داشت. شوهر این زن به پلیس گفت: من زن و بچه دارم دو سال قبل با فرزانه آشنا شدم و او را صیغه کردم و این خانه را برای او اجاره نمودم. فرزانه کار نمی‌کرد خانه‌دار بود و من خرج زندگی او را می‌دادم هر روز بعد از ترک محل کارم به فرزانه سر می‌زدم، اما شب پیش زن دیگرم می‌رفتم روز قبل ناهار را با فرزانه خوردیم، ساعتی قبل از محل کارم به خانه فرزانه آمدم و با این صحنه روبرو شدم. برای یافتن قاتل فرزانه تحقیقات پلیس ادامه دارد.

دانشگاه کردستان: نمی‌توانیم علت مرگ دختر دانشجو را اعلام کنیم

مرگ یک دختر دانشجوی سال چهارم دانشگاه کردستان در پرده‌ای از ابهام باقی مانده است. مسئولان دانشگاه می‌گویند درباره این حادثه فعلا نمی‌توانیم توضیحی بدهیم. در حال حاضر پلیس و بازپرس سرگرم تحقیق درباره این اتفاق هستند.

این دانشجو در سال آخر تحصیل می‌کرد و حادثه‌ای که باعث فوت او شده مسأله‌ای شخصی بوده که اجازه انتشار آن بستگی به نظر خانواده این دختر دارد. علت مرگ اتفاق نامعلومی است که روز یکشنبه پیش در محیط دانشگاه برای او رخ داد، این دانشجو بعد از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد.

گفتگو با امیر طاهری:

حرکت ترامپ از راست به میانه

«برای دیدن ویدئو ، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

● اگر دموکرات‌ها کاندیدای قابل قبول‌تری از هیلاری کلینتون عرضه می‌کردند احتمال پیروزی‌شان در انتخابات بیشتر بود

● حزب دموکرات برای بازسازی خود باید با اقداماتی نظیر تاکید بر نقش دولت، وضع مالیات بیشتر و توزیع ثروت به جایگاه سنتی‌اش در چپ بازگردد

● تظاهرات اعتراضی علیه ترامپ نه بی سابقه است و نه دامنه‌دار خواهد شد

● در برخی موارد مواضع ترامپ سوء تعبیر و یا مبالغه شده بود

● ترامپ ضدیتی با دین اسلام ندارد

● ترامپ قصد از میان برداشتن پیمان ناتو را ندارد بلکه فقط از اعضا خواسته که سهم منصفانه خود را که ۲درصد تولید ناخالص ملی است پرداخت کنند

● انتخاب ترامپ خبر خوبی برای آقای خامنه‌ای نیست

در پی انتخاب غیرمنتظره دونالد ترامپ به عنوان چهل و پنجمین رییس جمهور آمریکا، مردم در انتظارند ببینند آیا ترامپ به وعده‌های انتخاباتی خود از جمله ساختن دیوار بین مرز آمریکا و مکزیک، منع ورود مسلمانان به آمریکا، برچیدن کامل برنامه بیمه درمانی موسوم به Obamacare و جایگزین ساختن آن با برنامه‌ای دیگرعمل خواهد کرد یا نه. نشانه‌های اولیه حاکی‌ست که ترامپ چندان هم به انجام همه این وعده‌ها پایبند نیست چرا که به طور نمونه در مصاحبه‌ای با وال استریت جورنال اظهار داشت که همه این برنامه بیمه بهداشتی را تغییر نخواهد داد و بخش‌هایی از آن را که برای بیمه‌شدگان مفید است حفظ خواهد کرد.وی در مصاحبه‌ای دیگر وعده اخراج ۱۱ میلیون مکزیکی غیرقانونی ازآمریکا را تعدیل کرد و گفت تنها بین ۲ تا ۳ میلیون مکزیکی که خلافکار هستند از ایالات متحده اخراج خواهند شد. در رابطه با مسایل مربوط به خاورمیانه، ترامپ بار دیگر از ژنرال‌های آمریکایی که نتوانسته‌اند داعش را کاملا سرکوب کنند انتقاد کرد و گفت شاید دلیل آن نبود مدیریت صحیح بوده باشد.

بیژن فرهودی در گفتگویی با امیر طاهری نتیجه انتخابات آمریکا و انتظاراتی را که از ترامپ به عنوان رییس جمهور می‌رود مورد بررسی قرار داده است.

داریوش همایون *روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوجو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی آگاهی داشت.*

وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «آیندگان» بود که صفحه‌ای نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود.همایون مهارت روزنامه‌نگاری و تسلط خود بر زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از خود بر جای گذاشت که بنا بر شرایط موجود در خاورمیانه، بسیاری از آنها همچنان معتبرند و گویی همین امروز نگاشته شده‌اند. مقالات قدیمی‌وی در دهه‌های سی تا پنجاه خورشیدی همچنین بازتاب مستند موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران هستند. از همین رو ما به بازنشر گلچینی از آثار داریوش همایون می‌پردازیم که در سال‌های تبعید پس از انقلاب ۵۷ با کیهان لندن نیز همکاری نزدیک داشت. مقالاتی که در این ستون می‌خوانید، از آرشیو کیهان لندن انتخاب شده‌اند.

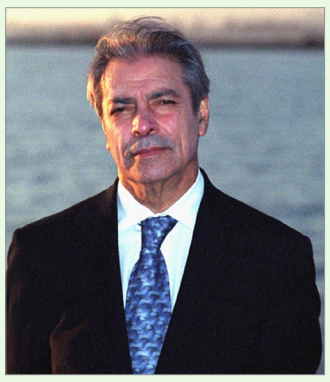

داریوش همایون

(۵مهر۱۳۰۷،تهران-۸بهمن۱۳۸۹،ژنو)

خشت نو از قالب دیگر

کیهان لندن شماره ۱۱۹۶ -۹ اسفندماه ۱۳۸۶

«تازه»ترین نظریه درباره توسعه در ایران از آشنائی با یک نویسنده ژاپنی بر سر زبان‌ها افتاده است. آن نویسنده در آن دهه‌های دست و پنجه نرم کردن ژاپن سنتی با اروپای مدرن فتوی داد که می‌باید اروپا را در ظرف ژاپن ریخت. اکنون بحثی که از صد و بیست سی سالی پیش در ایران درگرفته است در جامه‌ای تازه باز سربلند می‌کند. پس از اینهمه دهه‌های تجدد ناقص، کتاب نویسنده ژاپنی مانند مکاشفه‌ای به یاری سرگشتگان معمای ناگشوده تجدد در ایران می‌آید. چه فرمولی از این ساده‌تر و فریبنده تر! همین بس که تجدد را در ظرف ایرانی بریزیم. دیگر نه کشاکشی با سنتگرایان خواهد ماند نه نا کامی در کمین هر گام به پیش. ریختن تجدد در ظرف ایرانی تازه ترین ریسمانی است که به سوی بومیگرائی nativism غرق در گرداب‌های تجربه ی، نه تنها ایرانی بلکه جهانی، افکنده می‌شود.

در خود فتوی تردیدی نمی‌توان کرد. بجز جامعه‌های معینی در اروپای باختری، تجدد همه جا وارداتی بوده است. (در امریکای شمالی نه تنها تجدد بلکه خود جمعیت تجدد یابنده نیز وارداتی بود). تجدد به ناچار در ظرفی که هست ریخته می‌شود. مسأله‌ای که در این ساده انگاری‌ها فراموش می‌کنند کیفیت ظرف است. همه ظرف‌ها یکی نیستند. ظرف‌هائی هستند که جای چندانی در آنها نمانده است. ظرف‌هائی هستند که هر محتوای تازه‌ای را پس می‌زنند. ظرف‌های پاکتر و آلوده‌تر هستند. آن نویسنده ژاپنی فتوای خود را در باره ایران عصر ناصری نمی‌داد که از همان زمان ذهن تجدد خواهان‌ش به نمونه ژاپن مشغول بود. با اینهمه (از طرفه‌های کارکرد ذهن ما) هیچ کس تا زمان‌های بعد نیز به این اندیشه نیفتاد که از قیاس ساده که پایه اصلی منطق بیشتر ایرانیان است فراتر رود و آن ژاپن مثالی را بشناسد؛ از آن کمتر به تفاوت‌هایش با جامعه ایرانی ــ که از تفاوت گذشته، به تضاد رسیده است ــ بنگرد.

ژاپنی که اروپا را از دهه هفتم سده نوزدهم در خود ریخت از دویست و شصت سال نظام «شگونی» بدر می‌آمد. در پگاه سده هفدهم یک جنگسالار ژاپنی که لقب «توکوگاوا» داشت توانست سراسر مجمع الجزایر را زیر فرمان آورد. جانشینان او همه به همان عنوان توکوگاوا، در مقام شگون (سپهسالار و فرمانروای فئودال) به نام امپراتور خدایگونه که دو هزار سال نسل پس از نسل پادشاهی می‌کرد و نسبش به آسمان می‌رسید کشور را چنان تنگ اداره می‌کردند که نه یک بیگانه و اندیشه غربی به آن راه داشت، (به استثنای بازرگانی محدودی با هلند از تنها یک بندر، ناکازاکی) نه کمترین جزئیات از کنترل آن بیرون بود. سراسر کشور را سیاهه و آماربرداری کرده بودند. یک نظام آموزشی کارآمد برای نیازهای اداری و اقتصادی چنان جامعه‌ای «کادر»ها را می‌پروراند و طبقه جنگاور سامورائی امنیتی بی مانند را در سرزمین‌های آن روزگار جهان برقرار می‌داشت. ژاپن ثروتمند نبود ولی مردمان در سایه امنیت و دستگاه اداری کارآمد با استانداردهای زمان در بینوائی به سر نمی‌بردند.

به زبان دیگر جامعه ژاپنی هنگامی که خواست تکان زلزله وارش را به خود بدهد اسباب اداری و سیاسی و حتی آموزشی لازم را برای تجدد وارداتی می‌داشت. (سامورائی‌ها تقریبا بلافاصله به دیوانسالاران و کارآفرینان و آموزشگران تبدیل شدند). حکومت می‌توانست بی دشواری زیاد دست به دگرگونی‌های پردامنه بزند (واپسین تاخت و تاز یک فئودال سرکش به آسانی در رگبار سلاح‌های آتشین اروپائی به خاک افتاد.) آئین شینتو نه گرفتاری بنیادی با هرچه مدرنیته و نوسازندگی داشت و نه روحانیانی که سیاست شان عین دیانت شان باشد.

تفاوت اصلی دیگر در چگونگی واردات بود که از آن بهتر نمی‌شد آرزو کرد. ناگزیری رفتن به راه‌های باختر زمین از دو «بازدید» یک اسکادران ناوگان دریابان «پری» امریکائی از بندر «ادو» بر ژاپنیان آشکار شد. او بی شلیک یک گلوله، بیشترینه‌ای که بر حکومت محلی تحمیل کرد یک پیمان دوستی، و تعهد ژاپن به کمک به توفانزدگان امریکائی بود. از آن پس نیز تا خود ژاپنیان به لشگرکشی نیفتادند با هیچ زوری روبرو نشدند. هیچ تحمیل و تحقیر جدی در آن فرایند نمی‌شد یافت که پسزنش یا حتی سرزنشی را در جامعه برانگیزد.

* * *

ریختن تجدد در ظرف ژاپن با چنان تقلید از خود بی خودی آغاز شد که ما در ایران به گردش هم نرسیدیم. دستگاه حکومتی که اسباب‌ش را داشت هزاران تن را به هر گوشه جهان غرب فرستاد تاآموزش ببینند یا نسخه برداری کنند. نظام آموزشی، سازمان اداری، قوانین مدنی و بازرگانی، سازماندهی نیروهای زمینی و دریائی عینا از بهترین نمونه‌های اروپائی گرفته شد. ساختمان آکادمی دریائی ژاپن گویاترین نمونه روحیه نخستین دهه‌هاست. حتی آجرهای سرخ ساختمان آکادمی دریائی بریتانیا را وارد کردند که با اصل کمترین تفاوتی نداشته باشد. در این شیفتگی احتمالا انگیزه دیگری هم درکار بود. امپراتور می‌جی می‌خواست جامعه سنتی را با سخت ترین تکان‌ها از بی حرکتی سده‌ها بدرآورد.

ولی در کنار این تقلید میمون وار، رفتن به ژرفای فرهنگ اروپائی هم بود که باز ما به گردش نرسیدیم. در همان چند دهه نخستین، هزاران کتاب اروپائی در همه رشته‌ها به ژاپنی ترجمه شد و آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌هائی که پیوسته چشم به سرمشق‌های اروپائی خود داشتند سرمایه بزرگ انسانی تجدد را پرورش دادند. با اینهمه ژاپن تا نیمه‌های سده بیست اساسا سرزمین بسته کاری (مونتاژ) بود ــ همان که منتقدان نادان صنعتی شدن ایران سرکوفت ش را می‌زنند. پس از یک دوران طولانی واردات تکنولوژی بود که سیاست‌های خردمندانه ژاپن میوه‌های ش را داد. امروز آن کشور در ثبت اختراعات جایگاه دوم را پس از امریکا دارد.

ما اگر نتوانستیم تجربه ژاپن را تکرار کنیم از این بود که اتفاقا تجدد را در ظرف ایرانی ریختیم ــ در کشوری که کمرش در زیر بار جغرافیا و تاریخ نامناسب ۱۴۰۰ ساله خم شده بود و گسست‌های پیاپی از سده هفتم تا بیستم هرگز نگذاشت سرمایه مادی و معنوی لازم برای از زمین کندن جامعه انباشته شود. جامعه‌ای ازهم گسیخته، اسیر یک فولکلور مذهبی ضد پیشرفت و روحانیتی نیرومند و دنیادار، بی هیچ یک از اسباب و آمادگی‌های نمونه‌های کامیاب تجدد، خواست خودش بماند و دیگر هم بشود. اکنون پس از تجربه چهار نسل ایرانیان، زمان ریختن تجدد در ظرف ارزش‌های اصیل و سنت‌های مقدس و قالب‌های ذهنی عوامانه نیست. دیگر هر کس بخواهد می‌تواند ببیند که ظرف با محتوی چها می‌کند. دیگر دوران تقلید ما، حتی از ژاپن، گذشته است. می‌باید به ژرفای مسأله رفت که طبیعت واپسماندگی و پویائی است. می‌باید به ظرف نیز پرداخت.

بیش از صد سال ایرانیان کوشیدند ساختمانی نو با مصالح کهنه بسازند ــ خشت نو از قالب‌های کهن ــ و امروز در اینجائیم که بدترین‌های خود را نگه داشته‌ایم و با پاره‌ای بدترین‌های وارداتی تکمیل کرده ایم. ما لازم نیست «قالب این خشت را به آتش افکنیم.» آن قالب را می‌توان به موزه یا محراب سپرد. ولی اگر به آنجا رسیده‌ایم که تجدد را، نه در این ظرف آلوده و لگد خورده روزگاران می‌خواهیم، می‌باید «خشت نو از قالب دیگر بزنیم.»

ترامپ و لایه‌های جنگ سوریه

«برای دیدن ویدئو ، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

● سیاست ترامپ در قبال سوریه هنوز به درستی مشخص نیست و تنها می‌دانیم که او می‌خواهد روابط با روسیه را که متحد رژیم سوریه است بهبود بخشد

● ترامپ ممکن است ملاحظاتی در مورد ادامه حمایت آمریکا از مخالفان بشار اسد داشته باشد

مناقشه سوریه از لایه‌های گوناگونی تشکیل شده که شاید مهمترین آن رقابت بین آمریکا و روسیه باشد

● تا زمانی که مسکو و واشنگتن بر سر آینده سوریه به توافق نرسند این مناقشه پایان نخواهد یافت

● برای حل این مناقشه لازم است ابتدا تمام کشورهایی که به نوعی در این درگیری شرکت دارند از جمله ایران و عربستان به تفاهم دست یابند و در مرحله آخر دولت سوریه و مخالفانش پشت میز مذاکره بنشینند

● اروپا صرفا برای مقابله با تروریسم داعش و جلوگیری از جاری شدن سیل پناهندگان به مرزهایش و نه از روی نوع‌دوستی مایل به حل بحران سوریه است

● جمهوری اسلامی به احتمال زیاد نگران سیاست‌های ترامپ در قبال ایران است اما بعید به نظر می‌رسد که رییس جمهور منتخب آمریکا بتواند این قرارداد را تغییر دهد

انتخاب دونالد ترامپ به عنوان ۴۵امین رییس جمهوری آمریکا در گوشه و کنار جهان به دقت دنبال می‌شود. در این میان شاید کمتر منطقه‌ای از جهان به اندازه خاورمیانه تحت تاثیر تصمیماتی قرار گیرد که ترامپ به عنوان رهبر تنها ابرقدرت جهان در عرصه سیاست خارجی اتخاذ خواهد کرد؛ و در این منطقه ملتهب، شاید کمتر کشوری به اندازه سوریه نگران و دلواپس باشد.

در حالی که تنها چند روز از انتخاب ترامپ گذشته بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که بازنده تصمیمات ترامپ در رابطه با سوریه، اپوزیسیون این کشور خواهد بود که تا کنون در مبارزه با رژیم بشار اسد از حمایت دولت آمریکا و برخی کشورهای دیگر غرب برخوردار بوده است.

به گفته ولادیمیر ورولوف یکی از تحلیلگران متنفذ امور خارجی در روسیه، ترامپ به احتمال زیاد تا ۲ ماه دیگر که رسما سکان رهبری آمریکا را به دست خواهد گرفت سیاست پوتین در قبال سوریه را به عنوان یک عمل انجام شده یا Fait Accompliخواهد پذیرفت. سیاست روسیه در حال حاضر تشدید بمباران مواضع مخالفین اسد به اندازه‌ای است که آنها سرانجام حاضر به شرکت در مذاکرات صلح شوند.

بیژن فرهودی در این زمینه با فریناز آرین فر پژوهشگر روابط بین‌الملل در دانشگاه گوتنبرگ سوئد گفتگو کرده است.

● بزرگترین کلاهبرداری سیدمهدی بلیغ:فروش کاخ دادگستری به یک تاجر!

مردی از جنس خلاف

بلیغ اوایل سال ۱۳۰۰ خورشیدی در یک خانواده فقیر در تهران متولد شد. او در همان سال‌های نخست تولد، پدرش را از دست داد اما با همه فقر و نداری توانست دیپلم خود را از دبیرستان البرز ـ کالج آمریکایی، سابق ـ بگیرد. او سال‌های بعد دست به کلاهبرداری عجیبی زد که باعث شد نامش در فهرست بزرگ‌ترین کلاهبرداران دنیا قرار بگیرد.سال‌ها قبل یک مرد شهرستانی ثروتمندی که آوازه پایتخت را زیاد شنیده بود، تمام دارایی و املاک خود را فروخت و راهی تهران شد تا بقیه عمرش را در این شهر بگذراند. او قصد داشت با سرمایه‌گذاری در پایتخت، ثروت خود را چند برابر کند اما از بخت بد، وقتی قدم به تهران گذاشت در دام تبهکاری افتاد که آوازه‌اش در شهر پیچیده بود.

بلیغ وقتی با مرد ثروتمند آشنا شد و داستان زندگی او را شنید، نقشه‌ای طراحی کرد تا بتواند ثروت او را بالا بکشد. او بعد از دوستی با این مرد شروع به حرف زدن درباره دارایی‌ها و املاک خود در تهران کرد و گفت یک کاخ بزرگ در بهترین نقطه شهر دارد اما این کاخ هم اکنون در اجاره وزارت دادگستری است و او می‌خواهد هر چه زودتر آن را بفروشد.

مهدی بلیغ تحت‌الحفظ در راه دادگاه

نقشه تمام عیار

آن روز بلیغ به سراغ چند نفر از نوچه‌هایش رفت و آنها را برای اجرای نقشه بی‌نقص خود آماده کرد. او برای هر کدام از همدستانش وظایفی تعیین کرد که روز بعد باید آن را انجام می‌دادند. فردای آن روز بلیغ با یک اتومبیل شیک کرایه‌ای به هتلی رفت که مرد ثروتمند در آنجا اقامت داشت. یکی از نوچه‌های بلیغ که نقش راننده وی را بر عهده داشت، به سرعت از ماشین پیاده شد و در را برای مرد ثروتمند باز کرد. لحظاتی بعد ماشین به طرف کاخ دادگستری به راه افتاد اما در بین راه در مقابل یک مغازه و بانک بزرگ توقف کرد. در این میان، بلیغ دستوراتی را به دو نفر از نوچه‌هایش که وانمود می‌کردند رئیس بانک و مدیر مغازه هستند، داد و مرد ثروتمند با مشاهده این صحنه‌ها مطمئن شد که بلیغ فرد مهمی است.

چند دقیقه بعد ـ وقتی ماشین مقابل کاخ دادگستری توقف کرد ـ بلیغ و مرد ثروتمند پیاده شدند و در همین هنگام یکی دیگر از نوچه‌های او که خود را مأمور دادگستری معرفی می‌کرد، جلو آمد و بعد از تعظیم کیف دستی بلیغ را از او گرفت. آخرین نوچه بلیغ هم که با لباسی شیک و مرتب در طبقه سوم کاخ دادگستری منتظر آنها بود، طوری رفتار کرد که دیگر شکی برای مرد ثروتمند باقی نماند که بلیغ صاحب این کاخ است و گفت که حاضر است کاخ را از او خریداری کند. این بود که آنها به سرعت از کاخ دادگستری خارج شدند و بعد از نوشتن قولنامه، بلیغ قول داد که وزارت دادگستری تا چند روز دیگر کاخ را تخلیه کند. سپس مبلغ هنگفتی به عنوان ودیعه از مرد ثروتمند گرفت و بعد از خداحافظی از او ناپدید شد. چند روز بعد وقتی مرد ثروتمند برای بازدید از کاخی که تازه خریده بود، به آنجا رفت متوجه شد که چه کلاهی سرش رفته است.

از طرفی وقتی پای بزرگ‌ترین فرارها به میان می‌آید، نمی‌شود فرارهای عجیب مهدی بلیغ را از یاد برد. این مرد کلاهبردار که آرسن‌لوپن ایران لقب گرفته بود، در سال ۱۳۳۷ وقتی به جرم سرقت و کلاهبرداری راهی کاخ دادگستری شد، یکی از بزرگ‌ترین فرارها را به نام خود ثبت کرد. او زمانی که منتظر بود تا وارد دادگاه شود رو به مأمور محافظش کرد و گفت که نیاز به دستشویی دارد. سر اکیپ محافظان هم‌دستش را باز کرد و به تصور اینکه کسی نمی‌تواند از طبقه سوم کاخ دادگستری فرار کند، با خیال راحت اجازه داد که بلیغ به دستشویی برود. اما بلیغ وقتی وارد دستشویی شد، دریچه هواکش را که حدود یک متر و نیم از زمین فاصله داشت از جا در آورد و خودش را از طبقه سوم به پایین پرت کرد و پا به فرار گذاشت. بعد از آن بود که خبر فرار آرسن‌لوپن ایرانی مثل بمب ترکید و روزنامه‌ها عکس‌های مختلفی از دریچه ۴۰ در ۴۰ سانتی‌متری هواکش دستشویی و فاصله آن تا سطح زمین را چاپ کردند تا مشخص شود که این فرار چقدر عجیب و باور نکردنی بوده است. البته این تنها فراری نبود که بزرگ‌ترین کلاه بردار ایران رقم زد. او چند سال بعد وقتی در کشور عراق توسط پلیس دستگیر شد و مأموران به وسیله قایق در حال انتقال او به ایران بودند، ناگهان از قایق به داخل رودخانه پرید و حتی شلیک گلوله‌های پلیس هم نتوانست مانع فرارش شود. بلیغ چندین ساعت روی آب شناور بود تا اینکه یک ماهیگیر او را نجات داد و توانست بار دیگر از دست پلیس فرار کند. مهدی بلیغ به جز کلاهبرداری و دزدی از جواهرفروشی‌ها و بانک‌ها مرتکب جنایت نیز شد. او وقتی در خانه‌ای همراه با همدست ایتالیایی‌اش دستگیر گردید، در محل اقامتش جنازه همدست دیگرشان که او نیز مهدی نام داشت پیدا شد. این تبهکار حرفه‌ای سرانجام ۲۰ فروردین ماه سال ۱۳۵۸ به همراه شش قاچاقچی دیگر در تهران اعدام شد.

مترجمی که آناتول فرانس را نجات داد!

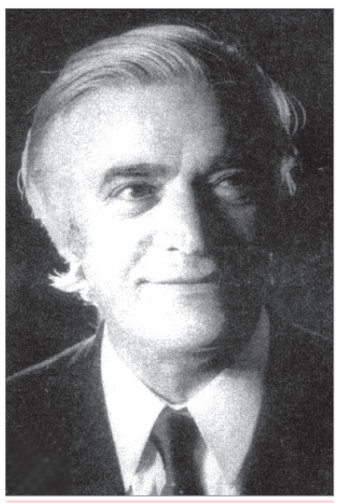
محمد قاضی

سال ۱۳۲۸ آقای مشفق‌همدانی ـ مدیر انتشارات صفی‌علیشاه ـ بعد از خواندن ترجمه من از کتاب «جزیره پنگوئن‌ها»ی آناتول فرانس، بی‌تعارف از کارم تمجید کرد و حتی به من گفت من در شما یکی از مترجمان برجسته آینده را می‌بینم، ولی همان طور که ناشران دیگر هم به شما گفته‌اند، کتاب‌های آناتول فرانس بازار ندارد.

شما اول کتابی از یک نویسنده بازار پسند انتخاب کنید، تا ما آن را چاپ کنیم و مردم را با نامت آشنا کنیم، بعد کتاب جزیره پنگوئن‌ها را نیز چاپ خواهیم کرد و آن وقت یقین دارم که وقتی مردم با نام شما آشنا شدند، آن کتاب را برای خاطر آناتول فرانس هم نباشد، برای نام شما خواهند خرید. پرسیدم «مثلاً، نویسندگان بازارپسند مثل که؟» اسم چند نویسنده را برد که جک لندن هم جزو آنها بود. اتفاقاً من کتاب «سپید دندان» جک لندن را هم داشتم و خوانده بودم و خوشم آمده بود.

گفتم کتابی از جک لندن به این نام دارم. جواب موافق داد و مرا به نزد برادرش فرستاد تا قرارداد ببندم. برادر آقای مشفق که بنا بود قرارداد را بنویسد، گفت مگر جک لندن کتابی هم به نام «سپید دندان» دارد؟ گفتم بلی. گفت من چنین چیزی نشنیده‌ام. برخاست و یکی از ترجمه‌های جک لندن را آورد و به مقدمه آن مراجعه کرد تا ببیند آیا به کتابی به نام سپید دندان اشاره شده است؟ یکدفعه یکه‌ای خورد و گفت ای آقا، شما کتاب «دندان سپید» را می‌گویید؟ اینجا اسم آن هست و دندان سپید نام دارد نه سپید دندان. گفتم نه آقا، جک لندن دندانساز نبوده بلکه نویسنده بوده و «سپید دندان» هم اسم یک سگ است؛ آقای مترجم شما اشتباه مرقوم فرموده‌اند. خجالت کشید و قرارداد را به صورتی شبیه به قرارداد ترکمنچای نوشت ولی من چون اول کارم بود و می‌خواستم از گمنام بودن در بیایم، آن را امضا کردم.

ترجمه «سپید دندان» را ظرف ۴ ماه به پایان آوردم و انتشارات صفی‌علیشاه آن را چاپ کرد. استقبالی که از کتاب به عمل آمد، بی‌سابقه بود و بنابه اعتراف خود ناشر، مردم می‌آمدند و می‌گفتند دیگر از این مترجم کتاب ندارید؟ این استقبال موجب شد که کتاب «جزیره پنگوئن‌ها» نیز به وسیله صفی‌علیشاه به چاپ برسد و بعدها مترجم و نویسنده بزرگ ـ جناب آقای نجف دریابندری ـ در روزنامه اطلاعات، مقاله‌ای در تقریظ از این کتاب تحت عنوان «مترجمی که آناتول فرانس را نجات داد» نوشتند و نسبت به مخلص ابراز لطف و محبت فراوان کردند.

بدین گونه از بند گمنامی درآمدم و از آن پس دیگر لازم نبود من برای چاپ کتاب‌هایم از ناشر تقاضا کنم بلکه ایشان بودند که مرتب از من کار می‌خواستند.

محمد قاضی مترجم نامدار و نویسنده نوشتار فوق در ۲۴ دی ماه ۱۳۷۶ درگذشت.

جدول

عمودی:

۱ـ پژوهشگر، ادیب و نویسندهٔ گرانقدر ایران و استاد پیشین دانشگاه تهران
۲ـ همراه و مصاحب ـ هم آوارگی است و هم صیقل دادن ـ چند درویش
۳ـ مانع ـ علامت تجارتی ـ لطیف
۴ـ از پادشاهان ایران قبل از یورش عرب‌ها
۵ ـ عددی است ـ حرف فاصله ـ صمیمی و بی‌ریا
۶ ـ لحظه ـ رشته ـ قسمتی از بنا
۷ ـ آگاهی ـ تنها ـ حمال
۸ ـ از کلیساهای معروف جهان ـ عددی است
۹ـ سالخورده ـ شهری معروف و تاریخی در فرانسه ـ ارمغان
۱۰ـ از کارخانجات معظم تولید وسایل آرایش ـ شهری در غرب ایران ـ اداره کننده
۱۱ـ دارای اولویت ـ کشوری است ـ حرف فاصله
۱۲ـ دلیل ـ محل به نمایش گذاشتن آثار هنری
۱۳ـ حرف تعجب ـ یک دوم ـ از چهارپایان
۱۴ـ تعب ـ مجموعه ـ دورویی
۱۵ـ از شعرای معروف و فقید معاصر ایران

افقی:

۱ـ شاعر، منجم، فیلسوف و ریاضی‌دان بزرگ ایران با شهرتی جهانی
۲ـ از ییلاقات دامنهٔ البرز ـ همگان و نزدیکان
۳ـ پند ـ خجل ـ مکان
۴ـ شاعر و قصیده‌سرای معروف ایران در قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم هجری
۵ ـ قهرمان و زورمند ـ پسندیده
۶ ـ منقل آتش ـ جود ـ حرف همراهی ـ آشکار
۷ ـ شیرینی ـ پستی ـ همه
۸ ـ از قربانیان انقلاب کبیر فرانسه ـ اعمال زشت
۹ـ به کنجی خزیده ـ پایتخت کشوری است ـ حرف ندا
۱۰ـ بلندی ـ میوه‌ای است ـ علامت جمع ـ کشوری است
۱۱ـ از فلزات ـ بزرگسالان ـ گرایش ـ رطوبت
۱۲ـ حرف تعجب ـ از نظامهای سیاسی و اقتصادی
۱۳ـ کشوری است ـ گذشته ـ رمق
۱۴ـ فریب ـ بینایی ـ از ابزار بنایی
۱۵ـ رنگی است ـ کنیز و غلام ـ ابزار

حل جدول شماره قبل

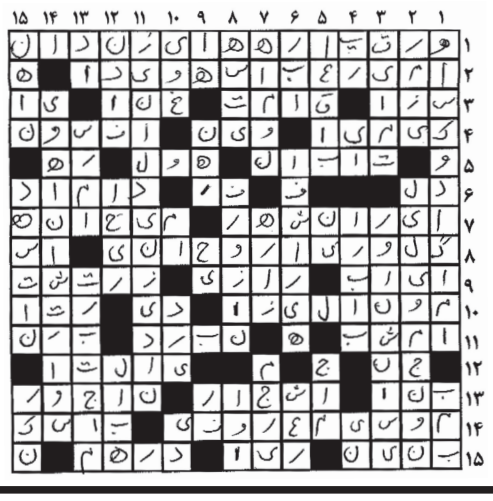

جدول اعداد

(سودوکو)

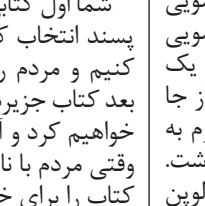

۳								
		۱						
	۲			۴	۶			
	۴		۵					

۶								
	۵					۳	۹	
	۲		۵	۶	۳		۴	
۴		۶	۸			۵		۷
۷	۸		۲	۵				
					۹	۷		۲
		۸						۱
۱		۲		۴	۶			

عمودی:

۱ـ هنرمند، نقاش و مجسمه‌ساز نامدار ایران
۲ـ پژوهشگر، شاعر، ادیب و استاد فقید دانشگاه تهران
۳ـ داخل دایره است ـ عنوانی برای بانوان
۴ـ کمک ـ بافت
۵ ـ از شهرهای ایران ـ اساس
۶ ـ بلندی‌های روی زمین ـ شراب
۷ ـ طمع ـ غلاف شمشیر ـ ادویه‌ای است
۸ـ فیلسوف، ریاضیدان و فیزیکدان معروف فرانسه در قرن هفدهم میلادی
۹ـ حیوانی ـ دلواپسی
۱۰ـ پیروان ـ روزانه
۱۱ـ آخرین ـ پرنده‌ای است

افقی:

۱ـ از هنرپیشگان و تهیه‌کنندگان معروف و قدیمی تئاتر ایران
۲ـ شهری در کشور ما ـ از وسایل ارتباط جمعی
۳ـ خرابه ـ مشابه و نظیر
۴ـ دست ـ از حبوبات ـ از ماههای شمسی
۵ ـ جمیل ـ نازک ـ وسیله‌ای برای نواختن
۶ ـ حرف فاصله ـ مشهود
۷ ـ از پیچیدنی‌ها ـ میوه‌ای است
۸ ـ ولی ـ به‌جا گذاشته شده
۹ـ کشوری است ـ از شهرهای ایران
۱۰ـ ابزار ـ خوب
۱۱ـ گیاهی است ـ قشر

حل جدول شماره قبل

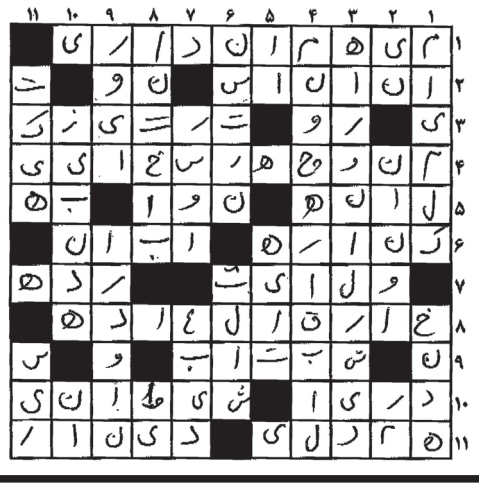

بازنشر

حاجی بابا اصفهانی در انگلستان (۲۸)

دخترها و مادرشان می‌خواستند مرا از دین خود برگردانند

برگرداند و ایران را با تصویری همانند دوران خاقان مغفور و حاجی بابای اصفهانی و ملاهای جهادگر به دنیای قرن بیست و یکم معرفی کند.

فصل هشتم

با خانواده هاگ دیدار می‌کند، انگلیسی حرف می‌زند، اشتباه می‌کند و شگفتی برمی‌انگیزد

فکر کردم بهتر است در خصوص آداب شام خوردن انگلیسی‌ها اطلاعات زیادی کسب کنم تا مبادا مرتکب خطایی در مهمانی‌ای شوم که دعوت شده‌ام و وقتی متوجه شدم ضرورتی ندارد تا قبل از آن این آداب را کاملاً بیاموزم از دیدار آنان و مهمانی‌هایشان دوری جویم، پذیرفتم به خانه دوستان جدیدم بروم. آنان در یکی از خیابان‌های بزرگ که از شهر فاصله می‌گرفت زندگی می‌کردند. چندین بار دق‌الباب کردم تا سرانجام کسی در را باز کرد و در باب این تأخیر در گشودن در احساس کردم این شیوه‌ای مطلوب است که نشان دهند چندان ناشکیب آمدنم نبوده‌اند و وقتی خدمتکار با قیافه‌ای پرشتاب، خشمگین و مبهوت در را گشود، دانستم ساعت خوش یمنی است زیرا وقتی سراغ آقای خانه را گرفتم، خدمتکار گفت که ایشان در خانه نیستند اما خانم و بانوان جوان حضور دارند. با این سرعت و سهولت قدم نهادن به حرمسرای اروپایی دور از انتظار من بود و در مدتی که از پلکان طولانی بالا می‌رفتم، به حد کفایت وقت داشتم تا سبیل‌هایم را مرتب کنم و نظمی به ریش پریشانم بدهم و آن‌ها را در جای خود بنشانم. به کلاهم چینی بدهم و آن را یک بر سر نَهم. تاب تازه‌ای به زلفم بدهم و شالم را محکم به دور کمرم ببندم و همهٔ این‌ها در پشت سر یک کافری انجام گرفت که درشت هیکل بود و پایش را به زمین می‌کشید و هر چند گاه بر می‌گشت و نگاه می‌کرد که آیا در پشت سر او قدم بر می‌دارم و وقتی به محل سکونت آنان رسیدیم، ایستاد و با لحنی جدی اسمم را پرسید. از این حرکت او خوشم نیامد برای این که فوراً خاطره همین شیوه سؤال کردن توسط محافظ خشن و درنده خوی شکرلب در یادم زنده شد و به یاد آوردم چه طور با تیپا مرا از پله‌ها پایین انداختند و چه رنجی در پی آن تحمل کردم. به همین علت بی‌وقفه به زبان خود جواب دادم: «به شما چه؟» و در کمال حیرت وقتی در را گشود و با صدای بلند گفت: «به شما چه» اینجا هستند و زمانی که در پی او وارد خانه شدم از این واقعه کاملاً گیج بودم.

در هر حال با خوش‌آمدگویی دل‌نشینی که از طرف دخترها ابراز شد، خیلی زود توانستم خود را جمع و جور کنم. مادر خانواده شروع به پوزش‌خواهی کرد به جهت ناآگاهی خدمتکار که اطلاعی از موقعیت و مقام من ندارد و چنین اشتباهی را در مورد نام من کرده. او گفت: «برای این که شما میرزا هستید، این طور نیست؟» گفتم: «بله مادام و چه خدمتی می‌توانم بکنم.»

ـ اما در کشور شما آن طور که در سفرنامه موریه خوانده‌ایم به معنای شاهزاده است، درست نمی‌گویم؟

در اوج فصاحتی که می‌توانستم به زبان آنان سخن بگویم، گفتم: «او بیشتر از اوقات حرف مفت می‌زند اما در اینجا حق با شماست.»

«بسی» مهربان و دوست داشتنی پرسید آیا پدرم هم میرزا بوده و آیا من پشت در پشت میرزا هستم؟

به او گفتم سرزمین ما در واقع سرزمین شاهزادگان است، زیرا ما از سر تفنن میرزا می‌شویم. تفاوت بین فرزندان شاه و من در این است که لقب میرزایی در مورد فرزندان شاه بعد از اسمشان می‌آید، لکن در مورد ما قبل از نامم قرار می‌گیرد و وانمود کردم این تفاوت در واقع جزیی است و تفاوت چندانی بین این تقدم و تأخر نیست و احتراماتی که به ما می‌شود، تقریباً یکسان است.

در پی این سخن، دیدن و شنیدن شیوه برخورد آنان با کلمه «شاهزاده» جالب توجه بود. گویی پیش‌تر از این، چنین کلمه‌ای از زبان آنان جاری نشده بود. هر چه آنان می‌خواستند بگویند با یک تک سیلابی شازده آغاز می‌شد، تا این که سرانجام برای رفع این معضل ناگزیر شدم پرسش‌های چندی مطرح کنم.

از بسی زیبا پرسیدم: «پاپا کی تشریف می‌آورند؟»

مامان پاسخ داد: «ایشان به شهر رفته‌اند. همه روزه در محل کار خود حاضر می‌شوند وعصر باز می‌گردند.»

گفتم: «آه پس ایشان تاجر هستند، درست مثل کشور ما، بازرگانان همه روز در بازار می‌نشینند و شب هنگام در دکان را می‌بندند و به خانه باز می‌گردند. اما ایشان چه کالایی عرضه می‌دارند؟»

بانو هاگ با اندکی تبختر گفت: «آقای هاگ فروشگاه ندارند، ایشان تاجر هند شرقی هستند.»

گفتم: «شاید ایشان گوشت خوک می‌فروشند.» با این اندیشه که نام او از کسب و کارش مشتق شده باشد، آن گونه که در ایران مرسوم است.

خانم هاگ با حیرت گفت: «گوشت خوک می‌فروشد!» و دخترانش خنده زیرپوزی‌ای کردند: «شازده، چرا ایشان باید گوشت خوک بفروشند؟»

ـ به جهت این که ایشان نام خوک را دارند. در کشور ما گاهی از اوقات نوع شغل موجب نام‌گذاری فرد می‌شود.

بانو هاگ با شگفتی گفت: «شازده، عجب رسمی دارید. هاگ یک نام خانوادگی قدیمی است و ربطی به حیوانات ندارد. هاگ‌ها هم در انگلستان، هم در اسکاتلند هستند.»

جسی دختر کوچک‌تر خانواده گفت: «شازده بهتر است بگویید سرفرانسیس بیکن، لرد معروف ورولام، گوشت گاو می‌فروخته و همه اسمیت‌ها، تیلورها، کوپرها، بیکرها، کوک‌ها (آهنگر، خیاط، مسگر، نانوا، آشپز) و هزاران نفر دیگر نمایندگان مشاغل خود بوده‌اند.»

ماما موضوع را به این ترتیب جمع‌بندی کرد: «جالب است تا به حال چنین چیزی را نشنیده بودم. آقای هاگ گوشت خوک بفروشد! شازده، چطور چنین فکری را کردید؟»

خیلی زود متوجه شدم با بی‌توجهی و چشم بسته به حریمی ممنوع وارد شده‌ام و بهتر این است که عقب بنشینم. به بهترین وجهی که می‌دانستم عذرخواهی کردم و گفتم من بدون راهنما به عرصه سنت‌های انگلیسی گام نهاده‌ام و ابداً در کشور من تاجر بودن شرم‌آور نیست و فکر می‌کنم در انگلستان نیز نباشد. تا آنجا که شنیده‌ام، مالکان و نیز سلاطینی بوده‌اند که برخی بزرگ‌ترین سازمان‌های تجاری‌ای را که در مشرق زمین وجود داشته، اداره می‌کرده‌اند و با این جمله آخر همه زخم‌هایی که زده بودم درمان کردم: «شاید آقای هاگ یکی از سلاطین هند باشد.»

بانو چنین می‌نمود که کاملاً آرام شده و گفت: «نه شازده، نه هنوز؛ ما او را مدیر می‌نامیم نه سلطان. اما انتظار می‌رود به زودی در خط افتد. اعتقاد من این است که او اکنون دارد مقدمه‌چینی می‌کند.»

جیمز موریه، دیپلمات انگلیسی، دو بار در ایران مأموریت داشت، بار اول از ۱۸۰۸ تا ۱۸۰۹ میلادی و نوبت دوم از ۱۸۱۱ تا ۱۸۱۴ به عنوان کاردار سفارت انگلیس در تهران.

ضمن این مأموریت‌ها، موریه که علاقه زیادی هم به تفحص در احوال و آداب مردم مشرق زمین داشت، با حاجی میرزا ابوالحسن اصفهانی روابط نزدیکی به هم رسانید و او را نمونه کامل عیاری از رجال سیاسی ایران در آن عصر و زمان یافت.

خلقیات و خصوصیات این دولتمرد دربار فتحعلی شاه را جیمز موریه در وجود «حاجی بابای اصفهانی» قالب ریزی کرده و در دو کتاب انعکاس داده که در عین حال تصویرگر اوضاع و احوال عمومی سرزمین حاجی باباپرور ایران در آن دوره است.

حاجی میرزا ابوالحسن اصفهانی معروف به ایلچی (سفیر) در سال ۱۸۰۹ میلادی (برابر با ۱۲۲۴ هجری قمری) از طرف فتحعلی شاه قاجار به عنوان سفیر به دربار «سنت جیمز» اعزام شد و جیمز موریه در این سفر به عنوان مترجم و راهنما او را همراهی می‌کرد.

ماجراهای «حاجی بابای اصفهانی در انگلستان» فرآورده این سفر است و دیپلمات انگلیسی، همانند کتاب اولش «ماجراهای حاجی بابای اصفهانی»، با طنزی خاص برخورد حاجی بابا را ـ که بعدا وزیر دول خارجه و صدراعظم ایران شد ـ با دنیای کاملا متفاوت غرب تصویر می‌کند.

کتاب اخیر جیمز موریه، برخلاف کتاب اول او، در ایران شناخته‌شده نبود. این کتاب که در سال ۱۹۸۶ توسط روبر په‌پن (Robert Pepin) از انگلیسی به فرانسه ترجمه شد، در سال ۱۳۷۹ با ترجمه آقای مهدی افشار (از انگلیسی به فارسی) انتشار یافت و ما بخش‌هایی از آن را در صفحه «خاطرات و تاریخ» نقل می‌کنیم.

مترجم در مقدمه کتاب، به این نکته قابل تأمل اشاره می‌کند که «کتاب، طنزی است تلخ از شرایط اجتماعی و سیاسی ایران و جای حیرت است که پس از دویست سال بسیاری از ویژگی‌های آئینی ایرانیان همچنان برجای مانده و نقدپذیر می‌نماید. حاجی بابای اصفهانی در انگلستان در واقع آئینه‌ای است روشن و شفاف در برابر چهره‌مان، تا خود را بازنگریم با تعمق و تأمل بیشتر».

زمانی حجت‌الاسلام رفسنجانی گفت شاه می‌خواست قم را تبدیل به تهران کند، خدا نخواست و موفق نشد. ما موفق شدیم تهران را به قم تبدیل کنیم چون خواست خدا چنین بود.

گویا خواست خدا این نیز بوده است که عقربه زمان را دویست سال به عقب برگرداند و ایران را با تصویری همانند دوران خاقان مغفور و حاجی بابای اصفهانی و ملاهای جهادگر به دنیای قرن بیست و یکم معرفی کند.

می‌خواستم بپرسم مقدمه‌چینی یعنی چه که مری درویش‌صفت با صدایی مطیعانه پرسید: «آیا با مسیونرهایی که چندی پیش به ایران آمدند، آشنا شده‌ام؟»

گفتم: «بله سرکار خانم، من یک پدر می‌شناسم که نزدیک بود در اصفهان به دست ملاها کشته شود. او به ملاهای ما گفته بود که پیامبر ما آدم بدی بوده، آدم دروغگو بوده و ملای ما هم به او گفت: تو یک خر هستی و شروع کرد به سنگ پراندن به او. او گریخت به همت من.»

مری رنگ به رنگ شد و گفت: «اما ملاها کار ناشایستی کردند، چرا آنان تغییر دین نمی‌دهند؟»

گفتم: «کار آسانی نیست مادام. شاه گردن می‌زند و این خیلی بد است. تازه مسیحیان در ایران آدم‌های خوبی نیستند ـ گوشت خوک می‌خورند، شراب می‌خورند، آنان به بدی یهودیان هستند، نه مثل انگلیسی‌ها. انگلیسی‌ها تمیز و ثروتمند هستند. شاه انگلیس شاه قدرتمندی هست. ارمنی‌ها و مسیحی‌های ایران فقیر خیلی فقیر ـ خیلی نامرتب ـ خیلی بد. نه مادام، یک مسلمان فقیر در ایران بهتر از یک مسیحی ثروتمند.»

مری، ملای بانوان گفت: «اما مسلماً شما به رستگاری جانهای خود در ایران می‌اندیشید. این طور نیست شازده؟»

گفتم: «بله» و برای آن که نشان دهم آدم متعصبی نیستم، گفتم یک لطیفه انگلیسی است که می‌گوید: «ما به جان خیلی فکر می‌کنیم ولی پیش از آن به خان فکر می‌کنیم.» و به او اطمینان دادم که مسلمان از نوع دیگری هستم و وقتی به کشورم برگردم توسط کشیش‌ها مرتد شناخته شده و عذاب می‌شوم. اما اگر بفهمند مسیحی شده‌ام آن چنان بلایی بر سرم می‌آوردند که تا دم مرگ می‌روم و چه بسا جان مرا بگیرند و آن گاه با این کلمات گفتم: «بد نیست جرج شاه بیاید با سپاهی عظیم و ایران را بگیرد و در آنجا شاهی جدید بگمارد و آن وقت شاید ایرانیان مسیحی شوند. یک پدر خودش آمد، فایده‌ای ندارد. در ایران همه کارها با شمشیر راست و ریس می‌شود.»

مری گفت: «اما تعداد زیادی انجیل فرستادیم. باید اثر کرده باشد.»

ـ انجیل خیلی خوب هست مادام. ایرانیان نگفت بد. قرآن هم خیلی خوب. مسلمان گفت پیغمبر شما خیلی خوب پیغمبر. چرا شما نگفت پیغمبر ما خیلی خوب؟

مری گفت: «قبل از این که کشور ما را ترک کنید، شما را مسیحی می‌کنیم. شما تا به حال به کلیسای ما آمده‌اید؟»

پاسخ دادم که هرگز به کلیسا نرفته‌ام و به علاوه هرگز جرأت نمی‌کنم وارد یکی از این پرستشگاه‌ها شوم به جهت آن که ممکن است با برخورد شدیدی مواجه شوم. برای این که اگر یک مسیحی جرأت کند و قدم به مسجد بگذارد، صد به یک پوستش را می‌کنند و نمی‌دانم شاید در این جا در انگلستان نیز با آدم چنین کنند.

مری اطمینان داد که در کلیساهایشان به روی همه مردم با هر دین و ایمانی گشوده است و این که ملایان آنان فقط در پی فرصتی هستند تا بی‌دینان را از خطاهایشان آگاه گردانند و با پافشاری خواست که روز دیگر همراه خانواده‌شان به کلیسا بروم که من با رغبت پذیرفتم.

وقتی از جای برخاستم که بروم، مادرشان با مهربانی بسیار با من سخن گفت و اظهار علاقه کرد که بیشتر به خانه آنان به دیدنشان بیایم و در آن حال بسی که از من چشم بر نمی‌داشت، لبخندی زد و با لهجه قشنگ فارسی گفت: «خداحافظ شما».

از این سخن به شگفتی آمدم و مادرشان گفت که از بعد از آشنایی با من در نمایشخانه دخترانش به چیزی فکر نمی‌کنند، مگر شما. مری فقط آرزویش این است که مرا مسیحی کند، بسی بخش بزرگی از دستور زبان فارسی را فرا گرفته و جسی کاری نمی‌کند مگر مطالعه در تاریخ ایران.

این خبر مرا بسیار خوشحال کرد و این امید را در دل من دمید که از این آشنایی آینده بهتری خواهم ساخت و وقتی خانه را ترک می‌کردم، به چیزی فکر نمی‌کردم جز به آن چه دیده و شنیده بودم. به خود گفتم: «الله اکبر! آیا اینها هم زن هستند! اینان از مستوفی و وزیر بالاترند. تا حالا چه کسی شنیده بود که زنی چنین رفتارهایی داشته باشد؟ کجا زنان ما در اندیشه عواطف دینی دیگر ملت‌ها هستند؟ آیا تا به حال شده زنی در ایران در اندیشه یادگیری زبانی غیر از زبان مادری خود باشد؟ و در خصوص تاریخ، کدام زن ایرانی است که بداند چه تفاوتی بین جمشید و شاپور وجود دارد؟»

فصل نهم

به کلیسا می‌رود، کلیسا را با مسجد مقایسه می‌کند و به موعظه یک کشیش جوان گوش می‌سپارد

صبح بعد دیگر بار به خانه دوستان جدیدم رفتم. روز جمعه انگلیسی(یکشنبه) بود. زنگ‌های کلیساها به صدا درآمده بود و مردم از هر نوع و طبقه و سن چه فرا دست و چه فرو دست به خیابان‌ها آمده و در ساعتی مقرر مثل آن که به طرف قصر شاه رژه می‌روند، به سوی مرکز ایمانی می‌رفتند.

به مری که نزد خانواده‌شان از من تعریف می‌کرد گفتم: «چه قدر بهتر می‌شد اگر کلیساهای شما مثل مساجد ما همیشه باز بود. آن وقت هر کس می‌توانست زمان آرامش خود را در آن جا بگذراند. حال آن که کلیساها فقط بخشی از جمعیت عظیم شما را در خود جای می‌دهند. مسلمانان برای نیایش به یک گوشه آرام، یک سجاده و قبله نیاز دارند.»

مری پاسخ داد: «خدمات عمومی ما توسط دولت برنامه‌ریزی می‌شود.»

گفتم: «وضع ما در ایران فرق می‌کند، زیرا اگر چه شاه ما مستبد و خودرأی است، با این حال او نمی‌تواند مرا بیش از آن چه مایلم وادارد که استغفرالله بگویم یا فاتحه بخوانم مگر این که خودم بخواهم. او نظارتی بر شستن پاهایم یا شانه‌کردن ریشم و کوتاه کردن ناخنم ندارد، همه این‌ها اموری است که بین من و خدای خودم است. یعنی بینی و بین الله.»

همان طور که به طرف کلیسا می‌رفتیم، گفت و گویمان ادامه داشت. پیش از این با پدر خانواده دست داده و با پسر بزرگ خانواده آشنا شده بودم. ما به صورت یک هیأت وارد کلیسا شدیم و مردان و زنان در کنار یکدیگر بدون تمایزی نشستند. از خاطرم گذشت که ضرورت داشت لااقل در این جا زنان حجاب داشته باشند و در این خصوص شاه باید دستوری دهد که لازم‌الاجرا باشد. برای این که چه کسی می‌تواند چشم چرانی نکند؟ شخص من که نمی‌توانستم چشم از بسی ماه روی بردارم. هر چه خواستم نگاهش می‌کردم.

«دنباله دارد»

وای به روزی که بِگندد نمک: درباره ۶۳ حسابِ بانکی شخصی رییس قوه قضاییه!

● کانال تلگرامی «آمدنیوز» مدعی شد که ورودی حساب‌های خاص قوه قضائیه سالانه ۲۵۰ میلیارد تومان است و حسن روحانی ماجرا را به آیت‌الله خامنه‌ای گفته

حسن روحانی و صادق لاریجانی روسای قوه مجریه و قضائیه

جعفری‌دولت‌آبادی، دادستان تهران در اظهاراتی تهدیدآمیز گفته «اهانت به مسئولان قوه قضائیه، به‌خصوص شخص رئیس قوه قضائیه و درج مطالب خلاف واقع و کذب، جرم است با واکنش مواجه خواهد شد». خط و نشان دادستان تهران آن هم به این صراحت برای آنهایی که قصد تخریب رئیس قوه قضائیه را داشته باشند اگر بی‌سابقه نباشد، حتما کم‌سابقه است، اما چه موضوعی باعث شده تا لحن یک مقام قضایی تا این حد تند و تهدید آمیز شود؟

«هرچه بگندد نمک‌اش می‌زنند، وای به روزی که بگندد نمک»، اگر چه حسن روحانی در سخنرانی خود در مراسم افتتاحیه نمایشگاه مطبوعات امسال خطاب به قوه قضائیه بر سر فشار به اهالی مطبوعات و نویسندگان به این شفافیت از این ضرب‌المثل استفاده نکرد، اما گفت: «نباید به بهانه‌ای واهی قلم‌ها را شکست... آیا از قلم شکسته و دهان بسته کاری ساخته است؟ بگذاریم در این جامعه آزادی باشد و بگذاریم آزادی مسئولانه باشد...»

وی آنگاه با اشاره به روابط پنهان میان دستگاه قضا و برخی رسانه‌ها، خطاب به قوه قضاییه چنین گفت: «... اگر نمک سالم باشد می‌شود جلوی آن را گرفت؛ اما اگر نمک فاسد شود خیلی کار سخت می‌شود» و در قالب همین جملات طی اقدامی کم سابقه در جمهوری اسلامی، تلویحاً قوه قضائیه را متهم به فساد کرد.

در واکنش به این اظهارات، آملی‌لاریجانی رئیس قوه قضائیه روحانی را متهم به دورویی کرد و گفت: «برخی مسئولین به صورت شفاهی یا کتبی، با واسطه یا بی واسطه درخواست برخورد با برخی مطبوعات و رسانه‌ها را دارند اما وقتی در میان اهالی رسانه قرار می گیرند، ندای آزادی مطبوعات سر می دهند».

این ماجرا سرآغاز باز شدن یک زخم کهنه و عمیق دیگر شد، که کلید آن را رسانه‌ای با عنوان «تلویزیون دُر» (DORR TV) زد و بحث ماجرای حساب هزار میلیارد تومانی صادق لاریجانی با سود ماهیانه ۲۲ میلیارد تومان را مطرح کرد. به دنبال آن بود که در فضای مجازی شایعاتی مطرح شد که او مستقیم و غیرمستقیم ۶۳ حساب بانکی دارد که این پول‌ها در آن گردش می‌کنند.

همزمان وقتی محافظه‌کاران مطرح کردند روحانی برای اهداف انتخاباتی قوه قضائیه را هدف قرارداده، نیروهای نزدیک به دولت هم بیکار نماندند و دست روی پول‌های پنهانی گذاشتند که قضات سازمانی به جیب می‌زنند.

عقب‌نشینی رندانه وزیر اقتصاد

به این ترتیب ماجرا از یک بگو مگو بر سر آزادی مطبوعات به افشای میلیاردها تومان فساد در قوه قضائیه رسید. کار بیخ پیدا کرد و چند روز بعد سه نفر در قوه قضاییه و دو نفر در بانک ملی بازداشت شدند. کانال تلگرامی«آمدنیوز» هم که این روزها موتور افشاگری‌هایش حسابی روشن است، مدعی شد که ورودی سالانه این حساب‌ها ۲۵۰ میلیارد تومان است و حسن روحانی ماجرا را به آیت‌الله خامنه‌ای گفته است.

در خبرهای تکمیلی هم عنوان شد که قاضی‌القضات، علی طیب‌نیا وزیر اقتصاد را احضار کرده و گفته چرا درباره این حساب‌ها گزارش تهیه و در هیات دولت آن را مطرح کرده است.

طیب‌نیا وقتی می‌بیند اوضاع خراب شده و نه راه پس دارد و نه راه پیش، رندانه در گفتگو با «شبکه ۲» تلویزیون عنوان کرد که این حساب‌ها از ۲۰سال پیش وجود داشته و با هماهنگی خزانه کل کشور و بانک مرکزی، مجموعه مبالغی در آنها با رعایت حدود قانونی و موازین شرعی به صورت سپرده برای قوه قضاییه وجود دارد. طیب‌نیا این را هم گفت که از اصل پول به هیچ وجه استفاده نشده ولی از سود آن صرفا برای برخی هزینه‌های معین در قوه قضاییه مصرف شده است.

شیپورزنی در صحن علنی

وقتی می‌رفت که اوضاع آرام شود، در شیپور ماجرا در مجلس شورای اسلامی توسط محمود صادقی، از اصلاح‌طلبان مجلس دمیده شد. او فردای آن روز که در صفحه توییترش نوشت «سود وجوه تودیعی مردم شرعا و قانونا به کی تعلق می گیرد؟» روز ۲۴ آبان در صحن علنی مجلس از صادق لاریجانی درخواست کرد که از عملکرد حساب‌هایش در پنج سال گذشته گزارش بدهد.

او افشا کرد که «بخش قابل توجهی از این وجوه واریزی متعلق به اشخاص حقیقی و اصحاب دعوا در محاکم حقوقی و کیفری و بعضا متهمان در دادسراها است که بابت قرارهای وثیقه و تودیع احتمالی در صندوق دادگستری واریز می شوند.»

چند سوال مهم هم پرسید، از جمله این پرسش کاملا منطقی که «کدام قانون اجازه می دهد وجوه دولتی به حساب‌های شخصی واریز شود؟!» و همچنین «کدام موازین شرعی اجازه می دهد که قوه قضاییه در این وجوه تصرف کند، این وجوه را سپرده‌گذاری کند و سود حاصله را تملک کند؟»

آب باریکه‌ای بیست ساله به ارزش چند ده میلیارد تومان

سایت «ایران وایر» که این ماجرا را پیگیری کرده می‌نویسد این حساب‌های بانکی که مربوط به دستگاه قضایی است به مصوبه ۱۴ خرداد ۶۷ بر می‌گردد که بر اساس آن دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب اسلامی موظف شدند ۵۰ درصد درآمدهای ناشی از مجازات مرتکبین قاچاق را به شماره حساب ۱۴۰ خزانه نزد بانک مرکزی واریز کنند.

حالا این دست حساب‌ها تعدادشان بیشتر شده و موارد واریزی و مبالغ آن هم سر به فلک کشیده است، کار به جایی رسیده که قوه‌قضائیه هرگز لزومی به شفاف کردن آن نمی‌بیند و پاسخگوی دولت نیست و بخشی از آن را به پای بدهی دولت برای پرداخت بودجه سالانه به قوه قضائیه گذاشته است. در مقابل، دولت می‌گوید این مبالغ بیش از این حرف‌هاست و اصولاً «پیوند درآمد–هزینه برای دستگاه‌های حاکمیتی، شیوه‌ای نامطلوب و نیازمند اصلاح است».

حالا اختلاف مالی دولت و قوه‌قضائیه آن هم در بزنگاه انتخابات آبستن افشای برگی دیگر از میلیاردها تومان پولی است که طی دو دهه، قوه قضائیه جمهوری اسلامی خورده و دولت هم نظاره‌گر آن بوده است. در این بین نام یک نفر بیش از بقیه می‌درخشد و آن هم آیت‌الله صادق آملی لاریجانی، قاضی‌القضات جمهوری اسلامی است.

تخلفات مالی در سیستم قضایی ایران سابقه طولانی دارد. مرداد ماه امسال سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی از محکومیت ۱۳ قاضی متخلف به حبس‌های طولانی‌مدت خبر داد. حالا باید منتظر ماند و دید این بار چه کسانی پاسوز این پرونده خواهند شد.

درگذشت «خواهر دباغ» اولین فرمانده‌ی زن در سپاه پاسداران

مرضیه دباغ پیش از انقلاب با کمک تیم محمد منتظری با پاسپورت جعلی از ایران خارج و راهی لندن شد

خبرگزاری‌های داخلی گزارش دادند مرضیه حدیدچی مشهور به «خواهر دباغ» از نخستین زنانی که پس از انقلاب و تشکیل کمیته‌های انقلابی به عضویت سپاه درآمد در بیمارستان خاتم‌الانبیاء سپاه در گذشت.

او با جامعه روحانیت مبارز همکاری زیادی داشت و پیش از انقلاب به اتهام فعالیت‌های امنیتی دو بار بازداشت شد و در نهایت با کمک تیم محمد منتظری با پاسپورت جعلی از ایران خارج و راهی لندن شد

وی پیش از انقلاب به اتهام فعالیت‌های ضد رژیم دو بار بازداشت و در نهایت با کمک تیم محمد منتظری با پاسپورت جعلی از ایران خارج و راهی لندن شد.

مرضیه دباغ در شهر لندن مدتی را به عنوان نظافتچی در یک هتل مشغول به کار شد تا در نهایت با کمک تعدادی دیگر از رفقای انقلابی‌اش در فرانسه به تیم انقلابیون مقیم پاریس پیوست. از فعالیت‌هایی که او همواره در مصاحبه‌هایش به آن افتخار می‌کرد توزیع اعلامیه‌های آیت‌الله خمینی در بین حجاج عربستان بود.

«خواهر دباغ»، «خواهر زینت احمدی نیلی» و «خواهر طاهره» اسم‌های سازمانی او در تشکیلات نظامی فعال علیه حکومت پهلوی بود. دباغ ظاهرا آنقدر در یادگیری و به کار بردن فنون نظامی مهارت داشت که به عنوان محافظ شخصی آیت‌الله خمینی در پاریس انتخاب و حتی وظایف اندرونی بیت در نوفل‌لوشاتو به او واگذار شد. «زینب کوماندو» لقبی بود که دوستان نزدیک مرضیه دباغ به او داده بودند.

زینب، مرضیه یا طاهره در سوریه و لبنان آموزش دوره‌های چریکی دید و در آنجا تواسن به عنوان یکی از معلمان جنگ‌های خیابانی مسئول آموزش دختران انقلابی شود

زینب، مرضیه یا طاهره در سوریه و لبنان آموزش دوره‌های چریکی دید و در آنجا توانست به عنوان یکی از معلمان جنگ‌های خیابانی مسئول آموزش دختران انقلابی شود

پس از انقلاب بعد از چند ماه فعالیت در کمیته و سپاه همدان به عنوان رئیس زندان زنان تهران انتخاب شد و نقش مهمی در سرکوب و بازجویی از زنان چپ‌گرا، فدایی، مجاهد و کردهای دموکرات در زندان داشت.

او رابطه نزدیکی با خانواده لاریجانی داشت و سه دوره هم به عنوان نماینده در مجلس شورای اسلامی فعالیت کرد.

مرضیه دباغ در چند مصاحبه گفته بود: «در دوره دوم نمایندگی مجلس برای حل مشکلات اقتصادی چند خانواده، هر ماه مبلغی به آنها کمک می‌کردم. وقتی دوره نمایندگی‌ام به پایان رسید، دیگر پولی نداشتم به آنها کمک کنم. شب‌ها وقتی که بچه‌ها و همسرم می‌خوابیدند، با ماشین به فرودگاه یا میدان آزادی می‌رفتم و مسافرکشی می‌کردم. البته فقط افرادی که با خانواده بودند را سوار ماشین می‌کردم».

او متولد ۱۳۱۸ است و در سه دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی سعی کرد مبتکر اولین کمیسیون زنان انقلابی مجلس باشد، ضدیت با فمنیست از خصلت‌های مشهور او بود

او متولد ۱۳۱۸ بود و در سه دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی سعی کرد مبتکر اولین کمیسیون زنان انقلابی مجلس باشد، ضدیت با فمینیسم از ویژگی‌های مشهور او بود

دباغ در دهه پایانی زندگی خود بیشتر وقت‌اش را صرف سخنرانی، مصاحبه و برگزاری جلسات حزبی کرد. «جمعیت زنان انقلاب اسلامی» سال‌ها او را به عنوان رئیس خود انتخاب می‌کرد.

از خصلت‌های بارز او، یکی انتقاد و جبهه‌گیری‌های تند علیه فعالین فمینیست بود. با این حال معتقد بود نباید با روش‌های خشن حجاب را بر زنان تحمیل کرد و باید آنقدر آنها را توجیه کرد که خودشان «حجاب اجباری» را انتخاب کنند. البته این دیدگاه دباغ همیشه سوژه خبرنگاران بود.

پروفسور حسن منصور: تحریم بانک... از صفحه ۱۶

● منظورتان این است که به دلیل در هم آمیختگی پولشویی، قاچاق و نظام پولی و حمایت از تروریسم، دولت ایران به هیچ وجه نمی‌تواند تعهداتی را در این راستا عملی کند؟

– تا زمانی که سیاست‌های کلان ایران در راستای هژمونی‌طلبی در منطقه آنگونه که در یمن، فلسطین، لبنان، سوریه و عراق شاهد هستیم باشد امکان مبرا بودن از اتهام پولشویی و حمایت از تروریسم میسر نخواهد شد، بنابر این تحریم‌ها نیز پا برجا خواهند بود مگر اینکه تغییر کلانی در سیاست‌های نظام ایجاد شود و یا اینکه غرب بخواهد از اعمال جمهوری اسلامی چشم‌پوشی کند.

حتی اگر سیستم بانکی از انتقال پول برای این گونه فعالیت‌ها سر باز زند باز همان‌گونه که شاهد بودیم با انتقال چمدانی پول بعد از هر دیدار رهبران حماس و حزب‌الله و غیره ... اینگونه حمایت‌ها ادامه خواهد داشت. همانطور که اخیرا مسئولان سپاه هم گفتند، تنها راه انتقال پول از طریق بانک‌ها نیست.

این قضیه بسیار دامنه‌دار است، زمانی که حساب و کتاب درآمدهای دولت در زمان احمدی‌نژاد مسئله‌ساز شد، ایشان در پاسخ این پرسش که چه مبلغی در صندوق ذخیره ارزی موجودی دارید، گفت نمی‌توانیم اعلام کنیم چرا که اگر اعلام کنیم دشمن برایش حساب‌سازی می‌کند و بعد که پرسیدند کجا نگه می‌دارید که به بانک مرکزی نمی‌دهید، جواب داد ما منابع معتبری داریم که بعدا بخش کوچکی از آن نظیر بابک زنجانی و رضا ضراب یا همان ۲۰ میلیون دلاری که بنا به ادعای خودشان برای پایین نگاه‌داشتن قیمت دلار به دلال‌هایی در دبی انتقال داده بودند مشخص شد و بعد هم معلوم نشد چه بر سرشان آمد.

وقتی که مالیه یک کشور از نظر دستگاه‌های مسئول مثلا دیوان حسابرسی و دیگر نهادها پنهان می‌ماند و از اعلام در آمد و ذخیره ارزی سر باز می‌زنند و موضوع را سرّی اعلام می‌کنند و ملت هم بی‌خبرند و نمی‌دانند که چقدر از سرمایه‌های ملی و پشتوانه ارزی در کجا و به چه منظور مصرف شده ما با یک فساد مالی سیستماتیک و دولتی روبرو هستیم که بر هیچ کس هم پوشیده نیست.

● پس سرنوشت توسعه اقتصادی و پایدار ایران فعلا گروگان سیاست‌های غلط نظام و سلطه‌جویی جمهوری اسلامی است؟

–بله، متاسفانه چنین است و تا این سیاست ادامه دارد این معضل پا برجاست.

● ولی با رفع تحریم‌هایی مانند تحریم بانک صادرات آیا مردم عادی می‌توانند کارهای بانکی‌شان را در خارج از کشور از طریق بانک‌های ایرانی انجام دهند؟

– در وبسایت خود بانک صادرات می‌بینید که هر کسی، چه ایرانی و چه غیر ایرانی، می‌توانند از طریق این بانک به ارسال و دریافت پول اقدام نمایند و طبق دستورالعمل منتشر شده، این بانک می‌تواند از این پس تمام فعالیت‌های خود را مثل سابق از سر بگیرد از جمله معاملات ارزی و نقل و انتقال پول.

اما امروز ما هنوز با انتقال پول حتی در ابعاد شخصی مشکل داریم برای مثال یک دانشجوی ایرانی امکان دریافت و پرداخت پول را ندارد. حتی اگر در اروپا شما اقدام کنید برای ارسال پول به یک دانشجو که پاسپورت ایرانی دارد با مشکلاتی ممکن است روبرو شوید. ما امروز در خود اروپا و آمریکا دچار مشکل هستیم و بانک‌ها این جابجایی‌ها را به راحتی انجام نمی‌دهند، یعنی حتی ما که در خارج از کشور زندگی می‌کنیم هنوز از سایه شرور جمهوری اسلامی خارج نیستیم و هزینه رفتارهای خلاف عرف بین‌الملل حاکمیت جمهوری اسلامی را پرداخت می‌کنیم.

جان بولتون: دولت آمریکا بدون:... از صفحه ۵

وی همچنین ضمن انتقاد از عدم حمایت کافی باراک اوباما رییس جمهور کنونی آمریکا از جنبش سبز در سال ۲۰۰۹ گفت: «مردم ایران در این تظاهرات خطاب به باراک اوباما گفتند که یا همسو با مردم ایران باشد و یا با آنها، که در عوض اوباما هیچ اقدامی در حمایت از مردم ایران انجام نداد و سیاست توافق هسته‌ای با دولت ایران را پیش برد».

بولتون در ادامه مصاحبه‌اش گفته است: «سازمان مللی وجود ندارد. هر آنچه هست یک جامعه بین‌المللی است که می‌تواند قدرت واقعی را در ایالات متحده رهبری کند».

بولتون که یکی از منتقدان بزرگ توافق هسته‌ای ایران بوده و منتقد بزرگ سیاست‌های دولت باراک اوباما در حوزه مسایل بین‌المللی است، پیشتر نیز تنها راه مقابله با انرژی هسته‌ای ایران را تغییر حکومت ایران عنوان کرده و از اوباما خواسته بود تا سایت‌های اتمی ایران را بمباران کند.

جان بولتون وکیل و دیپلماتی است که در دولت‌های مختلف جمهوری خواهان ایالات متحده فعالیت کرده است. بولتون از اوت ۲۰۰۵ تا دسامبر ۲۰۰۶ از سوی رئیس جمهور وقت جرج دبلیو بوش به عنوان سفیر ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل مشغول به کار بود.بولتون هم اکنون عضو پیوسته ارشد در مؤسسه امریکن انترپرایز و از صاحب‌نظران فاکس نیوز است. وی از مشاوران سیاست خارجی میت رامنی نامزد حزب جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲ بود.وی در سال ۲۰۱۱، دریکی از سخنرانی‌های خود از مشروعیت سازمان مجاهدین خلق و بیرون آوردن نام آن از فهرست تروریستی حمایت کرد.در مارس ۲۰۱۵، بولتون در مقاله‌ای در نیویورک تایمز، از حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران و تغییر رژیم جمهوری اسلامی نیز حمایت کرد.

در میان گروه‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی، مجاهدین خلق روابط حسنه‌ای با جان بولتون داشته‌اند و وی در جلسات مجاهدین سخنرانی کرده است. با این همه بعید است جان بولتون نداند که در میان انواع و اقسام گروه‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی، مجاهدین خلق نیز در میان مردم ایران محبوب نیستند. از جمله به دلیل ریشه‌های فکری مشترک با جمهوری اسلامی و همچنین حمایت صدام حسین از آنها و حمله به ایران در دوران جنگ با عراق که طی آن شمار بسیاری از خود مجاهدین و همچنین مردم کشته شدند.

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

آخرین ویدئوهای خبری در لنز ایران
www.lenziran.com
LENZ IRAN
Focus visually on iran

KAYHAN LONDON ONLINE
کیهان
سال سی و سوم (دورهٔ جدید) ـ شماره ۸۶ ـ جمعه ۲۸ آبان‌ماه ۱۳۹۵ خورشیدی
۱۸ صفر ۱۴۳۸ قمری ـ ۱۸ نوامبر ۲۰۱۶ میلادی
No.86 Friday 18 November 2016
P.O. Box 435,Old Brompton Road 2,London, SW7 3DQ
Tel: +(44)-(0)20 3633 3684 Fax: +(44)-(0)20 3633 3685
e-mail: ads@kayhan.london - www.kayhanlondon.london

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد
نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

پروفسور حسن منصور:

تحریم بانک صادرات از سوی اتحادیه اروپا نه لغو بلکه تمدید نشده است

بانک صادرات ایران، لندن ©Reuters

- تمدید نکردن تحریم بانک صادرات برای نشان دادن حسن نیت از سوی اتحادیه اروپاست
- این ادعای ایران که یونان رای نداد و به همین خاطر این تحریم برداشته شد صرفا تبلیغات است چرا که یونان در موقعیتی نیست که بخواهد با تصمیمات اتحادیه مخالفت کند
- ما که در خارج کشور زندگی می‌کنیم در مراودات پولی با بانک‌های ایرانی دچار مشکل هستیم چه برسد به دانشجویانی که پاسپورت ایرانی دارند

محسن بهزادکریمی - در روز ۱۴ نوامبر کنگره آمریکا در فضای ملتهب پس از انتخابات این کشور، یک بار دیگر پرونده تحریم‌های اقتصادی جمهوری اسلامی را به رای می‌گذارد. در ۲۲ دوم اکتبر گذشته بخشی از تحریم‌های اقتصادی علیه بانک صادرات برچیده شد. در همین رابطه گفتگویی با پروفسور حسن منصور داشتیم که در ادامه میخوانید.

● جناب منصور، چندی پیش در ماه اکتبر رسانه‌های فارسی زبان در ابعاد گسترده خبر رفع تحریم از بانک صادرات توسط دولت بریتانیا را پوشش دادند؛ ممکن است برای خوانندگان ما توضیح دهید که چه تغییرات عمده‌ای رخ داده و چطور؟

-این تحریم نه از سوی بریتانیا بلکه از سوی اتحادیه اروپا بود و حالا تنها تمدید نشده، و نه اینکه لغو شده باشد. اروپا می‌توانست قبل از رسیدن موعد مقرر، این تحریم‌ها را تمدید کند اما چون این کار صورت نگرفته این تحریم خود به خود ملغی شده است.

● آیا فکر می‌کنید برچیدن این تحریم‌ها جهت نشان دادن حسن نیت بوده؟ زیرا با وجود تحریم‌ها بر ضد همین بانک از سوی خزانه داری و کنگره آمریکا هنوز کار برای این بانک در سیستم پولی بین‌الملل مشکل است.

-توجه داشته باشید تحریم‌های آمریکا علیه این بانک از نهم اوت ۲۰۰۶ شروع شده آن هم به اتهام تامین مالی تروریسم، که مثل بسیاری دیگر از بانک‌های ایرانی به اتهام تامین پول برای حزب‌الله، حماس، جهاد اسلامی و... مورد تحریم آمریکا واقع شده و این تحریم هنوز ادامه دارد. در انگلستان تحریم از ۲۰۱۲ برای بانک صادرات از سوی اتحادیه اروپا و بانک سپه از ۲۰۰۷ آغاز شد و در ماه اکتبر به دلیل عدم تمدید این تحریم از سوی اتحادیه اروپا این تحریم ملغی شد.

به این تحریم در متن برجام نیز اشاره شده بود و طبق برجام قرار بود هشت سال دیگر این تحریم برداشته شود ولی بانک صادرات به دادگاه اتحادیه اروپا شکایت برد و دادگاه تجدید نظر به نفع بانک رای داد و در نتیجه‌ی این رای بود که در زمانی که بایستی این تحریم تمدید می‌شد اتحادیه اروپا اقدامی در این رابطه نکرد و در نتیجه این تحریم ملغی شد.

نظام نیز دست به تبلیغاتی زد در این زمینه و گمان کرد که مثلا نقش یونان بود که باعث این موضوع شد چرا که مکانیزم اروپا اینطور است که هر ۲۸ کشور باید رای بدهند و هر کشور حق وتو دارد ولی این ادعای ایران که یونان رای نداد و به همین خاطر این تحریم برداشته شد صرفا تبلیغات است چرا که یونان در موقعیتی نیست که بخواهد با تصمیمات اتحادیه مخالفت کند. اینکه رژیم این اتفاق را حاصل رایزنی آقای سیف یا مقامات یونانی می‌داند تنها یک حدس ضعیف است. ولی در مجموع از عملکرد اتحادیه اروپا و آمریکا می‌توان برآورد کرد که می‌خواهند کار را برای ایران تسهیل کنند.

● در اسناد اجرایی برجام، برداشته شدن این تحریم به ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳ موکول شده، آیا آنچه در برجام پیش‌بینی شده، ۸ سال جلو افتاد؟!

-بله، همینطور است، اروپا و آمریکا در تلاش‌اند تا با حسن نیت با ایران برخورد کنند و همین چند هفته پیش بود که خزانه‌داری آمریکا معامله با دلار را برای شرکت‌های غیر آمریکایی مجاز کرد. یعنی ایران با خود آمریکا مستقیما نه، اما از طریق کشورهای دیگر وارد نظام مالی آمریکا می‌شود.

این اقدام نشانی از حسن نیت آمریکا و اقدام اخیر رفع تحریم از بانک صادرات نشان حسن نیت اروپا است اما از سوی دیگر ایران در یک سال گذشته همواره تلاش می‌کند تا هر فشاری که ممکن است وارد کند و اذهان عمومی را به آن سمت سوق دهد که گویی آمریکا و غرب به وعده‌های خود به خوبی عمل نمی‌کنند؛ و هدف از این رویکرد تنها جوّسازی بین‌المللی است تا بتوانند امتیازات بیشتری بگیرند؛ رژیم ضمن دریافت این امتیازات مدام در حال گله کردن است که آمریکا تعهداتش را عمل نکرده در حالی که آمریکا ورای برجام نیز دارد به ایران امتیاز می‌دهد.

● با این دوگانگی در رویکرد چه اتفاقی در بازار خواهد افتاد؟ بعضی از تحریم‌ها در اروپا ملغی شده و در آمریکا پا برجاست، از سوی دیگر شرکت‌های خارجی می‌توانند با ایران معامله دلاری کنند و شرکت‌های آمریکایی نه... با توجه به اینکه بیشتر شرکت‌ها چند ملیتی هستند واقعا تکلیف چه خواهد شد؟

-تا جایی که شرکت آمریکایی نباشد مشکلی نیست و می‌تواند در بانک‌های غیر آمریکایی معامله دلاری کند. قبلا این قضیه در آمریکا اینطور مطرح شده که مثلا شرکت بوییِنگ نمی‌تواند مستقیم با ایران معامله کند اما شعب زیرمجموعه آن در کشورهای دیگر می‌توانند با ایران غیر مستقیم معامله کنند. شعبه شرکت آمریکایی در کشور دیگر آمریکایی تلقی نمی‌شوند و می‌توانند معامله کنند.

پروفسور حسن منصور

● پس به نوعی کلاه شرعی تعریف کردند؟

-بله، همینطور است.

● تاثیر عدم تمدید این تحریم‌ها فقط شامل حال بانک صادرات است یا فراتر از آن؟

-این بانک با حدود ۳۴۰۰ شعبه از مهمترین بانک‌های ایران است. پس رفع تحریم این بانک تاثیر بسزایی بر دیگر بانک‌های ایرانی خواهد داشت،اینکه ۷۵ درصد سهام این بانک در اختیار سه بانک عمده دیگر ایرانی است.

● در ۱۴ نوامبر قرار است سند تحریم ایران به رای کنگره آمریکا گذاشته شود، بند اول تا سوم این سند در برجام آمده و به نوعی می‌توان گفت با احتساب اینکه ایران به برجام متعهد بماند این بخش از این سند دیگر محلی از اعراب ندارد، اما بند چهارم این سند به حمایت از تروریسم و پولشویی و برنامه موشکی جمهوری اسلامی مرتبط است که در برجام و توافق اتمی جایی ندارد و رئیس جمهور آمریکا موظف است سیاست خارجی را بر مبنای همسو کردن متحدان آمریکا در این جهت هماهنگ کند. به نظر شما در شرایط حاضر کنگره آمریکا با سند تحریم ایران چه خواهد کرد؟

-این دوگانگی وجود دارد که اگر بانک‌های ایران در انتقال پول به گروه‌های تروریستی فعالیت کنند چه باید کرد؟ اینجا ابهام وجود دارد، اروپا تحریم‌ها را برداشته ولی تحریم‌های آمریکا همچنان پابرجاست. آنچه با برجام رفع شده تحریم‌های ناشی از مسئله اتمی است و این احتمال هست که این بانک‌ها در انتقال پول فعال بشوند. ولی این ابهام هست که چه خواهد شد؟ چون مصوبات شورای امنیت سازمان ملل نیز بر سر مسائلی از قبیل تروریسم و برنامه موشکی همچنان پابرجاست و این دوگانگی و سر درگمی را بیشتر دامن می‌زند.

در آمریکا به دلیل انتخابات، این موضوع سیاسی شده بود و حالا بنا به نتیجه انتخابات و انتخاب ترامپ آمریکا رویکرد سخت‌تری از دولت اوباما با ایران خواهد داشت، چرا که مقوله تروریسم در ایران رفع‌شدنی نیست زیرا تعاریف دو طرف متفاوت است. جریاناتی که غرب آنها را تروریست می‌داند، ایران آنها را آزادی‌بخش می‌داند بنا بر این وقتی وزیر خارجه یا رئیس جمهور در ایران اعلام می‌کنند و امضا می‌کنند که به جریانات تروریستی کمک نخواهند کرد نمی‌توان این مواضع را جدی گرفت چرا که دولت نمی‌تواند از مواضع و ارزش‌های نظام عدول کند. و نظام یعنی آقای خامنه‌ای.

ایران نه تنها از این گروه‌ها حمایت می‌کند بلکه بودجه این گروه‌ها نظیر حزب‌الله را تامین می‌کند. به این ترتیب این فشارها ادامه خواهد داشت و باید دید این سیاست‌های دوگانه به کجا می‌انجامد. ایران تلاش می‌کند شکاف بین اروپا و آمریکا را بیشتر کند ولی نه آمریکا و نه اروپا هیچ‌کدام فریب ایران را نخواهند خورد.

● در بیانیه‌ای که از سوی اروپا در رابطه با رفع تحریم‌های بانکی صادر شد، مقوله تروریسم از صورت مسئله پاک شده اما در آمریکا همچنان این بند مشخصا در تحریم همین بانک آمده. در بطن برجام می‌شود رفع این تحریم را ولو زودتر از موعد پذیرفت اما در رابطه با پولشویی و تروریسم چه؟

-ایران به صورت داوطلبانه با گروه بین‌المللی «اقدام برای مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم» (FATF) متعهد شده و همکاری می‌کند و به همین دلیل بخشی از موانع به دلیل این همکاری مرتفع و موقتا این تحریم‌ها تا یک سال معلق شده. این جزیی از برجام نبود و یک اقدام خارج از توافق اتمی است. این سازمان نیز به دلیل آغاز همین همکاری به مدت یک سال تحریم‌ها را معلق کرده. این سازمان ناظر رفتار ایران است. دولت در ایران گفت به همین دلیل سفارشات بانکی قرارگاه خاتم را اجرا نمی‌کند ولی عملا عقب نشست و حالا معلوم نیست این قرارگاه بایکوت شد یا نه.

در نظام بانکی ایران تا تغییرات بنیادی صورت نگیرد نه می‌شود جلوی پولشویی را گرفت و نه جلوی حمایت از تروریسم از طریق سیستم بانکی را. در مورد تروریسم معضل در تعریف تروریسم است و در رابطه با پولشویی نظام پولی- مالی ایران مثل غربالی است که هزار و یک سوراخ دارد؛ در نتیجه تمام موسسات غیر بانکی در ایران که حدود ۴۰ درصد نقدینگی را در اختیار دارند می‌توانند به روند پولشویی ادامه دهند. این موسسات اعتباری چون بانک نیستند تحت کنترل بانک مرکزی نیستند و می‌توانند نقدینگی و گردش پول را به تناسب نرخ بهره‌های که بالا می‌برند افزایش دهند و در عین حال مشمول قواعد و چارچوب بانک مرکزی نشوند چرا که این موسسات بانک نیستند و سیستم بانکی هم کنترلی بر آنها ندارد.

برخی از این موسسات سرمایه‌های بزرگی تا ۲۰۰ میلیون دلار دارند و موسسه اعتباری شبه بانکی هستند تفاوت‌شان در همین عدم تمکین از بانک مرکزی است ضمن اینکه به منابع بانک مرکزی به عنوان منبع وام آخر دسترسی ندارند.

در حال حاضر دولت طرحی برای« نجات بازار پولی» دارد که مشاوران دولت آماده کرده و در اختیار دولت گذاشته‌اند. این نظام پولی اصلاح نشود نابسامانی‌ها ادامه خواهد داشت و این دولت هم نمی‌تواند تغییر بزرگی ایجاد کند چرا که ساختار قدرت خواهان سیستمی شفاف و درست نیست و هر تعهدی هم دولت ایران بدهد در جایی نقض خواهد شد و تا نظام پولی اصلاح نشود و زیر نظر بانک مرکزی جمع نشود اصلاح نظام پولی امکان‌پذیر نیست.

● پس ورود ایران به بازار جهانی بدون هرگونه تحریم تا زمانی که ساختارهای مافیایی بانکی وجود دارند امکان‌پذیر نیست زیرا تعهد به امتناع از پولشوئی و تأمین مالی تروریسم از حدود اختیارات دولت بیرون است و سازمان‌هایی که این امور را اجرا می کنند در زیر مجموعه دولت قرار ندارند.

-این کار، هم غیر ممکن و هم بی فایده است چرا که ساختار مافیاها و سپاه، خودشان صاحب بانک و موسسه مالی هستند و خودشان کار پولشویی را انجام می‌دهند و در واقع پول کثیف را که از طریق انواع قاچاق و دیگر رانت‌ها و تخلفات به دست آورده‌اند وارد سیستم بانکی می‌کنند، بنا بر این تا اصلاح ساختاری نشود و دست این گروه‌های نظامی- مافیایی از سیستم پولی کوتاه نشود تغییری رخ نخواهد داد.

از زمانی که در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی این سازمان‌های سیاسی- امنیتی نظیر سپاه اجازه پیدا کردند که خودشان بودجه خود را تامین کنند از آنجا بود که عملکردی نظیر آنچه مدل کارتل‌های مواد مخدر است باب شد و الان به قدری بزرگ شده‌اند که حتی دولت هم نمی‌تواند با آنها مقابله کند و با احتساب میزان نفوذ این قبیل نیروها درلایه‌های بازار و نظام پولی ایران امکان مبارزه با پولشویی نیست مگر تغییرات اساسی در ایران صورت گیرد.

ادامه در صفحه ۱۵